

# شوفار



شماره ۱۶۶ نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

تابستان و پائیز ۱۳۸۹ خورشیدی، ۲۰۱۰ میلادی، ۵۷۷۱ عبری

”دوازده قوم اسرائیل هرکدام خاندان خود را داشتند، اما ایمان و همبستگی آن ها راز قدرت و بقاء یهودیان شد. مانند شاخه هائی که از یک ریشه روئیده اند.“  
ربای سامسون رافائل هرش

“The twelve tribes of Israel each had their own family, yet they remained united through their conviction and this is the secret of Israel’s strength and survival, like a branch growing from one stem.”

Rabbi Samson Rafael Hirsch



# *The Fresh Experience*



8730 W.Pico Blvd  
Los Angeles, CA 90035  
E-mail: [elatmarket@aol.com](mailto:elatmarket@aol.com)

Main: (310) 659-7070  
(310) 659-ELAT  
Tape: (310) 650-9983  
Fish: (310) 659-9253  
Meat: (310) 659-9250  
Fax: (310) 659-7434





# Happy Hanukkah



مدیریت و کارکنان  
سوپرمارکت معتبر ایلات مارکت،  
فرارسیدن ایام مبارک خنوکا را  
به تمام یهودیان جهان به خصوص یهودیان ایرانی  
تبریک می گویند.

ایلات مارکت امسال نیز هماتد سلطای گذشته با عرضه بهترین کالاها و خدمات  
در خدمت هموطنان گرامی می باشد.



Israel Discount Bank of New York



بین ۱۴

بزرگترین بانک های نیویورک.

■ بین ۱۰% بانک های بزرگ امریکا در صدور اعتبارهای اسنادی.

■ ارتباط با اکثر بانکهای مهم جهان.

■ وام های تجاری برای کمپانی های عمده فروش.

■ انواع سپرده ها و سرویس های بانکی برای اشخاص و شرکت ها.

■ خرید و فروش سهام و اوراق قرضه توسط شرکت وابسته.

■ بانکی معتبر و مستحکم با ۵۰ سال سابقه و عضو FDIC

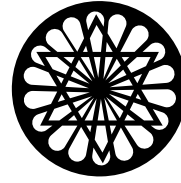
برای کسب اطلاعات لطفا با آقای مهرداد لویصدق ( Moti Levy )  
با شماره تلفن ۶۴۴۰-۸۶۱-۲۱۳ تماس حاصل فرمائید.

آدرس شعبات بانک:

9401 Wilshire Blvd # 600 Beverly Hills, CA. 90212 (Tel'310-860-6320)  
888 S. Figueroa St. # 550 Los Angeles, CA. 90017 (Tel' 213-861-6440)  
511 Fifth Ave, NY, NY. 10017, (Tel': 212-551-8500) (The main office)  
1350 Broadway, NY, NY. 10018 (Tel': 212-714-5662)  
18851 NE 29th Ave, # 600 Aventura, FL. 33180 (Tel': 305-682-3700)

IDB Bank is a registered service mark of Israel Discount Bank of New York. Member FDIC

[www.idbbank.com](http://www.idbbank.com)



# شوفار

نشریه فدراسیون  
یهودیان ایرانی کالیفرنیا  
www.IAJF.org  
info@IAJF.org

## بخش فارسی

### پیشگفتار/۶

پیام رئیس هیات اجرائی /۷

اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی /۱۰

قدردانی از دو شخصیت عالیقدر/۱۲

نگاهی به خدمتگزاران جامعه یهودی ایران /۱۴

رسالت یهودی ایرانی /۱۶

”بربال خرد“ /۱۸

کتاب روزنه ای به دیار روشنایی /۲۱

دوربین عکاسی ”لایکا“

و یهودیان در جنگ جهانی دوم /۲۲

واکنش مکمل های داروئی

و غذائی در رژیم غذائی سالمندان /۲۴

درمان با استفاده از سلول های بنیادی /۲۵

اوضاع آشفته و دگرگون خاورمیانه /۲۸

سیر تاریخی شکوفایی آثار فارسیهود

رشد و تکامل ادبیات فارسی /۳۲

اسرائیل - فلسطین

مدیریت بحران یا ادامه روند صلح /۳۶

کتاب تاریخ یهود /۴۰

چگونه پرونده آیشمن، یکی از

جنایتکاران قرن بیستم بسته شد /۴۳

1317 N. Crescent Height blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Tel: (323) 654-4700  
Fax: (323) 654-1791

### شماره تابستان و پائیز

۱۳۸۹ خورشیدی

۲۰۱۰ میلادی

۵۷۷۱ عبری

### سردبیر: مژگان مقدم رهبر

شوفار ارگان فدراسیون یهودیان ایرانی با هدف ایجاد ارتباط مستقیم بین فدراسیون و افراد جامعه و اعتلای فرهنگ یهودیان ایرانی و ایجاد هماهنگی بین سازمانها، گروه ها و نسلهای گوناگون فعالیت خود را ادامه میدهد.

شوفار در انتخاب مطالب، ویرایش متون و حفظ مصالح جامعه آزاد است.

آثار و مقالات مندرج در شوفار بیانگر نظرات نویسندگان آن مقالات بوده و بازتاب عقاید و آراء گردانندگان آن نمی باشد. مسئولیت مندرجات آگهی ها به عهده شوفار نیست. شوفار از کلیه نویسندگان، مترجمان و اهل قلم برای بخش های مختلف، دعوت به همکاری می کند.

نقل مقالات و مطالب نشریه

با ذکر مأخذ آزاد می باشد.

طرح روی جلد:

”دوازده قوم اسرائیل“

کاردستی با شیشه های رنگی

(مقاله در صفحه ۱۳ بخش انگلیسی)

حروفچینی، طراحی صفحات و جلد، آگهی ها

شیلا شکوری ۰۷۷۰-۶۰۱-۳۱۰)

یأس و خود گم کردن نه تنها از دوران سخت زندگی آن تجربه ای را که باید نمی آموزیم بلکه از لحظات شیرین زندگی نیز آن لذتی را که باید نمی بریم.

انسانی که واقف به این "آزادی انتخاب" است نه تنها به عنوان زندانی در وحشتناک ترین اردوگاه جنگی، بلکه هنگام گذرترین نامرادی روزمره نیز می تواند زیبایی زندگی و آزادی روانی را انتخاب کند.

تعداد بسیاری از ما حتی سعی می کنیم که با پنهان کردن و نادیده گرفتن سخت ترین وقایع زندگیمان به جای پذیرش و برخورد با آن رویش سرپوش بگذاریم. غافل از اینکه با این رفتار لزوماً زشتی ها و ناگواری ها را از چشم مردم مخفی نمی کنیم، بلکه خود را گول می زنیم و متأسفانه درسی را که می توانستیم از آن دوران سخت بیاموزیم، تا در آینده راهنمای ما باشد، یاد نمی گیریم و تنها احساس خستگی و ناامیدی آن سختی ها را سراسر عمر با خود حمل می کنیم.

در سال ۱۹۹۲، در یکی از آخرین مصاحبه های خود قبل از مرگش در سال ۱۹۹۷، "دکتر فرانکل" در مورد موفقیت کتاب "انسان در جستجوی معنا" می گوید: "من این کتاب را به عنوان پاسخی به درد و رنج خود و افرادی که در موقعیتی بسیار دردناک حقیقتاً اسیر و زندانی بودند نوشتم. اما موفقیت و فروش بالای آن در طی دوران نشانگر بیچارگی و خلأ روانی موجود در دنیای امروز است. به این دلیل است که صدها هزار نفر به دنبال مطالعه کتابی می روند که عنوان آن معنای زندگی را زیر سوال قرار می دهد. نتیجتاً این سؤالی است که ذهن همه ما را به خود مشغول می کند."

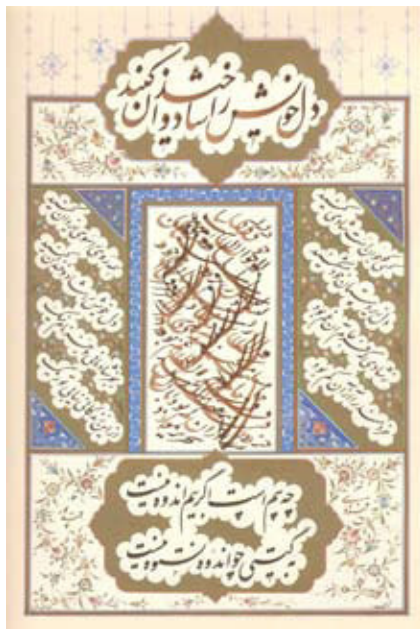
شاید هیچ یک از ما طی دوران زندگی خود معنی واقعی زندگی در این عالم خاکی را نفهمیم، حتی اگر تا آخرین نفس در حال جستجو باشیم، اما تنها یک چیز واضح است و آن "انتخاب" ما است در روشی که برای زندگی در پیش می گیریم. چقدر خوب است که هرگز از یاد نبریم که "آزادی انتخاب" این روش همیشه با ما است. تنها آزادی که هیچ کس قدرت سلب آن را از ما ندارد.

## پیشگفتار

# آزادی در انتخاب

از: مژگان مقدم رهبر (سر دبیر)

آن دسته ای که به عنوان کارگر و برده از آنها بهره گیری می شد، حتی اگر از نظر جسمی و قدرت بدنی قادر به تحمل مشقات روزمره بودند، وقتی از نظر روانی خود را می باختند در مدت کوتاهی از بین می رفتند. آن عده ای که فراموش می کنند در زندگی، هرچقدر هم موقعیت سهمناک و دردآور باشد، همیشه "آزادی انتخاب" در روش برخورد با اتفاقات روزمره با خود ما



است، خیلی زود تسلیم یأس و ناامیدی می شوند و آنچه را که باید در طول عمر خود بیاموزند هنوز فرانگرفته از بین می روند. بدون شک روزهای خوب و بد در زندگی هر انسانی به نحوی وجود دارد و این کاملاً انتخاب ماست که آیا می خواهیم این تجربیات را، چه تلخ و چه شیرین، متعلق به خود بدانیم و از آن بهره بگیریم؟ و یا با ابراز عصبانیت،

"دکتر ویکتور فرانکل"، روانپزشک یهودی اتریشی که بیش از سه سال از عمر خود را در اردوگاه های نازی ها در جنگ جهانی دوم گذراند و همسر و والدین خود را در کوره های آدم سوزی از دست داد، در گوشه ای از کتابش به نام "انسان در جستجوی معنا" در مورد این تجربه تلخ، ناگوار و دردناک زندگی چنین می نویسد:

"آن دسته از ما که در اردوگاه های نازی ها زندانی بوده ایم، اشخاصی را به یاد داریم که برای تسلی دادن دیگر زندانیان و حتی بخشیدن آخرین تکه نان خود به یک زندانی گرسنه دیگر از کلبه ای به کلبه دیگری رفتند. تعداد این اشخاص بسیار کم بود اما وجودشان ثابت می کند که همه چیز را می توان از یک انسان گرفت به غیر از آخرین "آزادی" متعلق به او - آزادی در انتخاب نوع برخورد و نگرش شخص به مجموعه ای از موقعیت هایی که زندگی در راهش قرار می دهد. انتخاب راه و روش برخورد با مسائل همیشه با خود ما است."

در این کتاب، که هنوز پس از پنجاه سال یکی از پرفروش ترین کتاب ها در سراسر دنیا است، "فرانکل" سعی می کند که اخلاق، روان، روحیه و عکس العمل های متفاوت زندانیان را در طی دوران اسارت و ناامیدی بررسی کند و تا حد امکان دلیلی برای زنده ماندن و یا از بین رفتن افراد در چنین شرایط دردناکی به دست آورد. مشاهدات او نشان می دهد که جدا از آن دسته زندانیانی که بنا به باورهای شخصی هر کس یا برحسب تقدیر و سرنوشت و یا اتفاق و تصادف، مستقیم به اتاق های گاز و کوره های آدم سوزی روانه می شدند،





## پیام رئیس هیأت اجرائی خانم شهلا زرگریان جاودان

بعدی ما، فرزندان ایرانی آمریکائی، یکی پس از دیگری از ممتازترین دانشگاه های مملکت فارغ التحصیل شده و باعث افتخار و سربلندی جامعه ما هستند.

آمار مختلف کشوری، مهاجرین ایرانی را در رأس مهاجرینی نشان داده است که بالاترین تحصیلات عالی و موفق ترین موقعیت های اجتماعی را کسب کرده اند.

اما متأسفانه همانطور که موفقیت های جامعه ما بی شمار شده اند، به همان اندازه هم مشکلات، رنج های اجتماعی و مسائل جدید بی شماری در مقابل جوانان ما قرار داده شده است.

به همین دلیل اکنون فدراسیون یهودیان ایرانی خدمات خود را توسعه داده و هیأت اجرائی برای شناختن و بررسی این مسائل اجتماعی بیش از ۵۰۰۰ پرسشنامه بین افراد جامعه بخصوص نسل جوان پخش کرده و پاسخ هائی که تاکنون رسیده نمایانگر نگرانی های شدیدی در جامعه ما بخصوص در جوانان ما است. با توجه به اینکه جوانان ما نه تنها فردای ما و آینده دنیای ما هستند، بلکه زندگی امروز ما نیز وابسته به شادکامی آنها است، بعد از بررسی دقیق نتایج رسیده، برنامه های مفصل و جدیدی با همکاری کارشناسان با تجربه در این رشته ها طرح ریزی و به مرحله اجرا درآمدند. مانند برگزاری چندین سمینار موفق و رایگان در رابطه با فشارهای جامعه روی نسل جوان برای رسیدن به موقعیت های غیرقابل انجام از نظر دانشی و مالی، درگیری با اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و مشکلات ناشی از آن در جامعه کوچک ما، آشنائی والدین با

نمایشگر این رسم بودند. این غرور ملی و هم نوع پرستی ای که زائیده فرهنگ ما بوده، سرچشمه قدرتی بی انتها است.

در سال ۱۹۸۱ این سازمان های غیر انتفاعی با جمع شدن زیر چتر فدراسیون یهودیان ایرانی، همبستگی و یگانگی ملت ما را به اثبات رساندند. با این اتحاد، طنین رسای پیام یگانگی یهودیان ایرانی آمریکائی در جهان پیچید و این قدرت یگانگی ما به دنیا پیغام رساند که "دیگر هرگز" یهودی ایرانی یک یهودی سرگردان نخواهد بود و دیگر هرگز نامرئی بودن را نخواهد پذیرفت. هدف فدراسیون یهودیان ایرانی حمایت از حق و حقوق یکایک ایرانیان بخصوص یهودیان ایرانی در سراسر دنیا بوده و خواهد بود.

از جمله خدمات متفاوت فدراسیون به جامعه می توان فعالیت های زیر را نام برد:

- کمک به مهاجرین برای دریافت اجازه اقامت
- بنیاد یک صندوق اضطراری برای رساندن کمک فوری به نیازمندان
- فعالیت های کشوری برای کمک به هم وطنان
- ایجاد کمیته حل اختلافات
- انتشار ارگان رسمی فدراسیون به نام مجله شوفار
- ایجاد یک صدای پر قدرت و یگانه و واحد امروزه، با حمایت پروردگار، ۳۱ سال پس از آن انقلاب و کوچ اجباری بسیاری از ملت ما، در بدری ها، سرگردانی ها، بی خانمانی ها، در پشت مرزهای کشورهای غریبه چشم به انتظار رسیدن ویزا ماندن، رنج بیگانگی و بالاخره بی زبانی و در بدری اجتماع ما خاتمه یافته است. امروزه نسل

ما چه قوم استثنائی، با چه هویت یگانه ای هستیم!

ایرانی یهودی آمریکائی! ملتی که موجودیتش از سه ملیت پرارزش ولی "در سیاست متضاد" ساخته شده است. ولی عشق این هرسه وطن در رگ های ما چنان به شدت روان است که در این موقعیت سیاسی متضاد امروزه، این سه بیگانه سیاسی را در قلب، در رفتار و کردار، و در تار و پود وجود خود یگانه کرده ایم!

ما از بیگانگی ها یگانگی ها آفریده ایم! و این رمز بقاء قوم ما بوده است: پاسداری از فرهنگ غنی خود همزمان با توانائی هماهنگی با محیط زیست خود.

پس از انقلاب ۱۹۷۹ در ایران و کوچ اجباری تعداد کثیری از قوم ما به سراسر دنیا، جامعه یهودی ایرانی در آمریکا در تلاطم و تشویش و نگرانی بی پایان درباره آینده نامعلوم خود به سر می برد.

قوم ما، حیران و متعجب از اینکه نه اشکی برای بی خانمانگیش ریخته شد، نه لایحه ای در دنیا برای طرفداری از او و خانواده اش از مجلس گذشت، و نه تصویب نامه ای در سازمان ملل متحد برای حفاظت حقوق بشریش امضاء شد، پس به راه ها و رسوم فرهنگی خود پناه آورد، "من را فراموش کن و به ما بیاندیش." "همسایه ات را همچون خود دوست مدار" و "اگر من برای خود نیستم چه کسی برای من خواهد بود و اگر فقط تنها به فکر خود هستم چه هستم؟"

بنابراین باور، سازمان های غیرانتفاعی یهودی ایرانی برای کمک به هم نوع خود در گوشه و کنار تشکیل شدند که گویا و

قوانین جدید و پیچیده آموزش و پرورش برای راه یافتن نسل جوان به کالج ها، دانشگاه ها و مدارس برای دریافت درجات عالی علمی و غیره و هریک از این سمینارها و نشست های مختلف با شرکت متخصصین برجسته و کاردان در آن رشته بخصوص برگزار شده است و ورود برای همگان آزاد و رایگان بوده است.

برنامه بسیار مهم دیگر آشنایی جوانان با تاریخ مدرن سرزمین اسرائیل و شناختن مسائل کنونی آن است. طی نشست ها و سمینارهای مختلف سعی کرده ایم که واقعیت تاریخی و سیاسی را به آنها بیاموزیم تا با داشتن دانش صحیح بتوانند تعصبات موجود در جوامع مختلف را از بین ببرند.

یهودی موفق آن کسی است که فرهنگ و انسانیت یهودی را به کودکان و نوه های خود بیاموزد.

هدف فدراسیون از برقرار کردن این سمینارهای آموزشی دنبال کردن معنای واقعی یهودیت در ارتقاء نفس است. ارتقاء نفس به وسیله پرورش دادن روان در راه بهتر ساختن انسان در هر روز زندگی. متأسفانه

اخیراً شکایت از رسوم، آداب و عادات و برگزاری بعضی از مجالس در جامعه ما موضوع روز بعضی از نشریات آمریکائی شده است. مقالاتی درباره جشن های فوق العاده باشکوه و رویایی و یا عادت "لاشون هارا" در جامعه ما، و حتی مشکلات و مسائل مالی که برای تعدادی از افراد جامعه ما پیش آمده در نشریات متفاوت به چاپ رسیده است که باعث ناراحتی بسیاری از افراد شده است.

تمامی این مسائل ترمیم پذیر هستند اگر ما با حسن نیت راستین اشکالات حقیقی خود را باور کنیم و مسئولیت رفع کردن و درست کردن این مشکلات را یکبارگی ما شخصاً به عهده گرفته و با آن به مقابله بپردازیم. ولی همانطور که این مشکلات حقیقی درباره زندگی در جامعه کنونی هستند لطفاً فراموش نکنیم که افتخار ما به ملیت و رسم و رسوم صحیح و غنی ما نیز حقیقی و به جا است، ایرانیان یهودی اصیل در سراسر دنیا سمبل و نشانه بالاترین صفات انسانی هستند. احترام همیشگی به پدر و مادر، به پای اولیاء پیر خود نشستن و عصای دست دوران نیاز آن ها بودن، عشق و تعهد بی پایان و ابدی به

فرزندان، فداکاری بدون شرط و شروط برای دوستان، عشق و احترام برای پایداری اصول یهودیت، تعهد به کمک به همنوع، همبستگی و یگانگی در مواقع احتیاج هر فردی از جامعه، تمام این ارزش های انسانی در خون ملت ما روان است و این بالاترین گنجینه ای است که قوم ما به فرزندانش، به نوادگانش و به تمامی دنیا ارائه داده و خواهد داد.

در خاتمه از یکایک اعضای هیات اجرائی، هیات مدیره و کمیته های مختلف صمیمانه سپاسگزارم. خدمات بی شائبه روزمره آن ها باعث افتخار شخصی من، فدراسیون یهودیان ایرانی و جامعه است.

از جناب دکتر کامران بروخیم رئیس هیات مدیره و جناب منوچهر نظریان رئیس قبلی فدراسیون برای کمک های همیشگی آن ها بی نهایت متشکرم. و یک تشکر بخصوص از طرف خودم و هیات اجرائی به مهندس عالیقدر، جناب عبدی خرمیان دارم که در ۵ سال اخیر با جدیت فوق العاده و فعالیت های خستگی ناپذیر پروژه پارکینگ ساختمان مرکز فدراسیون را طرح و دنبال کرده اند. با آرزوی موفقیت و شادمانی برای تمام افراد جامعه.

## Complete Eye Exam For All Ages LASIK / PRK Consultation And Surgery

Repair Of Retinal Tear, Treatment Of  
Diabetic Retinopathy And Glaucoma With Laser

Cataract And Glaucoma Surgery  
With The Newest Techniques  
Eyelid Surgery And Botox Injections

FREE CONSULTATION FOR LASIK SURGERY



**JOSEPH KERENDIAN, M.D.**  
American Board of Ophthalmology (ABO)  
Graduate of USC school of medicine

NORTHRIDGE (818) 832-5551  
BEVERLY HILLS (310) 360-0152

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود

## مراقب بینایی خود باشید

# دکتر ژوزف کرنیدیان جراح و متخصص چشم

معاینات کامل چشم در تمام سنین

رحایی از مینک و کانتکت لنز با لیزر (LASIK / PRK)

پارکهای شبکیه و احتمالات چشم در بیماری قند و آب سیاه توسط لیزر

جراحی آب سیاه و آب مروارید با متدهای جدید

جراحی زیبایی پلک و BOTOX



**The Women Division,**  
The Iranian American Jewish Federation  
Proudly presents a Gala Dinner Honoring  
**Dr. Solomon Aghai    Dr. Amanollah Refooah**  
For their lifelong commitment to serving our community

Mistresses of Ceremony  
Mrs. Zohreh Lalezari & Mrs. Pari Abasalti Mirhashem

*Musical Entertainment*  
Allen G. & Orchestra

Special Guests  
Faribourz Davoodian & Peter the Persian  
***Sunday December 19, 2010 at 5 pm***  
*Kosher Dinner will be served promptly at 7 pm.*

***Neman Hall at Iranian American Jewish Center***  
*1317 N. Crescent Heights Blvd., West Hollywood, CA 90046*  
*Table of 12 for \$1200 or \$125 per person*

گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی  
مفتخر است که در شب نشینی با شکوهی از خدمات طولانی و ارزنده  
آقای دکتر سلیمان آقایی و آقای دکتر امان اله رفوآه

به جامعه یهودیان ایرانی قدردانی بنماید.

یکشنبه ۱۹ دسامبر ۲۰۱۰ ساعت ۵ بعد از ظهر

پذیرائی کاشمر، تالار نمان در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی ۱۳۱۷ کر سنت ایتر شمالی در شهر وست هالیوود

برای رزرو جای خود و درج پیام های تبریک و قدردانی از این دو عزیز یا معرفی مشاغل در کتاب یادبود که از معافیت مالیاتی

برخوردارند لطفاً با تلفن

۳۲۳ ۶۵۴ ۴۷۰۰ تماس بگیرید.

*The Women Division,*  
*Iranian American Jewish Federation*

گلدبرگ، رئیس قسمت نام نویسی دانشگاه یو-اس-سی، خانم جسیکا مدینا، رئیس دفتر کمک های مالی دانشگاه یو-اس-سی، و خانم دالیامقوم، مشاور در امور دانشگاهی، آقای دکتر هلاکوئی، روانشناس و برنامه ساز محبوب رادیو و تلویزیون، طی سخنانی در این برنامه در مورد استقلال جوانان و نوع برخورد با آنها در خانواده و اهمیت برقراری تماس صحیح با جوانانی که در منزل زندگی می کنند صحبت کردند. ساعت آخر سمینار به سوال و جواب شرکت کنندگان از گروه متخصصین اختصاص داده شد. به خاطر استقبال بسیار از این سمینار کمیته بانوان درصدد است که برنامه های دیگری از این قبیل در ماه های آینده برگزار کند.

### کلاسهای خودشناسی برای تمام جامعه

در چند ماه اخیر دو کلاس توسط دو متخصص برای بهبود روابط بین فرزندان و والدین و بهتر زیستن در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی تشکیل شد که با استقبال فراوان شرکت کنندگان روبرو بود. کلاس "چگونگی برخورد والدین و فرزندان تین ایجر" توسط خانم هما حلیمی نصیرزاده، مشاور خانواده، به طور هفتگی در ماه اکتبر ۲۰۱۰ برگزار شد. کلاس "کنترل سرنوشت خود را به دست بگیریم" توسط خانم دکتر فلورا زمردی، روانشناس به صورت کارگاه در تاریخ ۱۳ اکتبر ۲۰۱۰ از ساعت ۷ تا ۹ شب برگزار شد. برای گرفتن اطلاعات بیشتر در مورد این کلاس ها و برنامه های آینده فدراسیون می توانید با دفتر فدراسیون یهودیان ایرانی تماس بگیرید.

### شام و سرویس شب شبات

جمعه ۲۹ اکتبر سال ۲۰۱۰ دومین گردهمایی شام و مراسم شبات که توسط کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی برنامه ریزی شده بود در کنیسیای "بت ال" همراه با رهبری ربای "آیرا روزنفلد" و صدای زیبایی خزان محبوب "طناز بهره مند فروزانپور" برگزار شد. یکی از

## اخبار فدراسیون یهودیان ایرانی

گردآورنده: ژانتی برخوردار فرشادفر

اهمیت داشتن معلومات کافی و صحیح در این مورد بخصوص برای نسل جوان صحبت کردند. این برنامه با استقبال بسیاری از طرف شرکت کنندگان روبرو شد.

### سمینار "ورود به دانشگاه ها"

روز یکشنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ به همت و با برنامه ریزی کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی سمیناری درباره شرایط اسم نویسی و ورود به دانشگاه ها و کالج های مختلف برای دانشجویان و خانواده های آنها ترتیب داده شد. در این برنامه متخصصین متعدد در مورد راه های مختلف برای نام نویسی و گرفتن کمک های مالی برای تحصیلات عالی به شرکت کنندگان را راهنمایی کردند. متخصصین در این زمینه عبارت بودند از: خانم مورین

### سمینار "اسرائیل دیروز و امروز"

کمیته بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی با همراهی گروه غیرانتفاعی و بسیار معتبر "کامرا" و پشتیبانی گروه "30 Years After"، "جوانان بنیاد مگیت"، "هیلل یو-سی-ال-ای" و گروه "Stand With Us" در روز ۶ می ۲۰۱۰ سمینار "اسرائیل دیروز و امروز" را در مورد تاریخ و آینده کشور اسرائیل برگزار کردند. سخنرانان این برنامه آقای "دیوید سوئیس"، ژورنالیست، خانم "تالیا شولمن گلد"، هماهنگ کننده گروه "کامرا" در منطقه لس آنجلس، دکتر "دریل تمکین"، رئیس و بنیانگذار انستیتو پیشرفت انرژی در اسرائیل، و پروفیسور "هنری گرین"، استاد دروس مذهبی در دانشگاه میامی، هرکدام در مورد تاریخ کشور اسرائیل و قوم یهود و





میپل، و اداره پلیس لس آنجلس نیز در غرفه های متفاوت به سوالات شرکت کنندگان پاسخ داده و در مورد فعالیت های خود اطلاعاتی در دسترس مدعوین قرار دادند. این سمینار مانند کلیه برنامه های کمیته سلامتی و تندرستی رایگان و ورود برای عموم آزاد بود.

### مراسم روش هشانا و یوم کیپور

کنیسیای "بت ال" واقع در مرکز فدراسیون یهودیان ایرانی مانند هر سال مراسم روش هشانا و یوم کیپور را با نظم بسیار در محیطی بسیار روحانی برگزار کرد. جدا از برنامه ها و مراسم مذهبی که با همکاری ربانوت و خزان این کنیسا به صورت بسیار دلنشین برگزار شد، دو سخنرانی بسیار جالب برای روز کیپور نیز برنامه ریزی شده بود که با استقبال فراوان شرکت کنندگان روبرو شد.

برنامه اول بحث و گفتگویی بود درباره معنی یهودی، ایرانی و آمریکائی بودن در جامعه امروز ما که توسط خانم جینا نهائی، نویسنده برجسته؛ خانم یاسمین اوپرمن، وکیل دادگستری و عضو هیات مدیره گروه 30 Years After؛ و آقای سام یبری، وکیل دادگستری و رئیس هیات مدیره گروه 30 Years After اجرا شد. سخنران برنامه دوم خانم شرلی خداداد، روانشناس، درباره حضور داشتن و معنویت در جامعه صحبت کردند.

همسران آنها و چگونگی برخورد با مسائل گوناگون در این روابط صحبت کردند.

### درک اعتیاد

روز دوشنبه ۴ اکتبر ۲۰۱۰ بیش از ۲۰۰ نفر برای شرکت در سمینار "درک اعتیاد" که توسط کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون یهودیان ایرانی، برگزار شد در مرکز فدراسیون گردهم آمدند. این سمینار به منظور آشنائی افراد بخصوص والدین و فرزندان نوجوان آنها با خطرات اعتیاد و چگونگی پیشگیری از آن و رفتار صحیح با فرد معتاد، با شرکت سخنرانان متخصص برگزار شد. متخصصینی که در این برنامه صحبت کردند، عبارت بودند از: دکتر فرهنگ هلاکوئی، روانشناس؛ گروهیان "فارل" عضو اداره پلیس شهر لس آنجلس، آقای دارا آبائی، عضو فعال جامعه در رابطه با انواع مشکلاتی که خانواده ها و جوانان یهودی در سطح جامعه با آن روبرو هستند؛ دکتر پریسا لوی الدین، روانشناس، و دکتر ایرج شمسین، روانشناس. این سمینار با پشتیبانی مالی "Vantage Point Recovery in West Lake, California" موسسه ای که در ترک اعتیاد و نگهداری از افراد معتاد طی دوران نقاهت آنها تخصص دارد برگزار شد. موسسات دیگری از جمله: بت تشووا، خانه معالجه معتادان و ترک اعتیاد مالیبو، خانه ترک اعتیاد لیک هاوس، مرکز مشاورین

اهداف این گردهم آئی، بزرگداشت آئین حقوق بشر نوشته پادشاه ایرانی "گوروش کبیر" بود که امروز به عنوان سمبلی از استقلال و آزادی فردی در سراسر جهان مورد احترام است. خانم شهلا جاودان، رئیس هیات اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی، در مورد این نوشته تاریخی و اهمیت آن در جامعه جهانی امروز صحبت کردند و در مورد اهمیت تحمل و بردباری و رعایت حقوق افراد در این دوره ناگواری های اقتصادی و سیاسی تاکید نمودند. این گردهم آئی با شرکت بیش از ۳۰۰ نفر از مدعوین در تالاری باشکوه و دکورهای که یادآور دوران پادشاهی "گوروش کبیر" بود برگزار شد و آقای مارک عاملی، نامزد انتخابات برای دادگاه عالی ایالت کالیفرنیا، مهمان عالیقدر این مراسم بودند.

این گردهم آئی با هنرنمایی و موزیک آرش و صدای دلنشین محمود قربانی و آهنگ های دی-جی محبوب شاهرخ سپیر، و تعلیم رقص های گروهی اسرائیلی توسط خانم اورلی ستاره تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت.

### سمینار "احترام متقابل"

یکشنبه ۱۸ آپریل ۲۰۱۰ کمیته سلامتی و تندرستی فدراسیون یهودیان ایرانی به رهبری خانم ها شبمن کیمیا و الهه بروخیم میزبان بیش از ۳۰۰ نفر شرکت کننده برای سمینار "احترام متقابل" بود. این سمینار ساعت ۲ بعد از ظهر با پذیرائی چای و شیرینی و نمایشگاه نقاشی هنرمند ارزنده خانم رویا فاخری شروع شده و با جلسه سخنرانی و سوال و جواب تا ۶ بعد از ظهر ادامه داشت.

برای اینکه کلیه شرکت کنندگان بتوانند از اطلاعات سخنرانان متخصص استفاده کنند این سمینار به هر دو زبان انگلیسی و فارسی ارائه شد که با استقبال مدعوین روبرو بود. سخنرانان این برنامه عبارت بودند از: دکتر فرهنگ هلاکوئی، روانشناس؛ دکتر پریسا لوی الدین، روانشناس؛ دکتر مینو شیلاتی، روانشناس؛ و خانم مستانه مقدم، مددکار اجتماعی. سخنگویان درباره روابط والدین با فرزندان بزرگسال خود و



عنوان رئیس هیات مدیره، بر توسعه کانون خیرخواه، یکی از مجهزترین تاسیسات درمانی ایران، نظارت مستقیم داشتند.

پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ دکتر آقائی به خاطر اهمیت فعالیت های صهیونیستی و بانکی خود در گذشته مورد آزار و اذیت مذهبیبون قرار گرفتند. ایشان به ناچار با خانواده خود از ایران گریخته و به لس آنجلس مهاجرت نمودند. که مجدداً فعالیت های بانکی خود را در مقام معاون اجرایی بانک ریپابلیک نشنال از سر گرفته و سپس به مدیریت ارشد بانک امریکن اکسپرس نائل شدند. ایشان در سال ۱۹۹۸ از مشاغل بانکی کناره گرفتند.

دکتر آقائی در آمریکا، با شرکت فعال خود در کنار آقای دکتر حشمت الله کرمانشاهی، به خدمات خود به جامعه یهودی ایرانی ادامه داده و فدراسیون یهودیان ایرانی را تاسیس نمودند، که خود ایشان ۱۵ سال ریاست فدراسیون و مدیریت مجله شوفا را به عهده داشتند. ایشان نیروی محرکه تاسیس دو کنیسه ای بنی امونا و بنی اُر بودند.

دکتر آقائی به خاطر خدماتشان به ایرانیان و همه جامعه یهودی، بدریافت تقدیرنامه های متعدد نائل شده اند.

به عنوان بهترین نمونه "همه یهودیان مسئول یکدیگرند"، دکتر آقائی از طرف نمایندگان منتخب یهودیان در اسرائیل و گالوت از جمله نخست وزیر منخم بگین، ریاست جمهور شیمون پرز، ربای عوبدیا یوسف، شهردار تدی کولک و بسیاری دیگر به دریافت لوحه افتخاری نائل گردیده است که در کتاب طلائی اتحاد یهودیان به نام ایشان به ثبت رسیده است.

دکتر آقائی و همسر مهربانشان مهری خانم در بورلی هیلز زندگی می کنند و چهار فرزند موفق به نام های مژگان، سیما، رویا و رومینا دارند که همگی به وکالت اشتغال دارند. دکتر امان الله رفوآه در سال ۱۳۰۲ در بندر پهلوی متولد شدند. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه فردوسی به پایان رساندند و پس از انتقال خانواده به تهران در مدرسه فارابی به تحصیل خود ادامه دادند. در سال ۱۳۱۵ وارد کالج آمریکائی تهران شدند و در کلاس هفتم

## قدردانی از دو شخصیت عالیقدر

دکتر سلیمان آقایی، رئیس پیشین فدراسیون یهودیان ایرانی و دکتر امان الله رفوآه، پزشک دانشمند

تنظیم از: ویولت ساسونی



دکتر سلیمان آقائی



دکتر امان الله رفوآه

کنترل ارز ایران نائل شدند. در سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ دکتر آقائی به عضویت هیات نمایندگان ایران منصوب شدند تا در کمیسیون توسعه اقتصادی آسیای جنوب شرقی سازمان ملل متحد در تایلند و مالزی شرکت بنمایند.

ایشان سپس به مقام ریاست بانک اصناف و بانک ایرانشهر رسیدند که بانک ایرانشهر را به صورت یکی از موفق ترین موسسات مالی با بیش از ۴۷۰ شعبه در سراسر کشور در آوردند.

دکتر آقائی یکی از رهبران جامعه یهودی در ایران، خدمات اجتماعی خود را به عنوان عضو صندوق ملی در مقام معاون ریاست شروع کردند و پس از آن با عضویت در کمیته مرکزی یهودیان در مقام خزانه دار به فعالیت پرداختند که در نتیجه زحمات خستگی ناپذیرشان موفق به خرید خانه ای برای فعالیت های جوانان شدند. ایشان به

یک بار دیگر افتخار قدردانی از خدمات و فعالیت های سازنده و مثبت دو شخصیت برجسته، فرهیخته و خدمتگزار جامعه مان، نصیب گروه بانوان فدراسیون یهودیان ایرانی شده است. آقایان دکتر سلیمان آقائی و دکتر امان الله رفوآه براسستی شایستگی این را دارند که زحماتشان را ارج بنهیم.

مراسم باشکوه بزرگداشت این دو عزیز، روز یکشنبه ۱۹ دسامبر ساعت ۵ بعدازظهر در سالن نعمان فدراسیون یهودیان ایرانی در خیابان کرسنت هایتز شمالی برگزار خواهد شد.

دکتر سلیمان آقائی، متولد همدان، پس از اینکه با خانواده به تهران آمدند، تحصیلات خورا تکمیل نموده و موفق به دریافت دکترای اقتصاد گردیدند.

ایشان فعالیت های بانکی خود را از بانک ملی ایران شروع نموده و سپس در بانک مرکزی ایران به مقام همکاری با وزارت

با بالاترین معدل در سطح مدرسه شاگرد اول شدند. به توصیه مدیران کالج کلاس هشتم را در تابستان مرور نموده و سال بعد به کلاس نهم ارتقاء یافتند. چون امان الله رفوآه همه کلاس ها را با رتبه اول به پایان می رساندند، قرار بود با بورس تحصیلی از دولت آمریکا برای ادامه تحصیل به آمریکا بیایند ولی در سال ششم به امر رضا شاه، موسسات آموزشی آمریکائی تعطیل شدند و با تغییر ریاست کالج مساله بورس تحصیلی ایشان منتفی شد.

ایشان در سال ۱۳۲۰ در کنکور پزشکی دانشگاه تهران قبول شدند و تا سال ۱۳۲۶ دوره پزشکی را با درجه ممتاز به پایان رساندند. سال آخر با وجود کارشکنی های سایر دانشجویان و اساتید به خاطر یهودی بودن ایشان، بالاخره بین ۱۲۰ نفر شاگرد اول شده و موفق به دریافت مدال طلا از دست اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی گردیدند، اما یک بار دیگر و این بار به خاطر فقدان بودجه کافی دولت، فرستادن ایشان به خارج برای گرفتن تخصص به خرج دولت منتفی شد.

دکتر رفوآه در سال ۱۳۳۱ با خانم پروین گلشن ازدواج نمودند که ثمره این ازدواج دو فرزند موفق ایشان، دکتر ژانت و دکتر مسعود هستند که هر دو دندانپزشک می باشند. دکتر رفوآه پس از چند سال طبابت، بالاخره با بورس سازمان بهداشت جهانی به لندن رفته و در رشته های داخلی و غدد مترشحه داخلی تخصص گرفتند و در بازگشت به ایران به استادی دانشکده پزشکی برگزیده شدند.

ایشان تا زمان انقلاب ایران با خوشنامی و موفقیت و شهرت به تشخیص سریع و صحیح به طبابت ادامه دادند.

پس از انقلاب با فرار از راه ترکیه خود را به سوئیس و سپس لس آنجلس رساندند. در سن شصت سالگی موفق به گذراندن امتحانات مشکل پزشکی کالیفرنیا شدند و پس از یک سال کارآموزی در Harbor UCLA در سال ۱۹۸۵ موفق به دریافت جواز طبابت کالیفرنیا شدند و از آن پس به مداوای بیماران در مطب شخصی خود مشغول هستند.

## رقص پائیز

از: ک. مه پور

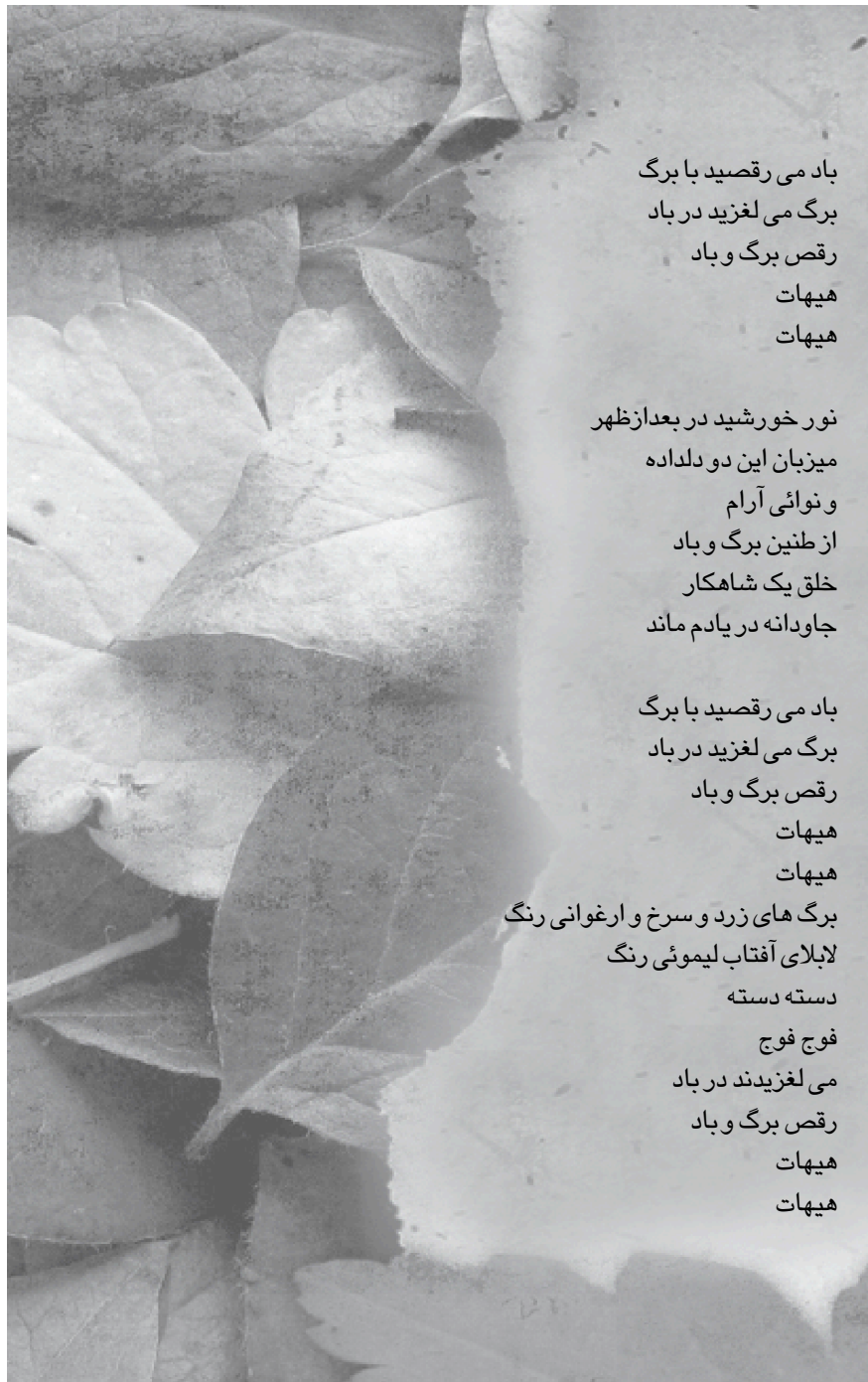
باد می رقصید با برگ  
برگ می لغزید در باد  
رقص برگ و باد  
هیئات  
هیئات

نور خورشید در بعدازظهر  
میزبان این دو دل داده  
و نوائی آرام  
از طنین برگ و باد  
خلق یک شاهکار  
جاودانه در یادم ماند

باد می رقصید با برگ  
برگ می لغزید در باد  
رقص برگ و باد  
هیئات  
هیئات

برگ های زرد و سرخ و ارغوانی رنگ  
لابلای آفتاب لیموئی رنگ  
دسته دسته

فوج فوج  
می لغزیدند در باد  
رقص برگ و باد  
هیئات  
هیئات





## نگاهی به خدمتگزاران جامعه یهودی ایران

اسحق فرهمند پور، اولین نماینده منتخب

جامعه یهودی در مجلس نمایندگان جمهوری اسلامی

از دکتر ناهید پیرنظر

بطور اعم اثرگذار بوده اند. در آینده نامهای شکرالله و اسحق فرهمندپور بی شک در این لیست قرار خواهد داشت. شادروان اسحق فرهمندپور در تاریخ ۲۰ آوریل ۲۰۱۰ در شهر شیکاگو بعد از یک عمل جراحی، بناگاه چشم از جهان فروبست. روانش شاد

متمادی در کنار مشاغل فرهنگی خود در این سمت نیز مشغول به تدریس بود.

در آغاز رژیم جمهوری اسلامی، اسحق فرهمندپور بریاست مدرسه کورش منصوب شده تا پاییز سال ۱۹۷۹، بعلت شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، در این مقام خدمت میکرد. در آنسال از طرف جامعه یهودی ایران، بنمایندهای یهودیان در مجلس شورای اسلامی منتخب و به آنجا فرستاده شد. اما متأسفانه اعتبارنامه ایشان در مجلس، با آوردن ۷۰ رای مخالف، ۳۶ رای موافق و ۸۹ رای ممتنع تصویب نشد و به گفته روزنامه واشنگتن پست، بتاريخ ۱۷ اوت ۱۹۸۰،

تحت عنوان مقاله ای بنام، "Only Jew in Parliament Is Expelled by Iranians"، او که تنها نماینده یهودی در پارلمان بود از مجلس اخراج گردید و ناچار شد که بطور غیر رسمی خاک و وطنش را ترک کند. پس از مهاجرت به آمریکا، با تمام مشکلات مهاجرت با همکاری همسرشان خانم فهیمه دیانی توانستند سه فرزند لایق و شایسته خود را با تحصیلات عالی به اجتماع تحویل دهند.

زنده یاد اسحق فرهمندپور از خانواده ای اهل علم برخاسته بود. همین خصال فرهنگی و قوه بیان قوی را در برادر ارشد ایشان آقای شکرالله فرهمندپور نیز که سالیان متمادی مقام ریاست مدرسه آلیانس کرمانشاه را بر عهده داشت می توان مشاهده نمود.

در آسمان پر فروغ جامعه یهودیان ایرانی، همواره ستارگان بی شماری درخشیده اند که هریک بسهم خود در بالابردن فرهنگ یهودیان ایرانی بطور اخص و فرهنگ ایرانی

در سال گذشته جامعه یهودی ایرانی یکی از خدمتگزاران فرهیخته و فرهنگی خود را در دل خاک سپرد. اصولاً یهودیان ایرانی طی قرن گذشته فرزندان بسیاری را به اجتماع و فرهنگ ایرانی تحویل داده اند که هریک بنوبه خود شایسته تکریم و افتخار یهودیان ایران بوده اند. یکی از این افراد، روانشاد اسحق فرهمندپور، خدمتگزار فرهنگی و اولین نماینده منتخب جامعه یهودی در مجلس نمایندگان جمهوری اسلامی بوده است. زنده یاد اسحق فرهمندپور در سال ۱۹۳۳ میلادی در کرمانشاه چشم بجهان گشود. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در مدارس آلیانس و شاهپور کرمانشاه طی کرده، پس از آن، مدرک لیسانس خود را از دانشگاه تهران در رشته علوم ریاضی اخذ نموده سالیان متمادی در دبیرستانهای کورش پسران و دختران، آموزشگاه اُرت و مدرسه اوتصر هاتورا به تدریس ریاضی مشغول بود. ایشان در آغاز دوران تدریس با همکار فرهنگی خود خانم فهیمه دیانی آشنا شده، ازدواج نمودند. حاصل این ازدواج سه فرزند شایسته به نامهای مهران، کامران و کیوان میباشند. سابقه تدریس ممتد و تالیف کتاب ریاضیات برای دبیرستانهای سراسر کشور، دانش او در علوم ریاضی را بر همگان معلوم و باعث شهرت او در محافل فرهنگی ایران گردید. این شناخت تا به حدی بود که بدون هیچ وابستگی شخصی با دربار شاهنشاهی، برای تدریس خصوصی ریاضیات، به فرزندان و نو جوانان خاندان پهلوی منسوب گردید و تا دوره انقلاب ۱۹۷۹ میلادی، سالیان

### سالن نعمان

در فدراسیون یهودیان ایرانی  
با گنجایش ۴۵۰ نفر  
مکانی استثنائی و باشکوه  
برای برگزاری مراسم و جشنهای شما



برای کسب اطلاعات بیشتر  
با خانم ایرما اسمیت  
با تلفن ۲۱۴۲ - ۶۵۶ (۳۲۳)  
تماس حاصل فرمائید.





A family of services.  
A family that serves.

## Yaran: Iranian Peer Counselors and Advocates

**Love shouldn't hurt you!  
Don't be silent! Call us!**

**عشق نباید به انسان صدمه بزند!  
سکوت نکنید! با ما تماس بگیرید!**

For more information on “**Domestic Violence**”, getting help and finding shelter, you can call the “**Yaran**” Help-Line at **(818) 464-2864**. You can leave us a message in Persian. Confidentiality and anonymity of your message are guaranteed.

### **Has your spouse or partner ever:**

- Beaten or physically abused you?
- Has stopped you from meeting your friends or relatives?
- Forbid you from working outside the house?
- Threatened you, your children or pets?
- Destroyed your personal belongings?
- Scold, accuse or humiliated you?
- Forced you to have sex?

### **Are You:**

- Afraid of your spouse or partner?
- Always concede from fear before him or her?
- Feeling afraid, lonely, and insecure?

***If your answers to these questions are yes, you are a victim of “Domestic Violence”***

Violence injures all members of a family. For the sake of your children and yourself, ask for help today.

Made possible by a grant from California Community Foundation and Jewish Family Service of Los Angeles

برای اطلاعات بیشتر درباره “خشونت های خانوادگی” و دریافت کمک و یا اقامت در پناهگاه های مخصوص می توانید با گروه یاران شماره تلفن ۲۴ ساعته ۲۸۶۴ - ۴۶۴ (۸۱۸) تماس بگیرید

می توانید به زبان فارسی برای ما پیغام بگذارید و مطمئن باشید که پیغام شما محرمانه و خصوصی باقی خواهد ماند.

### **آیا همسر و یا شریک زندگی شما تا به حال:**

- شما را مورد ضرب و شتم و یا آزار جسمی قرار داده؟
  - از ملاقات شما با دوستان و یا افراد خانواده تان جلوگیری کرده؟
  - به شما اجازه کار خارج از خانه نمی دهد؟
  - شما، فرزندان و یا حیوان خانه را تهدید کرده؟
  - اشیای شخصی شما را از بین برده؟
  - با خشونت و تحقیر آمیز با شما رفتار کرده و شما را مقصر شمرده؟
  - با زور شما را وادار به هم آغوشی کرده؟
- آیا شما:**

- از همسر و یا شریک زندگی تان می ترسید؟
- از ترس همیشه از او اطاعت می کنید؟
- احساس تنهایی، ترس و بی پناهی دارید؟

اگر پاسخ شما به این سوالات مثبت است، شما مورد ظلم و خشونت خانوادگی واقع شده اید.

خشونت در خانواده به تمام اعضای خانواده صدمه می زند. به خاطر خود و فرزندان تان از امروز برای دریافت کمک اقدام کنید.

یهودیان چه سهم گرانی در حفظ و حراست فرهنگ اصیل ایران داشته و دارند:

ایران وطن من است، تردید مکن  
انکار فروغ قرص خورشید مکن

خود وارث و پاسدار این خاک منم  
تردید در این باور جاوید مکن

اما، شوربختانه به عللی گوناگون که در حیطه این مطلب کوتاه نیست، در کمتر نوشتار مستند تاریخی پیرامون سهم به سزائی که یهودیان ایران نه تنها در سیر تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و حتی هنری این آب و خاک داشته اند، بلکه در حفظ و اشاعه آن نیز همواره کوشیده اند. سخن گفته شده است. واقعیت اما این است که علیرغم ادواری که یهودیان مورد بی مهری بعضی زمام داران و هم میهنان متعصب خود قرار گرفته و متحمل رنج تبعیض و عذاب تحقیر و تازیانه های ظلم شده اند، معهذاً همواره در طول اعصار دلبستگی خود را به خطه ای که پس از سرزمین اسرائیل قدیمی ترین موطن آنان بوده است، به اثبات رسانیده و به پیروی از دستاوردهای انسانی دین و آئین خود، کماکان به میهن و به هموطنان خود وفادار مانده و عشق ورزیده اند:

همنوع خودت را چو خودت دوست بدار  
فرمان خداست این، نه یک طرفه شعار

ما ملت طاعتیم و جز این نکنیم،  
شالوده دین ما بر عشق است قرار.

اما آنچه مرا بر آن داشت که در این زمان محدود به این مقوله بپردازم، این واقعیت انکار ناپذیر است که در این برهه از تاریخ و نیز به خاطر رخداد انقلابی که موجب مهاجرت اجباری بیشماری از ما و پدران ما شد. نسل ما ناخواسته و به گونه ای "یادگار انقراض نسلی، و نقطه پایان تلخ فصلی" از تاریخ دوهزار و هفتصد ساله یهودیان ایران است. بنابراین برماست که آنچه در توان داریم را به کار بگماریم که بار رسالتی دوگانه را که سرنوشت بر کرده ما نهاده است به سرمنزل مراد برسانیم. اگر سخن از رسالتی دوگانه می گویم، برآستی این وظیفه ماست

## رسالت یهودی ایرانی

از: جهانگیر صداقت فر

مطلب زیر متن سخنرانی مهندس جهانگیر صداقت فر، شاعر محبوب معاصر، در مراسم کیپور سال ۲۰۱۰ در کنیسه‌ی "خانه سالمندان" در لس آنجلس است.

یک چند اسیر خصم قهار شدیم  
قربانی فتنه های بسیار شدیم

در خاک پهناور ایران، حتی به زمانی پیش از تاریخ تأسیس سلسله ی هخامنشی می رسد. بر اساس این باور می توان ادعا کرد که یهودیان قبل از آغاز تاریخ مدون ایران، که مبدأ آن بنیانگذاری حکومت هخامنشی است، در این خطه سکونت گزیده بودند.

از جهتی دیگر، آزادی اسیران یهودی بابل به فرمان کورش بزرگ یکی از مهم ترین وقایع تاریخ پرنشیب و فراز ماست و نیازی به بازگوئی آن نقطه ی عطف سرنوشت ساز نیست. همین بس که به اعتقاد پژوهشگر فقید، زنده نام پروفسور امنون نتصر: "پس از واقعه ی خروج از مصر، پیوند دلها میان یهودیان و ایرانیان، که عقد آن توسط کورش در کنار نهرهای بابل بسته شده، دومین رویداد خاطره انگیز و مهم تاریخ یهود محسوب می شود."<sup>(۱)</sup>

و نیز به روایتی دیگر، یهودیان بابل برای فتح این کشور توسط کورش پادشاه به ارتش او یاری های استراتژیکی داده اند.<sup>(۲)</sup> و هر آن گاه این داستان مقرون به حقیقت باشد، این رخداد را می توان نخستین هم پیوندی و همیاری ایرانیان و قوم یهود به شمار آورد.

به هر روی، مسلماً این قوم به یقین قدیمی ترین اقلیت مذهبی / فرهنگی / جغرافیایی پهندهشت ایران زمین بوده است که در درازنای زمان با فرهنگ و آداب و سنن میهن میزبان خود درآمیخته و به غنای آن فرهنگ والای باستانی افزوده است. به اعتبار همین امتزاج و آشتی دوروش زندگی می توان دریافت که

یک چند به کار خشت وادار شدیم  
زان پس دو هزار ساله در غربت خاک

این خلاصه ی سرنوشت قومی است که در هزاره های تاریخ به رغم آنهمه سختی ها و مصیبت ها، سرسختانه در حراست هویت قومی / مذهبی خویش کوشیده و تا امروز و هنوز استوار و پایرجا مانده است؛ یعنی:

تاریخچه مدون قوم یهود

دیوان حماسه ی فراز است و فرود

افسانه ی رودی است در آغوش زمان  
همواره روان به سوی دریای وجود

اگر کمابیش نزدیک به چهار هزار سال از این تاریخچه - یعنی از آغاز رسالت حضرت ابراهیم به فراخوانی بشر برای شناخت و پرستش خداوندی یگانه- می گذرد، ما یهودیان ایرانی تا دوام ۲۷۰۰ ساله ی این پیشینه را نه تنها شاهد بوده ایم، بلکه ما خود کوله بار رسالت این ماندگاری را بر دوش کشیده ایم. این بدان معنی است که سرزمین ایران بیش از نیمی از این درازنای چهار هزار ساله بالید نگاه قوم یهود بوده است. بی تردید این یک ادعای موثق تاریخی است.

می دانیم که از آن زمان که آشوریان هزاران تن از شهروندان اسرائیل را به شرق امپراطوری خود به اسارت بردند، آنان در اراضی سرزمین هائی که طبق تقسیم بندی های جغرافیایی جدید شامل استان هائی چون کردستان، آذربایجان، و گیلان می شود، سکنی گزیدند. بنابراین به باور برخی ایرانشناسان، قدمت حضور این قوم

که به شکرانه موفقیت های رشک برانگیزمان که بی تردید با پشتوانه ای از تعالیم یهودیت که یقیناً با آموخته های فرهنگ ایران درآمیخته است - کسب کرده ایم، به حراست از این میراث عتیق کمر همت ببندیم و با آگاهی و درایت، مشعل پایداری آداب و سنن ژرفانگر و سرشار از معرفت نیاکان را به نسل آینده بسپاریم.

اکنون، از آنجا که صد البته روی سخنم به نسل جوانان نیز هست، رخصت دهید تا قسمت کوتاهی از سخنانی را که در سال های آغازین ی مهاجرتمان در مراسم برمیتصوای فرزندم قرائت کردم، برای دیگر فرزندانمان بازخوانی کنم:

You are, my son, the first of a new generation in our history. You are the first American grandchild of your grandparents, who like millions of other Jews before them, experienced yet another mandatory exile- or migration if you will- because of their religious beliefs.

Remember! Your grand parents are the inheritors of one of the most ancient Jewish cultures in the history of Diaspora. It is your responsibility above all, to understand, respect, and learn from their very rich culture. You are, my son, uniquely qualified to learn first hand about the history of our ancestors and the strong ties, and cumulative cultural and religious principals that have safeguarded our survival as an "International" nation since time immemorial... cherish all of this treasure my son, and pledge that you too will in turn pass on to your own children, both our Jewish and Persian heritage.

در همین راستا، اما، دریغ است اگر از کوشش های پیگیر و پژوهش های ذقیمت جاودان نام پروفیسور امنون نتصر، که عمری را در جستجوی ریشه های پیشینه ی اجداد ما گذراند یادی نکنیم و دست آوردهای او را ارج ننهیم.

به گفته او یهودیان ایران در جریان "نزدیک به ۲۷ قرن حامل و حافظ فرهنگ اصیل ایران مانده اند؛ فرهنگی غنی که آمیزه ای از دو فرهنگ ایران و یهود است..."<sup>(۳)</sup> و به جاست که خصوصاً از سه جلد "پژوهشنامه یهود ایران"، که به کوشش آن روان پاک، و با سرمایه و همت بنیاد جامعه دانشوران لس

آنجلس به زیور طبع آراسته شده یاد کنیم. این سه مجموعه به نام "پادیاوند" آغازینه مطالعات و پژوهش در پیشینه و فرهنگ دیرسال یهودیان ایران و روشننگرغنائی میراث یهودیت و اثرگذاری اش بر فرهنگ ایران است. بسیار جای تأسف است که پس از مرگ نوری پرفسور نتصر، این محقق یگانه که استاد کرسی ایرانشناسی در دانشگاه عبری اورشلیم بود و به هر دو فرهنگ از صمیم جان عشق می ورزید، شتاب پیگیری این مطالعات رو به کندی گرائید.

به راستی، حمایت از ادامه این کوشش ها شایسته اهمیت و توجهی به سزاست.

در خاتمه، دوست می دارم این نوشته را با سروده ای از کتاب "آزمون برگزیدگی" قصه غصه ها و سرنوشت سرگشتگی یک قوم" به پایان ببرم. این شعر "سرودی برای درختی کهن پیوند" نام دارد و از پیوند ناگسستنی نهال کهنسال قوم ما با سرزمینی سخن می گوید که ریشه در ژرفای خاکش داریم.

شأن نزول این قطعه واقعه دستگیری سیزده تن از هموطنان یهودی به جرم واهی جاسوسی در شیراز بود. همکیشانی که چونان اسلاف خویش، همواره در طول قرون به خاک همیشه عزیز ایران مهر ورزیده و وفادار بوده اند.

### سرودی برای درختی کهن پیوند

مرا تاریشه در ژرفاست  
به نیش تیشه ازین کندن آسان نیست؛  
صبور و سخت سر استاده ام در رهگذار یورش  
اعصار  
مرا باکی ز توفان نیست.

من از این خاک رستم - گیرم از بذر غریبی از  
دیاری دور-  
بار هجرت بسته بر بال سمند وحشی تقدیر؛  
من بدینجا دل سپردم  
گیرم از مهر نهانی در عمیق سینه خفته از  
زمانی دیر.

من در اینجا هم بهاران، هم خزان دیدم؛  
هم از عطشان تموزی مرا آوند ها خوشید  
هم از سرمای دی بر خویش لرزیدم؛  
بهاران گرچه کوتاه بود، اما از سر شکران

نعمت ها  
من از هر شاخه، از هر برگ، از هر گل  
به دشت میزبان عطر طراوت، عطر برکت،  
عطر عشق و مهر پاشیدم؛  
من به مادر خاک  
-چون خلف زادان با ایمان - وفا کردم، مهر  
ورزیدم.

(یادتان باشد ولی، در گردش بیش و کم ایام  
من ز ضرب تیشه های جهل،  
من ز سنگ اندازی نابخردان هرگز نترسیدم.)

در فصول برگریزان استقامت های پیگیرم  
حکمت آموزانه نقشی از بهار جاودان: تصویر  
طوبا بود؛

تکچراغ هر شکوفه بر تنم نوری به فردا بود،  
رهنمون رهروان در ظلمتای تنگناها بود.

در گذار لشکر تاریخ  
ریشه ام سمکوب خشم خصم  
شاخسارم شاهد رقص نسیم عادلان بودست؛  
صبر ایوبیم  
پاسدار سنت و فرهنگ والای نیاکان  
در شبیخون زمان بوده ست.

این زمان، اما  
سرفراز از آزمون قرن بعد از قرن  
سر به بادآباد تهمت های بی جا خم نخواهد  
شد؛

از دروغ و افترای ناجوانمردان  
ذره ای از اعتبار راستینم کم نخواهد شد.

من اینجا یادگار روزگار پر غرور رادمردانم  
یادبود اولین منشور آزادی ز عصر پرشکوه  
شاه شاهانم.

من اینجا ریشه در اعماق  
با غرور و افتخار و عشق میمانم؛  
در پس این ابرهای تاری مهری  
نوازش های گرم بوسه ی خورشید پنهان  
است: میدانم - میدانم.

۱- "پادیاوند"؛ جلد یکم؛ صفحه ۱۱

۲- همانجا؛

۳- همانجا؛





## ”بربال خرد“

جامعه یهودیان ایران و هفتاد سال رهبری مذهبی

گام به گام با حاخام یدیدیا شوفط

در کاشان، تهران و لس آنجلس

پژوهشی از پروفیسور گوئل کهن - لس آنجلس ۲۰۱۰ میلادی

نقد از: کامران رامین فرد

ها و آرشیوهای ملی اروپا گذرانده است و مصاحبه های بسیاری را انجام داده است، سپس با هزینه کردن وقت و حوصله فراوان تمام تکه های این جدول را در کنار هم قرار داده تا بتواند تصویری روشن و شفاف از تاریخ ما را در برابر دیدهمگان قرار دهد.

”بربال خرد“ برانگیزنده شوق مطالعه و فراگیری علمی در هر خواننده پویایی است. من حاخام یدیدیا را هرگز به صورتی که پروفیسور کهن معرفی کرده است نمی شناختم. کتاب ”بربال خرد“ یکسره خط بطلان بر روی تصویری که از ایشان داشتم کشید. آخر می دانید من هم یکی از افراد همین قوم برگزیده و بهانه گیر خداوند هستم که هرگز از رهبران خود سپاسگزار نبوده ام و هیچ گاه کوچک ترین خطاهای ناکرده و یا کرده آنها را به چشم اغماض نگاه نکرده ام و انتظارم از آنها هرگز پایانی نداشته است. قسمت هایی از مطالب متفاوت در کتاب ”بربال خرد“:

**”ورود ناخواسته به صحنه انتخابات و پیامدهای آن**

من از دو سو، مواجه با تقاضا برای حضور فعال در فرایند انتخابات شدم و در جهت خواست تهدیدآمیز و منتسب به مقامات، گروه فشار و جو موجود در کشور، شوربختانه بر خلاف سنت روحانیت، ناگزیر موضع گیری کرده و در نهایت به صدور متن کوتاه زیر پرداختم.

این فراخوان، از آن پس، توسط جمشید کشفی و جناح طرفدار او زیر عنوان ”اطلاعیه پیشوای بزرگ کلیمیان درباره کشفی“ به شدت مورد تبلیغ مطبوعاتی قرار گرفت و چندین بار در صفحات اصلی مطبوعات کثیرالانتشار تهران به چاپ رسید:

این کتاب در ۱۹ فصل و ۴۸۲ صفحه و انبوهی از اسناد معتبر و تصاویر و باروی جلدی پرمعنا به چاپ رسیده است.

فصول برجسته کتاب:

۱- مدرسه اتحاد کاشان و نقش حاخام یدیدیا ص ۹۵ تا ۱۳۰

۲- در فضای سرشار از جنبش های تازه اجتماعی و فرهنگی ص ۱۴۹ تا ۱۷۹

۳- انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی: یک تجربه تلخ ص ۲۹۵ تا ۳۲۹  
رازی که بر غیر نگفتم و نگوئیم با دوست بگوئیم که او محرم راز است.

۴- واپسین روزهای نظام شاهنشاهی و برآمدن جمهوری اسلامی ص ۳۸۷ تا ۴۰۳

این کتاب بر مبنا و پایه کاوش های علمی، کند و کاو و بررسی صدها برگ از اسناد تاریخی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، سیاسی، پزشکی و بالاخره ورزشی بنا شده است. این همان سبکی است که ایشان در دومین کتاب خود ”همراه با فرهنگ“ یا گوشه ای از تاریخ موسسه آلیانس در ایران برپایه خاطرات الیاس اسحاقیان و اولین کتاب خود به همین روال به نام ”حدیث یک فرهنگ“ یا تاریخ مدارس و فرهنگ یهودیان شیراز برمبنای خاطرات ماشالله فریور ابداع کرده است.

زندگی نامه حاخام یدیدیا، قهرمانی که تاریخ یهودیان ایرانی را رقم زده است و خردگرایی این رهبر و شخصیت دینی در مورد تصمیمات سرنوشت سازی که برای قوم خود اتخاذ می کرده است، زندگی نامه ساده ای نیست که آن را به صورت داستانی پرشور به خواننده تحویل داد. گوئل کهن با نگارش این کتاب هفتاد سال تاریخ معاصر یهودیان را برای ما و آیندگان به رشته تحریر درآورده است. او در این کاوش و پرس و جو در راستای مستند سازی همه یافته هایش دو سفر به ایران داشته است، و روزها و شب های متوالی را در بزرگترین کتابخانه

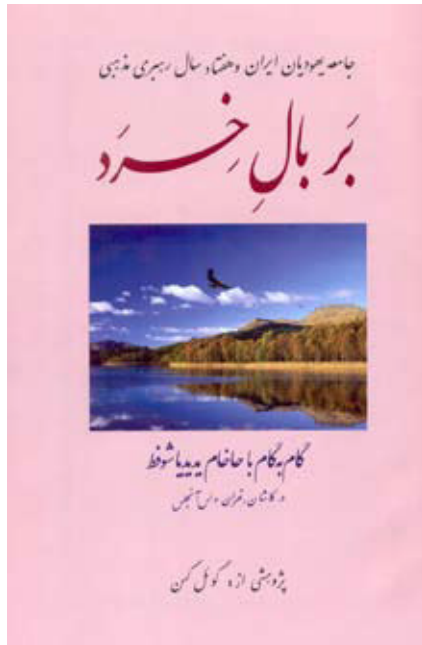
اصلاً نمی دانم چرا من چنین مسئولیت بزرگی را پذیرفتم، باید اذعان کنم که پس از مطالعه کمتر از نصف مطالب کتاب خود را بسیار ناتوان احساس می کنم که بتوانم در این مورد چیزی به روی کاغذ بیاورم، دانشمندی نابغه زندگی نامه نابغه ای دیگر را بررسی کرده و حاصل تحقیقات خود را در کتابی ارزنده به چاپ رسانده است.

کاری که پروفیسور گوئل کهن در کتاب پژوهشی اخیر خود انجام داده است بی نظیر است. لااقل من آنرا در جای دیگری نیافتم.

کتاب ”بربال خرد“ سوالی برای کسی بی جواب نگذاشته است و من به جز سخن پاک، خالص و مستند در آن مطلب دیگری نیافتم.

شفافیت ویژه ای که گوئل کهن به تاریخ یهودیان ایران طی هفتاد سال رهبری حاخام یدیدیا شوفط داده است، حاکی از پژوهشی ژرف، سترک و نو در تاریخ معاصر ماست که نه تنها برای ایرانیان یهودی حائز اهمیت است بلکه سندی معتبر و قابل مراجعه است که همه فارسی زبانان جهان از هر قوم و ملیت و مذهبی که باشند به آن نیاز دارند.

پروفیسور گوئل کهن با قطره ای از دانش بیکران خود، یک دریا علم و معرفت را در کتاب ”بربال خرد“ ارائه داده است.



که دریافت کننده با شوق فراوان به مطالعه آن بپردازد و ناخودآگاه ما را به یاد آورد و به حسن سلیقه ما درود بفرستد که عشق و شور کتاب خوانی را که یکی از بهترین لذت‌های زندگی است در او بیدار کرده ایم.

”بر بال خرد“ را بخوانید از آن بهره مند خواهید شد و لذتی شیرین را تجربه خواهید کرد و هر از چندگاه به مانند یک فرهنگ نامه ”Encyclopedia“ به آن مراجعه خواهید کرد.

**حاحام دیدیا شوفار مرکز نقل و تکیه گاه روحی و روانی یکایک یهودیان ایران بود و ریشه های باورها و ارزش های مذهبی ما از اوست. روانش شاد باد.**

و کیپور تفیلا و تشووا و صداق‌ای همه یهودیان دنیا به درگاه پروردگار عالم مستجاب شده باشد و به همه افراد یهودیان تندرستی کامل و عمر طولانی و خیر و سعادت مرحمت بفرماید.

عزیزانم بطوریکه شنیده ام بعضی می گویند که یهودیان ایرانی کنسرواتيو بوده یا هستند اینک لازم دانستم به عرض مبارک عزیزانم برسانم که یهودیان ایرانی کنسرواتيو نبوده، نمونه آن پدران و مادران ما می باشند همه یهودی مذهبی بوده ایم و انشالله بهمین عنوان و عقیده مذهبی باقی بمانیم.

سلامتی و بقای همه را خواستارم. دعاگوی و خدمت گزار همه

دیدیا شوفار  
جمعه موعد سوکا ۷۶۰ برابر ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۹ میلادی لس آنجلس  
(صفحه ۴۳۲ کتاب بر بال خرد)

حالا خواننده گرامی آیا هنوز هم منتظر آن هستید که من خلاصه ای از کتاب را برای شما بنویسم و حس کنجکاوای شما را با آن ارضا نمایم؟

چنین چیزی امکان پذیر نیست. از کدام جمله یا پاراگراف یا مطلب آن می توانید چشم پوشی کنید، در هر جمله آن صدها علم و معرفت نهفته است مگر می توان از آن صرف نظر کرد.

ای کاش به جای رسم کادو دادن مشروبات سرگردان که هر بطر آن لااقل به ده یا بیست خانه می رود تا عاقبت یکی آن را باز کند، هدیه دادن کتاب را رواج می دادیم

به نام خداوند متعال

همکیشان محترم - کلیمیان تهران اکنون که حسب الامر مبارک شاهنشاه معظم، فرمان انتخابات صادر شده است با خوش وقتی از حسن انتخاب آقای دکتر اقبال رهبر محترم حزب ملیون- آقای جمشید کشفی، خدمتگزار صدیق شاه و مملکت و جامعه را برای نمایندگی دوره بیستم مجلس شورای ملی به عموم همکیشان محترم معرفی و توصیه می نمایم.

حاحام دیدیا شوفار ۸۱  
(صفحه ۳۰۲ کتاب بر بال خرد)

”نماینده دیرپای زاده کاشان

مراد اریه که به یاری ”فرج الله دلجانی“ در جهت اشتغال از کاشان به تهران آمده بود مانند برخی دیگر از همکیشان کاشانی و اصفهانی خود، در رشت اقامت گزیده، به باکو و اروپا رفت و تاجری موفق شد. او با زبان های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و عبری و گویش کاشی نیز آشنا و از اطلاعات دینی در خور توجهی برخوردار بود. وی از سال های جنگ جهانی دوم به نمایندگی جامعه کلیمیان به مجلس شورای ملی رفت و در این جایگاه چندین دوره خدمت کرد.“ (صفحه ۲۹۵ کتاب بر بال خرد)

”بیانیه حاحام دیدیا با دستخط خود

برادران و خواهران عزیزم، یهودیان ایرانی شبات و موعیدم شالوم، امیدوارم که رش هسانا



نهایت بردباری تحمل کرده و در تعلیم و تربیت دو فرزند نمونه و دانشمند ویدا ناتان و دکتر سیاوش مشفق همدانی به مراتب بیش از من سهم داشته است، اهداء می کنم.“

درگذشت شادروان فرخ مشفق همدانی را به فرزندان و نوادگان او و کلیه خانواده های وابسته به ویژه فرزندان او خانم ویدا ناتان و دکتر سیاوش مشفق همدانی تسلیت می گوئیم.

رئیس و اعضاء هیات امناء فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و اعضاء هیات اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی  
نشریه شوفار

## تسلیت

شادروان فرخ (اکباتانی) مشفق همدانی، همسر فداکار و پرمهر روزنامه نگار و نویسنده و سیاستمدار عالیقدر زنده یاد مشفق همدانی، چشم از جهان فروبست. در کتاب ”خاطرات نیم قرن روزنامه نگاری“ به قلم مشفق همدانی، آن شادروان در متن اهداء کتاب می نویسد: ”این کتاب را به همسر عزیزم فرخ فائقی اکباتانی که متجاوز از نیم قرن زندگی پرتلاطم سیاسی و ادبی مرا در



## یادش گرامی

گذارده بود که تنها انسان هایی با اندیشه های مترقی و متعهد به باروری آن را دنبال می کنند و او تا آنجا رفت که معرفت عشق را به خوبی شناخت.

آنچه که از او به جا مانده آبرویی است ماندگار، فرزندان خلف، همسری همراه و خوراها کاغذ که به اعتبار تراوشات فکری او و آمیزش قلمی که در دست پرتوان او حرکت می کرد عنوان معتبر "نوشته" را به خود گرفته است.

یادش گرامی.

سردبیر و اعضاء هیات تحریریه مجله شوفار، رئیس و اعضاء هیات اجرائی فدراسیون یهودیان ایرانی، رئیس و اعضاء هیات اماناء فدراسیون یهودیان، درگذشت آقای سیروس حلاوی را به همسر و فرزندان عزیز او صمیمانه تسلیت می گویند.

حرفه اش چون گذشته هایش در سرزمین مادری ساختن و گسترش آبادی و آبادانی بود و در کنارش بسیار خانواده های مهاجر را یاری داد تا صاحب مأوا و کاشانه ای شوند. این روزها بود که کتاب جنگ یوم کیپور را به رشته تحریر درآورد و مقرر کرد تا منافع مالی این کتاب به دارالایتام تیفرت شلمو و همچنین کمک به اتمام ساختمان نیمه تمام مجتمع فرهنگی خانه کورش اختصاص یابد و جالب اینجاست که مدیران این دو موسسه هر دو ایرانی بودند و این نشان می داد که روحش فراتر از مرزها رفته و همچنان متوجه زانگهش، مذهبش و شرف انسانی اش بود.

مهاجرتش به آمریکا در سال ۱۹۷۷ نیز هرگز او را از عشقش دور نساخت. او در نهانخانه قلبش هنوز به اعتقادش پایبند بود و در سرزمین جدید نیز شیوه آمیزش قلم و کاغذ را فراموش نکرد و اندیشه بالنده اش را همچنان از طریق مجلاتی چون شوفار، دنیای یهود و راه زندگی با مردم جامعه اش تقسیم می کرد. او اندیشمند فرهیخته ای بود که به خوبی شیوه نوشتن و تفسیر وقایع را می دانست و دل دریائی اش که مسکن شرافت و انسان دوستی بود او را از حصار خانه به قلب جامعه ای کشانده بود که سال ها با بصیرت او نگاهی تازه را تجربه می کرد. اگر چه به دلیل فراز و نشیب های زندگی نتوانست تا در پشت میز دانشگاه بنشیند اما اشتیاقش به دانستن را در فرزندان خود پرورش داد و از آنان انسان هایی ساخت که همگی با تحصیلات عالی مفید به حال جامعه ای هستند که سال ها خود را وقف آن ساخته بود و نیک می دانست پس از او فرزندان او ادامه وجود مثمر ثمرش خواهند بود.

زنده یاد سیروس حلاوی قدم در راهی

ماه گذشته آقای سیروس حلاوی یکی از خدمتگزاران محبوب و صادق جامعه یهودی در لس آنجلس درگذشت. در سالهای گذشته بسیاری از نوشته ها و تفسیرهای سیاسی او زینت بخش صفحات "مجله شوفار" بوده است. مطلب زیر خلاصه ای از متن سخنرانی خانم شیرین طالع در مراسم یادبود آن زنده یاد است.

باردیگر خاک دردانه چین، عزیز یکدانه ای را در خود کشید و به رسم دیرینه مدفن گنجینه ای از علم و ادب و معرفت شد. این گنج مدفون، زنده یاد سیروس حلاوی بتاريخ ۱۵ فوریه ۱۹۲۲ از مادر و پدری مهربان به نام های خانم مریم ناتان و داود حلاوی در همدان به دنیا آمد. آنجا که عطر رویش اصالت دیگری داشت. فقط ۲۰ سال داشت که به تهران رفت تا قافله سالار خانواده خود باشد و پس از آنکه تعهدش را به عنوان فرزند ارشد به خانه و خانواده ادا کرد راهی اسرائیل شد آنجا که هویتش، عشقش و آمالش بود. در اسرائیل بزودی جلب رسانه فارسی زبانی شد که برای سالها همدلی و همکاری اش با منشه امیر با خواندن، تفسیر و گزارش اخبار سیاسی شکل گرفت.

این طفل الوند که روزی تنها بچه متعلق به کوچه پس کوچه های عطرآمیز شهرستانش بود اکنون جوان بالنده ای به حساب می آمد که می رفت تا دنیا را در کلام و تفاسیرش با یاری قلم و گفتار در چنگ بگیرد. آنجا بود که با همسرش سرکار خانم الیزا تفتیان که همواره شرف رفاقت را با او به جا آورد، ازدواج کرد و پس از سال ها جمع خانواده اش که اینک چهار فرزند به نام های امیر، فرزین، فرناز و دوریت به آن اضافه شده بود گرمایی دیگر گرفت.

### ● خواننده عزیز ●

ما مشتاق هستیم که نظریات و عقاید شما را درباره  
**نشریه شوفار**  
و خدمات فدراسیون یهودی ایرانی کالیفرنیا دریافت کنیم.  
لطفاً از طریق نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید.

**Shofar Publication**  
1317 N. Crescent Blvd.,  
West Hollywood, CA  
90046  
(323) 654-4700



نوشته های این کتاب ایده ها و عقاید بحث انگیزی را معرفی می کند، این مباحث سالیان بسیاری است که در محافل مختلف مورد سوال و بررسی قرار گرفته اند. همانطور که می دانیم یهودیت همواره مورد سوال قرار دادن و بحث راجع به قوانین و باور های دین را تشویق می کند، بنابراین جای تعجب نیست شخصی مانند آقای سلیمان مصاچی، فردی که دانش بسیار در عالم یهودیت و مذهب دارد و مردی مومن و قابل اعتماد در جامعه یهودی ایرانی است، تصمیم گرفته که این کهن ترین قانون یهودیت را موضوع کتاب و نوشته خود قرار دهد.

”روزنه ای به دیار روشنایی“ نوشته ای است متفاوت که مطالعه آن انسان را به تفکر در مورد نقش مذهب و خدا و بی کرائی جهان هستی و خالق آن، وامی دارد.

به هر تقدیر تا زمانی که انسان در این دنیای خاکی زندگی می کند، با وجود تمام نوشته ها و باورها و ایده هایی که در مورد خدا، دین، مذهب و دنیای ماوراء الطبیعه بیان شده، تنها این رباعی از حکیم عمر خیام است که موقعیت امروز ما را دقیقاً توضیح می دهد:

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من  
وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو  
چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

## کتاب روزنه ای به دیار روشنایی

نقد از: مژگان مقدم رهبر

به احتمال زیاد نوشته ها و کتاب هایی که وجود ”خدا“ را آنطور که ما از طریق دین و مذهب آموخته ایم مورد سوال و بررسی قرار می دهد در جامعه یهودی ایرانی کمتر دیده شده اند. اما در دنیای شرق و غرب در طی سالها اینگونه نظریات پیروان بسیار داشته و دارد و اکثر این نویسندگان از میان دانشمندان بسیار مذهبی از ادیان مختلف برخوردارند. شاید معروف ترین و پرفروش ترین این کتاب ها که در اوایل سال های ۱۹۷۰ ترجمه فارسی آن نیز تهیه شد اما فروش آن در ایران قدغن بود، کتاب ”ارابه های خدایان“ نوشته ”اریخ وان داینکن“ نویسنده سوئیسی باشد، که در سال ۱۹۶۸ به چاپ رسید. در چند دهه اخیر کتاب های بسیاری چاپ شده اند که در محافل روحانی، معنوی، و غیرمذهبی از محبوبیت بسیار برخوردار بوده اند، و هرکدام به روش مخصوص به خود تا حدی یادآور نوشته های آقای مصاچی در کتاب ”روزنه ای به دیار روشنایی“ هستند. بنابراین اگرچه



کتاب ”روزنه ای به دیار روشنایی“ نوشته آقای سلیمان مصاچی در ماه جون امسال در نیویورک منتشر شد. نظریات و عقاید نوشته شده در کتاب باعث ایجاد بحث های بسیاری در محافل ادبی و مذهبی در جامعه یهودی ایرانی در چند ماه اخیر بوده است.

## تسلیت

با کمال تأسف درگذشت آقای مهندس جمشید شکوری، پدر خانم شیلا شکوری همکار عزیز مجله شوفار را حضور ایشان و خانواده محترمشان تسلیت می گوئیم و برایشان سلامتی و شکیبائی آرزو مندیم.

سردبیر و هیأت تحریریه مجله شوفار



www.redbubble.com

## دوربین عکاسی "لایکا" و یهودیان در جنگ جهانی دوم

ترجمه: ویولت ساسونی

شرکت لایتز، ایالات متحده آمریکا بود. با تمام این اوصاف اعضاء خانواده و شرکت لایتز از این اعمال خیرخواهانه شان رنج بسیار بردند. آلفرد تورک، یکی از رؤسای مهم شرکت، به خاطر کمک به یهودیان به زندان افتاد و بالاخره پس از پرداخت رشوه‌ای هنگفت آزاد شد.

دختر لایتز، السی کان-لایتز، پس از اینکه در بندر، در حال کمک به زنان یهودی برای رفتن به سوئیس گرفتار شد توسط گشتاپو به زندان افتاد. او بالاخره آزاد شد ولی در جریان تحقیقات با او به خشونت رفتار شد. همچنین زمانی که به ۷۰۰-۸۰۰ زن برده اوکراینی که در سال های ۱۹۴۰ مجبور به کار در کارخانه شده بودند، کمک می کرد به او مظنون شدند.

بعد از جنگ کان-لایتز به خاطر کوشش های انسانی خود به دریافت افتخارات متعددی نائل شد از جمله مدال افتخار آکادمی نخل ها از فرانسه در سال ۱۹۵۶ و مدال افتخار آریستایدبریانند از آکادمی اروپا در سال های ۱۹۷۰)

چرا این داستان را تاکنون کسی تعریف نکرده است؟

بنا به گفته نورمن لیپتون فقید، یک نویسنده و سردبیر مستقل، خانواده لایتز برای کوشش های قهرمانانه خود هیچ نوع تبلیغاتی نمی خواستند. فقط پس از مرگ آخرین عضو خانواده لایتز، بالاخره ماجرای "ترن آزادی لایکا" مورد توجه قرار گرفت. این داستان اکنون موضوع کتابی است به نام "بزرگترین اختراع خانواده لایتز: ترن آزادی لایکا" نوشته فرانک دابا اسمیت.

خاطرات نیکوکاران باید زنده بماند.

فعالیت های لایتز پس از کریستال ناخت، در نوامبر ۱۹۳۸ که در آن شب کنیساها و مغازه های یهودیان سراسر آلمان به آتش کشیده شد، شدت گرفت.

خیلی زود "کارمندان" آلمانی در بندر نیویورک از کشتی اقیانوس پیمای برمن پیاده می شدند تا به دفاتر شرکت لایتز در منهتن بروند - جائی که رؤسا بلافاصله برایشان شغلی در صنعت عکاسی پیدا می کردند. هر تازه واردی یک سمبل آزادی بگردنش آویخته بود، یک دوربین لایکای نو! به پناهندگان تا زمانی که کاری پیدا کنند مواجهی هم پرداخت می شد. از بین این مهاجران، طرآحان، تعمیرکاران، فروشندگان، بازاریابان و نویسندگان بسیاری برای صنعت چاپ عکس بیرون آمدند.

درحالی که تمام این ماجرا به طور مخفیانه انجام می شد، در سالهای ۱۹۳۸ و اوایل ۱۹۳۹، "ترن آزادی لایکا" در اوج فعالیت خود، هر چند هفته یکبار، گروه های مهاجرین را به نیویورک می رساند.

سپس با حمله به لهستان در اول سپتامبر ۱۹۳۹، آلمان مرزهای خود را بست. تا آن زمان صدها یهودی که جانشان در خطر بود، سپاسگزار از کوشش های لایتز، به آمریکا گریخته بودند.

در این ماجرا چه بر سر ارنست لایتز دوم و همکارانش آمد؟

شرکت لایتز، مارکی که شهرت بین المللی داشت، برای حزب نوحاسته رایش باعث اعتبار بود. این شرکت برای ارتش آلمان دستگاه های برد سنج و دوربین های مخصوص تولید می کرد. همچنین حکومت نازی احتیاج مبرم به ارز خارجی داشت و تنها و بزرگترین بازار صنایع دوربین سازی

"لایکا" یک دوربین پیشرفته ۲۵ میلیمتری ساخت آلمان است که بسیار دقیق، ساده و فوق العاده کارساز است. در پشت پذیرش جهانی این دستگاه به عنوان یک وسیله خلاقه، شرکتی متعلق به یک خانواده سخاوتمند، فروتن و مهربان وجود داشت که در دوران "نازی ها" با مرحمت بسیار به یهودیان آلمانی کمک کرده و جان تعداد زیادی از آنها را نجات داد. شرکت ای-لایتز، طراح و سازنده مشهورترین فرآورده عکاسی آلمان، به ریاست ارنست لایتز دوم در زمانی که هالوکاست سراسر اروپا را فرا می گرفت در نهایت آرامش و بی سر و صدا چنان عمل نمود که لقب "شیندلر صنعت عکاسی" را کسب نمود.

به محض اینکه آدولف هیتلر، در سال ۱۹۳۳، به مقام صدراعظم آلمان منصوب شد، ارنست لایتز دوم شروع به دریافت درخواست های وحشت زده از همکاران یهودی خود کرد که از او می خواستند به آنها و خانواده هایشان برای خروج از کشور کمک کند.

لایتز و خانواده اش به خاطر اینکه مسیحی بودند، از قوانین نورمبرگ، که جابجایی یهودیان را ممنوع و فعالیت های شغلی شان را محدود می کرد، معاف بودند.

لایتز برای کمک به کارگران و همکاران یهودیش، سیستمی را ایجاد کرد که در بین مورخین هالوکاست به نام "ترن آزادی لایکا" معروف شد. وسیله ای مخفیانه برای دادن اجازه خروج از آلمان به یهودیان در نقش کارمندان لایتز در آنسوی دریاها. کارمندان، فروشندگان، اعضای خانواده و حتی دوستانشان به پست هایی در دفاتر فروش لایتز در فرانسه، بریتانیا، هنگ کنگ و آمریکا منصوب می شدند.

LAW OFFICES OF  
**SHAHROKH MOKHTARZADEH**

*Serving the Iranian/American community since 1990*

**BUSINESS, REAL ESTATE, FAMILY LAW, LITIGATION**

**دفاتر حقوقی**

**دکتر شاهرخ مختارزاده**

متخصص در

**قراردادهای تجاری، املاک، امور خانواده، دعاوی قضایی**

**310.472.7800**

**815 Moraga Drive,  
Los Angeles, CA 90049**

**FAX: 310.472.9977**

**E-MAIL: [shahrokh@att.net](mailto:shahrokh@att.net)**



Administration) یا (FDA) که مسئول کنترل داروها و مواد غذایی در آمریکا است در کنترل مکمل های غذایی دارویی نقش بسیار کوچکی به عهده دارد. کارخانه های تولیدکننده این مواد موظف هستند که به طور داوطلبانه محصولات خود را بازرسی کنند و اطمینان داشته باشند که این محصولات دارای کیفیت عالی هستند و استفاده از آنها کاملاً بی ضرر و خطر می باشد.

کمپانی هایی که مکمل های غذایی دارویی را به بازار عرضه می کنند می توانند بدون اینکه تحقیقات زیادی روی محصولات آنان شده باشد، محصولات خود را به بازار ارائه کنند و با روش های بازاریابی و تبلیغاتی وسیع پول زیادی را به جیب بزنند. فقط در زمانی که شکایت های زیادی از طرف مصرف کنندگان این مواد به FDA بشود، آن وقت است که FDA این مواد را از فروشگاه ها جمع آوری می کند. افراد سالمند به علت استفاده بیشتر از مکمل های غذایی دارویی، به خصوص هم زمان با داروهای تجویز شده پزشکان و تغییراتی که در طرز کار اعضا مهم بدن آن ها به علت کهولت سن پیش می آید، در معرض خطرات بیشتری برای واکنش های مضر بین داروها و مکمل های غذایی دارویی هستند و باید به این مسئله توجه زیادی داشته باشند.

در اثر بالا رفتن سن، بسیاری از سیستم های بدن انسان مثل زمان جوانی کار نمی کند. به عنوان مثال بازده کار جگر کم می شود و این عضو دیگر نمی تواند مسئولیت خود را که دفع مواد سمی بدن است را به خوبی انجام دهد و بنابراین این مواد به مدت بیشتری به صورت فعال در بدن باقی می مانند و می توانند ایجاد مسمومیت های مختلف بنمایند.

یکی دیگر از سیستم هایی که در سنین بالا دچار کم کاری می شود دستگاه کلیه ها است که مسئول تصفیه مواد زائد بدن می باشد. در سنین بالا کلیه های یکی از دستگاه های بدن هستند که بیشتر از همه دچار اشکال می شود. وقتی این دستگاه خوب کار نکند مواد زائد من جمله داروها از بدن به خوبی دفع نمی شوند و در بدن به مدت طولانی تری باقی می

## واکنش مکمل های دارویی و غذایی در رژیم غذایی سالمندان

از: رویا رهبر پولدار (متخصص تغذیه)\*



این داروها به تجویز پزشکان می باشد ولی بیشتر این داروها احتیاجی به نسخه پزشک ندارند و یا داروهای گیاهی و طبیعی، به صورت خوراکی های مکمل در داروخانه ها و یا فروشگاه های غذاهای بهداشتی در معرض فروش هستند. این مواد غذایی مکمل شامل انواع ویتامینها، مواد معدنی، آمینو اسیدها، مواد گیاهی مثل گینگکو (Ginkgo)، سینت جانزورت (St Johns' Wort)، سیرومواد دیگری مثل گلوکوزامین (Glucosamine)، کاندواسی شین (Chondroitin) و ملاتونین (Melatonin) می باشند.

آمار نشان می دهد که حدود پنجاه درصد سالمندان از این مکمل های غذایی، دارویی استفاده می کنند. دلایل زیادی برای استفاده از این مواد وجود دارد، من جمله گران بودن داروهای تجویز شده به وسیله پزشکان و عوارض جانبی است که در استفاده از این داروها در بعضی افراد مشاهده می شود.

مسئله بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که سازمان بررسی مواد غذایی و دارویی آمریکا (Food and Drug

افراد سالمند (سنین ۶۵ سال به بالا) چهار درصد جمعیت ایالات متحده آمریکا را تشکیل می دهند. با پیشرفت های عظیمی که در ۵۰ سال گذشته در رشته های مختلف پزشکی و بهبود روش های زندگی خانواده ها، تامین اقتصادی سالمندان و وجود بیمه های پزشکی به وجود آمده است، این طبقه از جوامع انسانی بخصوص در ایالات متحده آمریکا از رشد بیشتری از هر گروه سنی دیگری در جامعه برخوردار است. تخمین زده می شود که تا سال ۲۰۳۰ بیست درصد از جمعیت آمریکا را این گروه سنی تشکیل خواهند داد.

درصد بیماری های حاد و مزمن در این گروه سنی به مراتب بیشتر از گروه های سنی دیگر می باشد. بنابر آخرین آمار در آمریکا چهل درصد داروها من جمله داروهای گیاهی و طبیعی مورد مصرف این گروه قرار می گیرد. در حالیکه این گروه همین طور که قبلاً ذکر شد فقط چهارده درصد جامعه آمریکا را شامل می شود.

بسیاری از افراد سالمند هم زمان از داروهای مختلف استفاده می کنند. بعضی از

# درمان با استفاده از سلول های بنیادی

ترجمه: ژانت هارونیان

منبع: اینترنت و کتاب Stem cell

می کند؟ ساقه سلول جنینی چیست؟ ریشه آن در کجاست؟ درمان به وسیله اینها در چه مواردی سود و یا ضرر دارد؟ چگونه می توان بر موانع در راه رسیدن به نتیجه مطلوب غلبه کرد؟ آیا بالاخره ما انسان ها در مقابل علم و قانون صلاحیت داریم از سلول های جنینی بدن استفاده کنیم؟ در عرض ۲۰ سال اخیر آزمایشات انجام شده روی موش و حیوانات بزرگ تر مانند خوک بوده است و در حال حاضر بهتر است آزمایشات و مطالعه را در درمان انسان به کار برد چون تفاوت بین بدن انسان و حیوان بسیار است.

تاکنون معالجاتی که روی انسان ها انجام شده تا پنجاه درصد موفقیت آمیز بوده ولی ریسک پس زدن و نپذیرفتن سلول جدید در بدن زیاد است. برای اینکه درصد پذیرش سلول جدید بیشتر شود سعی در این است که سلول های اولیه از خود شخص گرفته شده و به او تزریق شود تا خطر عدم قبول آن کمتر باشد.

در حال حاضر در بیشتر ممالک دنیا درمان به وسیله سلول های بنیادی رواج ندارد و اغلب فقط زیر تحقیق است. بیماری هایی که تا به حال به این وسیله درمان شده اند و تا پنجاه درصد اثر امیدوار کننده داشته اند عبارتند از: بیماری دیابت، آلزایمر، سکتة قلبی، سوختگی و رماتیسم.

در آمریکا هر ۳۴ ثانیه شخصی در اثر سکتة قلبی تلف می شود. مطالعه نشان داده است که تزریق سلول های بنیادی کشت شده مستقیم به قلب در موقع جراحی قلب مویرگ های ظریفی به وجود می آورد که اثر مثبت روی درمان دارد. با وجود تمام هیجان و نتایج امیدوار کننده، درمان به وسیله سلول های بنیادی هنوز در مرحله اولیه است و احتیاج به تحقیق بسیار دارد.

آخرین پدیده، درمان امراض به وسیله سلول های بنیادی تخم انسان است.

تحقیق در مورد این نوع سلول ها فرصت بی سابقه ای در طب درمانی به وجود آورده است. سلول های جنینی را از قسمت سالم بدن گرفته، پس از کشت در آزمایشگاه به قسمت فرسوده و بیمار بدن تزریق می کنند. این سلول ها که استعداد پنهانی توسعه، رشد و تعمیر دارند، به محض ورود به مکان جدید خود در دو حالت شروع به ترمیم می کنند. یا همان عمل سلول های قدیمی را از پی می گیرند و یا اینکه با تحریک، تبدیل به سلول های نوع دیگر می شوند، و وظیفه تازه ای به عهده می گیرند. مثلاً با ملحق شدن به سلول های عضله، خون می سازند و یا در سلول مغز رل دیگری به عهده می گیرند. در هر صورت رل اساسی آنها نوسازی و درمان است.

PLILRIPOTENT از نوع بهترین سلول ها است چون با همه نوع سلولی سازش و همکاری می کند و از آن در بیماری پارکینسون و برای ساخت دارو استفاده می شود.

قابل توجه این است که سلول های کشت شده، در محل جدید خود به طوری مستقر می شوند که تا بدن زنده است رشد و نمو می کنند و سلولهای قدیمی دیگر محتاج آنها شده بدون آنها موجودیت خود را از دست می دهند. سلول های جنینی دیگر در مقابل حمله بیماری به بدن وجود مبارز خود را نشان نمی دهند و ممکن است یک عمر در گوشه ای بی حرکت نهفته بمانند.

در تاریخ ۶/۲۲/۲۰۰۱ کارگاهی از متخصصین و بیولوژیست ها به منظور تحقیق و بررسی سلول جنینی تشکیل شد. با وجود هیجان امیدوار کننده و اثر مثبت ویژگی استفاده از سلول ها هنوز بحث در مورد آن بسیار است، و دانشمندان را به تفکر واداشته که ما کیستیم؟ چه عاملی ما را انسان فرض

مانند و این مسئله می تواند اشکالات زیادی به وجود بیاورد.

در بسیاری از موارد واکنش های بین داروهای تجویز شده پزشکان و مکمل های غذایی دارویی به صورت تنگی نفس های ناگهانی و عوارض پوستی همراه با خارش به علت آلرژی های مختلف پیش می آید که لازم است فوراً به پزشک مراجعه کرد.

مسئله دیگری که در سالمندان باید توجه داشت این است که بسیاری از آنان دچار "فقر غذایی" هستند. این اشخاص باید از مقادیر کمتری از دارو استفاده کنند. اگر این اشخاص از مقادیر معمولی دارو استفاده کنند ممکن است در آنان مسمومیت های عضوی ایجاد شود.

باید در استفاده از بعضی از مواد گیاهی و طبیعی حتی بعضی مواد غذایی وقتی که شخص از داروهای تجویز شده پزشک استفاده می کند خودداری کرد. بسیاری از این مواد را نباید با داروهای تجویز شده پزشک استفاده کرد چون می توانند اشکالات زیادی برای مریض ایجاد کنند. به عنوان مثال از خوردن میوه گریپ فروت با بسیاری از داروها من جمله داروهای ضد فشار خون و کلسترول باید خودداری کرد. دلیل آن این است که گریپ فروت (میوه و یا آب میوه) حاوی آنزیمی است که باعث می شود بدن نتواند این داروها را خنثی کند. این داروها به مدت بیشتری از آن که لازم است در بدن باقی می مانند و می توانند مسمومیت ایجاد بکنند.

اثر گریپ فروت تا سه روز روی سیستم بدن انسان باقی می ماند. بنابراین اگر از داروهای ذکر شده و بسیاری از داروهای دیگر استفاده می کنید، از خوردن گریپ فروت خودداری کنید!

حتماً از یک کارشناس بهداشت در مصرف داروهای خود و اثر مواد گیاهی و طبیعی بر روی این داروها سوال کنید و مطمئن شوید که استفاده آنها اثرات بدی روی بدن و تأثیر داروهای تجویز شده نداشته باشد.

\* رویارهرپولدار، متخصص تغذیه و استاد تغذیه در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در نورتریج است و یکی از همکاران گروه پزشکی "رهبر" در کالیفرنیا.

دوستداران محترم نشریه شوفار :

۲۵ سال از چاپ مجله "شوفار" نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی می‌گذرد. با سپاس از پشتیبانی، همراهی و تشویق شما خوانندگان عزیز در طی این سالها از شما درخواست می‌کنیم برای کمک در هزینه این نشریه حداقل مبلغ ۳۶ دلار در سال به فدراسیون یهودیان ایرانی هدیه کنید. هدایای شما مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود و اشتراک سالیانه ارسال مرتب "شوفار" را به آدرس ذکر شده در فرم پائین تضمین خواهد کرد.

**Dear Friends of Shofar:**

In the past 25 years, "Shofar", the publication of Iranian-American Jewish Federation, has served as an integral means of communication within the Iranian- American Jewish Community.

In order to continue our mission of informing and bringing our community closer together, we need your help. Your tax deductible donation of \$36 per year will help us reduce our budget deficit and guarantee your prompt receipt of the publication.

Please fill out the form below and mail it to the Iranian -American Jewish Federation.



Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

E-Mail: \_\_\_\_\_

Gift Amount: \$ \_\_\_\_\_

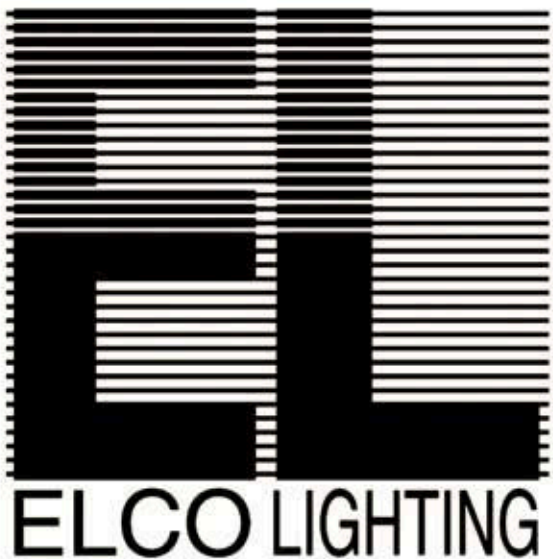
**Shofar Publication**

**1317 N. Crescent Heights Blvd., West Hollywood, CA 90046**

**(323) 654-4700**



# ELCO *Lighting*



## الكو

نامی معتبر، شناخته شده  
و پیشگام  
در صنعت نور و روشنایی

## اوضاع آشفته و دگرگون خاورمیانه

نوشته مهرداد لویصدق\*

### پدیده آواره گان عرب:

بعد از اعلام استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ پنج کشور عرب شامل مصر، اردن، سوریه، لبنان و عراق به اسرائیل حمله ور شدند و قریب به ۴۰۰،۰۰۰ نفر از فلسطینیان، اکثرا بواسطه تشویق کشورهای مهاجم و برخی در نتیجه جنگی که بر اسرائیل تحمیل شده بود شهرها و دهکده های خود را ترک کرده و به کشورهای عرب پناهنده شدند به این امید که با پیروزی اعراب، به فلسطین بازگردند و خانه ها و اموال یهودیان را تصاحب کنند. ولی مسیر حوادث طبق میل آنان پیش نرفت و به این طریق مسئله آوارگان فلسطین بوجود آمد.

ایجاد این مسئله و ادامه آن را تا کنون میتوان مدیون "برادر دوستی" کشورهای عرب وانگیزه های سیاسی کمیته پناهندگان سازمان ملل دانست.

کشورهای لبنان، سوریه و اردن فلسطینیانی را که به آنان پناهنده شده بودند در اردوگاه ها متمرکز نمودند بدون اینکه به آنان کوچکترین کمکی بکنند. آنان از هیچ گونه حقوق مدنی برخوردار نبودند رفت و آمد آنان تحت کنترل کامل قرار داده شد و چون به آنان تابعیت داده نشد از آن وقت تا بحال به عنوان پناهنده محسوب می شوند. ساکنان نوار غزه هم که تحت تسلط مصر قرار داشتند کاملا در انزوا و محاصره بودند و اجازه خروج از منطقه و یا ورود به مصر را نداشتند.

از آن موقع تا بحال کمیته پناهندگان سازمان ملل از این آوارگان که شمارشان به

بیش از ۳ میلیون نفر افزایش یافته (و به گفته اعراب به ۵ میلیون رسیده) حمایت میکند. این تنها گروه آوارگان نیست که در طول ۶۰ سال (نسل دوم و سوم آواره گان) از طرف سازمان ملل با خرج مبالغ هنگفت صد ها میلیارد دلار حمایت میشوند. شاید میتوان حدث زد که این سازمان بواسطه توجیه وجود خود است که این حمایت را در طول ۶۲ سال ادامه میدهد.

تامین مایحتاج روزانه آوارهگان باعث شده که بسیاری از مردان در اردوگاه ها، برای خود دو یا سه و یا چهار زن انتخاب کنند و تعداد زیادی بچه داشته باشند و چون امکانات کار و تحصیل در اردوگاه ها بسیار محدود هستند بسیاری از جوانان به گروه های تروریستی میپیوندند.

یک ضرب المثل چینی میگوید "به آدم محتاج ماهی نده. به او یاد بده ماهی بگیرد". اگر در طول این مدت، کمیته پناهندگان که مانند خود سازمان ملل تحت تسلط بیش از ۵۵ کشور عربی و اسلامی قرار دارد امکانات کار و تحصیل را در اردوگاه ها ایجاد مینمود و تأمین مایحتاج آنان را مشروط به کار و تحصیل مینمود، شاید تا بحال مسئله آوارگان بکلی منتفی شده بود و آنان از زندگی فلاکت بار کنونی نجات یافته بودند. کما اینکه در طول این مدت تعدادی از آوارگان که به کشورهای اروپا، امریکای مرکزی و جنوبی مهاجرت کرده اند موفق شده اند در کشورهای جلب کننده به زندگی معمولی ادامه دهند.

مقایسه زندگی اعراب تحت تسلط اسرائیل و آوارگان غزه و کشورهای عرب:

سطح زندگی اعراب ساکن اسرائیل و اعراب ساکن غرب رود اردن نسبت به سطح زندگی آوارگان در غزه و در کشورهای عرب غیر قابل مقایسه است.

اکثر اعراب اسرائیل در رفاه زندگی میکنند. در پارلمان بین ۱۲-۱۰ نماینده دارند و از آزادی کامل برخوردارند. آنان برای برادران فلسطینی خود سینه میرتند ولی در مواردی که بعضی از سیاستمداران اسرائیلی پیشنهاد کرده بودند که آنان و مناطقی که در آن زندگی میکنند به دولت خود مختار فلسطین ملحق شوند فریاد آنان به آسمان بالا رفت که چه کسی جرأت دارد به آنان چنین پیشنهادی بدهد.

اهالی مناطق تحت تسلط دولت خود مختار فلسطین که در سالهای اخیر از تروریزم دور شده و با کمک اسرائیل برای بهبود زندگی خود فعالیت میکنند دارای یکی از سریع ترین پیشرفت های اقتصادی در دنیا هستند و در سال گذشته اقتصاد آنان ۷ در صد ترقی داشت.

ولی بلعکس، آوارگان غزه و کشورهای عرب، بواسطه انگیزه های گوناگون، شستشوی مغزی وعدم کار و تحصیل در فلاکت زندگی میکنند.

اگر کشورهای عرب حاضر بودند مقداری جزئی از ثروت هنگفت خود را برای بهبود زندگی "برادران" خود اختصاص دهند و آنان را با حقوق مساوی در کشورهای خود جلب کنند علتی وجود نداشت که وضع اقتصادی و اجتماعی آنان شبیه و یا بهتر از اعراب اسرائیل نباشد و مسلمان دنیا هم خیلی کمتر از ترور و تروریزم عربی آسیب میدید. ولی آنان دلشان برای فلسطینی ها نمیسوزد و برای پیشبرد اهداف داخلی خود ترجیح میدهند که موضوع فلسطین "گرم" بماند تا افکار عمومی مردمان کشورهایشان به آن مشغول باشند.

### حقایقی در مورد محاصره غزه:

در سالهای اخیر دولت اسرائیل چند پارک صنعتی را در مرزهای خود با اردن و کناره غزه ایجاد نمود تا برای اعراب امکانات کار ایجاد کند به این امید که بهبود وضع مالی،

آنان را از ترور دور کند.

پارک های برپاشده در مرز اردن با موفقیت بکار خود ادامه میدهند ولی پارک های مرز غزه که برای کار و تأمین معاش آواره گان غزه ساخته شده بودند بارها مورد حملات تروریستی افراد حماس قرار گرفتند و به ناچار بسته شدند.

از موقع برقراری محاصره نوار غزه دولت اسرائیل روزانه صد ها کامیون حامل صد ها تن غذا و آذوقه را تا دروازه ورودی به غزه میرساند تا در آن نقطه بر کامیون های غزه بار شوند. در عین حال دولت اسرائیل میکوشد که از رسیدن مواد و کالا هائی که ممکن است برای ساخت اسلحه و یا بنیاد تونل های زیر زمینی استفاده شوند جلوگیری نماید.

در سال اول مکرراً کامیون های اسرائیلی حامل آذوقه با رسیدن به نزدیکی غزه مورد حملات مسلحانه افراد حماس قرار میگرفتند و در چند مورد راننده ها و یا دیگران کشته و یا زخمی شدند. شیطان صفتی سران حماس که حتی حاضرند مردم خود را با خطر گرسنگی روبرو کنند امروزه هم به نحو دیگری ادامه دارد. آنان قسمتی از آذوقه ارسالی را ضبط کرده و بین خود و نزدیکان تقسیم میکنند و یا در بازار سیاه میفروشند و اسرائیل را عامل کمبود مواد غذایی نشان میدهند.

”شخصی که پدرش را کشته بود به محاکمه آوردند و او با چشمی مملو از اشک از قاضی تقاضای رحم و مروت نمود به این علت که او یتیم است.“

رفتار گروه تروریستی - مذهبی حماس، دست نشانده ایران، که بر غزه تسلط دارد و نابودی اسرائیل را در آئین نامه خود گنجانیده شبیه همان آدم کش است. سالهاست که اسرائیل را بوسیله موشک مورد تجاوز قرار میدهد، در هر فرصتی که در اختیار دارد خرابکاران خود را برای کشتار بسوی اسرائیل میفرستد و بیش از ۴ سال است که حاضر به مبادله سرباز اسرائیلی ربهوده شده نیست و از طرف دیگر مرتبه که موشکی بسوی اسرائیل میفرستد و نیروی هوائی اسرائیل به ساختمانی که موشک از آن فرستاده شده حمله میکند سران

حمس با پروئی تمام جنجال بر پا میکنند و با اشک های تمساح ساختمان ویران شده را به خبرنگاران نشان داده و از ظلم اسرائیل شکایت میکنند که چرا از خود دفاع میکنند. آنان فراموش نموده اند که تا چند سال پیش اسرائیل روزانه به ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار کارگر عرب اجازه ورود به اسرائیل میداد ولی در موارد زیادی عده ای از این کارگران کارفرما های یهودی خود و یا مردم عادی را به قتل رسانیدند و یا زیان های عظیمی وارد آوردند و در نتیجه دولت مجبور شد از ورود آنان به اسرائیل جلوگیری کند و بجای آنان اجازه کار به کارگران از کشورهای دیگر بدهد.



دست چپی های مدرن:

در هنگام نوشتن این مقاله، مصاحبه جنجال انگیز خانم HELEN THOMAS خبرنگار منصوب در کاخ سفید پخش شد که در آن، این خانم به یهودیان پیشنهاد میکند که به آلمان و لهستان برگردند و فلسطین را که به فلسطینیان تعلق دارد به آنان پس دهند. این خانم لبنانی تبار، که مسلماً خون سرخ پوستان امریکا در عروقش جریان ندارد، آگاه است که بر اساس این باور، خود او هم باید به لبنان برگردد، همچنین ۹۹٪ از ساکنان امریکا و اکثر ساکنان امریکای مرکزی و جنوبی باید این قاره را ترک کنند و شاید قسمتی از ساکنان کشور های اسلامی هم مجبور شوند به عربستان برگردند. ولی خانم THOMAS (که خوشبختانه از پست خود استعفا داد) و امثال او حاضرند اسرائیل را مقصر تمام فجایع دنیا بنامند تا جزو گروه های ”پیشرفته“ قرار گیرند.

در سال ۱۹۵۶ بعد از جنگ ”سینای“

کاریکاتوری در یک روزنامه سوئیسی چاپ شد که نشان میدهد که حتی در آن موقع که کشور تازه برپا شده اسرائیل مدام با خرابکاری های اعراب روبرو بود به خشونت و پرخاشگری متهم میشد. (داوید بن گویون در مقابل جمال عبدالناصر).



### ترکیه به کجا میرود؟

ترکیه اولین کشور اسلامی بود که با اسرائیل روابط دیپلماتیک برقرار نمود و تا بروی کار آمدن دولت مذهبی کنونی، روابط دو کشور بحدی نزدیک شده بودند که هواپیما های نیروی هوائی اسرائیل برای تمرینات روزانه خود از فضای هوائی ترکیه استفاده میکردند.

اتاترک فقید (۱۹۳۸-۱۸۸۱) بنیان گزار ترکیه مدرن دین را از سیاست جدا نمود، ترکیه را بسرعت مدرن نمود، روز تعطیلی هفتگی را از جمعه به یکشنبه تغیر داد و برای پیش گیری از بازگشت مذهبیون، ارتش را متصدی حفظ استقلال نمود. تا بحال سه یا چهار مرتبه ارتش ترکیه با انجام کودتا وظیفه محول شده به او را انجام داده. ولی متأسفانه در سال ۲۰۰۷ حزب مذهبی AKP در انتخابات پیروز شد و آقای ERDOGAN که یک شخص بسیار مذهبیست بعنوان نخست وزیر منصوب شد. در عرض ۳ سال اخیر او تلاش



میکنند که تمام دستاورد های اتاترک را باطل کند و ترکیه را به آغوش اسلام بازگرداند. در سال اخیر او دشمنی خود را با اسرائیل علنی کرده و روز بروز بیشتر حامی حماس، ایران و فنانیزم میشود.

در سال ۱۹۳۴ اتاترک قرارداد موسوم به "سعدآباد" را با رضا شاه فقید امضا کرد و بنظر میرسد که نخست وزیر فعلی ترکیه هم بسرعت همان راه را طی میکند و به رهبران ایران نزدیک میشود ولی این کجا و آن کجا.

چند ماه پیش در گردهم آئی بین المللی DAVOS آقای اردوغان با فریاد های جنون آمیز به آقای شمعون پرس رئیس جمهور اسرائیل پرخاش نمود و اقدام اخیر او هم برای شکستن محاصره دریائی اسرائیل نمونه دیگری از طرز فکر و رفتار اوست. شاید میبایست از

ایشان پرسید که او چه عکس العملی نشان میداد اگر اسرائیل یک کشتی را برای کمک به کرد های ترکیه روانه سواحل ترکیه مینمود؟ او با دور شدن از اسرائیل و نزدیک شدن به ایران امکان عضویت ترکیه را در کشور های اروپائی بسیار ضعیف نموده و ناتو هم از آن دور میشود.

از دست دادن ترکیه ضربه بزرگی برای اسرائیل محسوب میشود. شادروان داوید بن گوریون با تلاش فراوان این روابط را برپا کرد و رشد این روابط امنیت خاورمیانه را به ثبات آورده بود.

روزنه امید، احزاب مخالف دولت هستند که شاید بتوانند ورق را برگردانند. در حال حاضر دولت اسرائیل روابط خود را با یونان تقویت میکند و اگر ترکیه سیاست خود را

تغییر ندهد امکان آن وجود دارد که اسرائیل پیش از موعد مقرر به پیمان ناتو پذیرفته شود.

اسرائیل و فلسطینیان روابط اسرائیل و فلسطینیان که بر بسیاری از رویداد های منطقه و جهان اثر میگذارند در بحثی جداگانه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

\* مهرداد لویصدق (Moti Levy) فارغ التحصیل رشته اقتصاد و دارای برد CPA از دانشگاه تل اوویو و مدیر شعبه IDB Bank در شهر لوس آنجلس است

## نمایش "ماتیک"

پرنشاطی تئاتر را ترک کند. قدرت علی پورتاش در ایفای نقش های متفاوت، چه کمدی و چه دراماتیک در دنیای تئاتر و سینما در جوامع ایرانی و آمریکائی، در اجرای این نمایش نیز کاملاً واضح است. تماشاگران با بازی شیدا و وثوق در نمایش های بسیار موفق فارسی زبان و فیلم های آمریکایی آشنایی دارند و دیدن او روی صحنه مانند همیشه دلنشین است. بازی بهرام وطن پرست، هنرمند پیش کسوت و کارگردانی فرزانه دلجو موفقیت ماتیک را تضمین می کنند. طی سال آینده نمایش ماتیک در سراسر آمریکا و اروپا روی صحنه خواهد رفت.



را بازی می کند.

برخورد سرشار انرژی و گرمی بازیگران باعث می شود که تماشاگر با احساس خوب و

در ماه نوامبر ۲۰۱۰ نمایش کمدی و پرطرفدار "ماتیک" به کارگردانی فرزانه دلجو و نویسندگی علی پورتاش و فرزانه دلجو پس از گذشت ۱۴ سال دوباره به روی صحنه آمد.

هنرمندان محبوب ایرانی فرزانه دلجو و علی پورتاش تصمیم گرفتند تا دوباره این نمایش سرگرم کننده را که با استقبال فراوان جامعه روبرو بود بازسازی کرده و دوباره به روی صحنه آورند. در تهیه جدید آن هنرمندان بسیار مورد علاقه مردم علی پورتاش، شیدا و وثوق، شهرام شب پره و بهرام وطن پرست با شور و هیجان بسیار نقش های خود را ایفا می کنند. با وجود اینکه شهرام شب پره شهرت خود را به عنوان خواننده در میان مردم کسب کرده، با مهارت بسیار نقش کمدی یک کاراکتر عاشق پیشه

## اطلاعیه

هیأت اجراییه فدراسیون یهودیان ایرانی با کمال افتخار اعلام می دارد در آینده نزدیک در پروژه اعزام جوانان یهودی به کشور اسرائیل به نام **Birthright** جهت بازدید و آشنائی نزدیک آنان با فرهنگ یهود و سایر پیشرفت های حاصله در آن شرکت خواهد کرد.

این پروژه در سال ۱۹۹۹ توسط چند تن آمریکائی خیر تشکیل گردیده و هر ساله عده ای از جوانان یهودی از ۵۰ کشور از سراسر دنیا را به کشور اسرائیل برای یک بازدید ده روزه بدون پرداخت وجه و به صورت رایگان اعزام می نماید.

فدراسیون یهودیان ایرانی مفتخراً قسمتی از بودجه مربوطه را با شرکت و پشتیبانی موثر آقایان یوئل نعمان، جان نعمان و لئون نعمان و سایر افراد خیراندیش جامعه برای اعزام ۴۰ نفر از جوانان یهودی ایرانی تأمین و در اختیار سازمان مربوطه قرار خواهد داد.

جزئیات مربوط به این طرح و نحوه نام نویسی و اعزام جوانان متعاقباً در آینده نزدیک توسط رسانه های گروهی به اطلاع همگان خواهد رسید.  
فدراسیون یهودیان ایرانی بدو از کمک های بدون دریغ آقای یوئل نعمان، عضو برجسته هیأت امناء و برادرانشان جهت به انجام رساندن این پروژه سپاسگزاری می نماید.

### Announcement

The Iranian American Jewish Federation Executive Board is honored to have become a participant in **the Birthright Israel Program.**

The Birthright Program was established in 1999 by two thoughtful philanthropists. This project is designed to make it possible for young Jews from all over the world to go on an educational and entertaining tour of the great land of Israel for ten days, free of charge.

IAJF will be taking part in this project hoping to increase the involvement of our community's youth in their Jewish heritage and culture.

Yoel Neman, an active member of IAJF's Board of Directors, and his brothers John and Leon Neman have initiated the project and are hoping to have other members of the community extend a helping hand in sponsoring of up to 40 Iranian Jewish youth for the upcoming Birthright Israel trip.

Further details about this project, such as registration, application, and selection process will be announced in the near future through the Iranian media.

IAJF would like to extend its sincere gratitude and appreciation to the Neman family for their continued philanthropic endeavors and their unwavering support of the Iranian American Jewish community.

## سیر تکامل نظم فارسی

نظم فارسی را از نظر تاریخی میتوان بدو دوره کلاسیک و نو تقسیم نمود. دوران کلاسیک بطور کلی از قرن دهم تا زمان حال، و دوران شعر نو فارسی بموازات ادامه اشعار کلاسیک، از پس از جنگ جهانی دوم، تا دوران معاصر را دربر میگیرد. شعر کلاسیک با تک بیت ها و دوبیتی های دوران یعقوب لیث صفاری، در اواسط قرن سوم در سیستان آغاز و پس از گذشتن از مسیر پر پیچ و خم آن در دوران معاصر، با اشعار ملک الشعرای بهار، صادق سرمد، رهی معیری از یک سو و شاعره هائی چون پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی همچون جواهری روز بروز نقش و جلایی بیشتر یافته است. اشعار فارسی از نظر انواع مفاهیم و صناعات شعری، دارای اصول و قواعدی است که شاعر نسبت به مراعات برخی از آن مکلف و نسبت به انتخاب گروهی دیگر مجاز است.

آنچه را که شاعر کلاسیک به هنگام ابراز افکار و احساسات از نظر فرم و قالب شعری مکلف به رعایت آن میباشد، عبارتند از رعایت وزن و قافیه در یک نوع قالب شعری. علم عروض دارای قواعد و اصولی است که شاعر را ملزم می سازد در آن قالب شعر بسراید. در حالیکه شاعر نو پرداز در عین رعایت وزن شعری، از نظر فرم و کاربرد واژه ها و همچنین از نظر ابراز مفاهیم نو، خود را مقید و ملزم به اصول گذشته نمی داند.

بمنظور آشنائی با ادبیات کلاسیک و بعضی نمونه های آن در ادبیات فارسیهود، نظری به انواع شعر از نظر علم بدیع و عروض و قافیه می افکنیم. برای مطالعه جزئیات بیشتر در این مورد، می توان به کتاب "فنون بلاغت و صنایع ادبی" تالیف استاد جلال الدین همایی رجوع نمود.

**توصیف نظم و نثر:** نظم در لغت به معنی به هم پیوستن و در رشته کشیدن دانه های جواهر و در اصطلاح ادبی به سخنی گفته می شود که دارای وزن و قافیه باشد. در حالیکه نثر در لغت به معنی پراکندگی و پراکندن و در اصطلاح ادبی سخنی است که مقید به وزن و قافیه نباشد.

**بیت و مصراع:** حداقل شعر یک بیت و یک نیمه

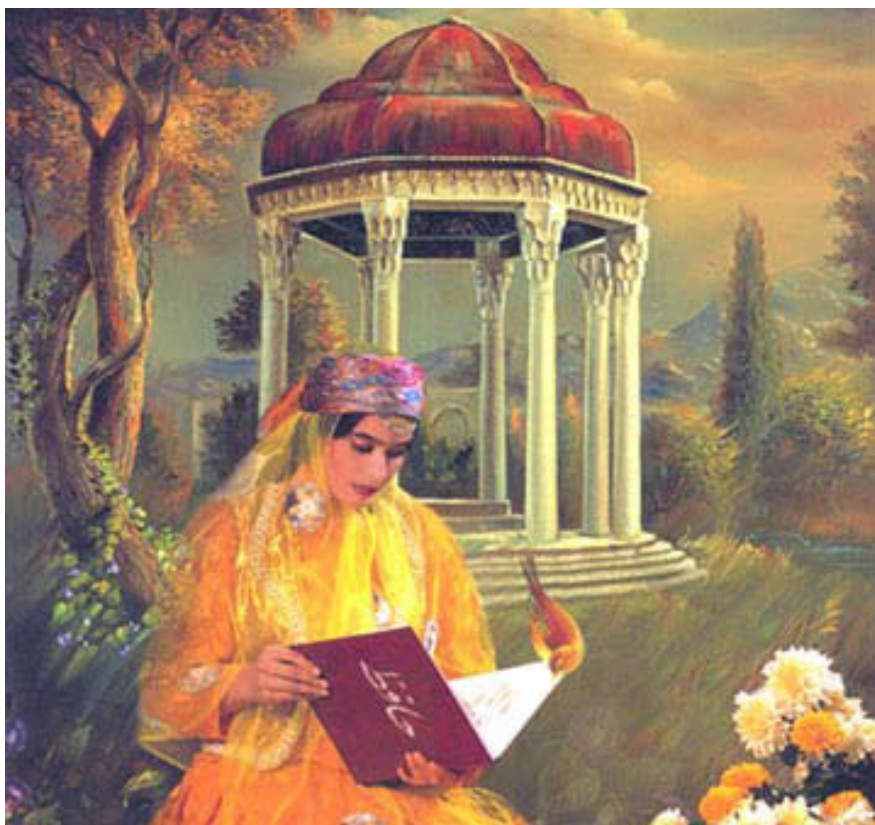
## مقاله دهم:

# سیر تاریخی شکوفایی آثار فارسیهود رشد و تکامل ادبیات فارسی

از: دکتر ناهید پیرنظر

نظم و نثر فارسی تا نیمه دوم قرن بیستم، بجای نقد ادبی، حالت گزارش و تذکره نویسی داشته اند و تنها در چند دهه اخیر است که به نقد ادبی توجه میشود. سیر مراحل مختلف ادبیات کلاسیک و رابطه آن با ادبیات فارسیهود از نظر ادبی، زمانی و اجتماعی قابل بررسی و نگرش است زیرا ادبیات فارسیهود شاخه ای از ادبیات فارسی بوده و باید مطابق با معیارهای ادبی زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور باید نخست نظری به مسیر رشد تکاملی ادبیات فارسی نو، از نظر بلاغت، فرم و مراحل رشد آن بیندازیم.

ادبیات فارسی پس از اسلام را از چند نظر میتوان تقسیم و بررسی نمود. در وهله اول، آن را میتوان از نظر فرم به نظم و نثر و در وهله دوم، از نظر زمانی به دوران کلاسیک و مدرن تقسیم نمود. باید در نظر داشت که مراحل رشد و تکامل ادبیات فارسی اغلب از نظر زمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد تا از نظر جغرافیائی. هر چند که در هر دوره و زمان، دگرگونی های جغرافیائی را هم چه از نظر لهجه، استفاده زبان و لغات و چه از نظر اوضاع اجتماعی و اقتصادی هر مکان، می توان مورد مطالعه قرار داد. اکثر تحقیقات ادبی





از آن را مصراع یا مصراع می نامند. قافیه و ردیف: قافیه کلمات آخر بیت است که حروف اصلی آنها یکی باشد و اگر قافیه در هر دو مصراع یک بیت تکرار شود، آن بیت را مصراع یعنی مقفی می نامند مانند ابیات ذیل:

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی بدرد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی غمی  
نشاید که نامت نهند آدمی

در حالیکه ردیف، کلمه ای است که عیناً در آخر هر بیت تکرار می شود. بیا ای که عمرت به هفتاد رفت مگر خفته بودی که بر باد رفت در این بیت کلمات هفتاد و باد هم قافیه و تکرار کلمه رفت در هر دو نیم بیت ردیف خوانده می شود. مَطَّلَع و مَقْطَع: بیت اول غزل و قصیده را در اصطلاح شعری مَطَّلَع و بیت آخر را مَقْطَع می نامند.



فارسی در کنار هم قرار گرفته اند . مثال از حافظ:

الایا ایها الساقی ادرکاساً و ناولها  
که عشق آسان نمود اول ولی  
افتاد مشکلها

حضوری گر همی خواهی از و  
غایب مشو حافظ  
متی مائلق من تهوی دغ الدنيا واهملها

تضمین: آنست که شاعر یک بیت و دو بیت یا یک مصراع را از شخص دیگری در شعر خود بیاورد. اگر آن شعر از شاعر معروفی باشد حاجت به بردن نام او نیست اما در غیر آن صورت باید به نام گوینده اشاره کرد. مانند سعدی که شعر معروف فردوسی را تضمین می کند:

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد  
که رحمت بر آن تربت پاک باد  
"میازار موری که دانه کش است  
که جان دارد و جان شیرین خوش  
است"

نوشتن یکی ولی در معنی مختلف باشند، بکار بریم، مانند مصراع کلمه "شیر" با سه معنی "حیوان جنگلی"، "مایع نوشیدنی" و "وسیله کنترل لوله آب".

۲) جناس ناقص: آن است که الفاظ در حروف یکی و در حرکات مختلف باشند، مانند مصراع کلمات "قمری و قمری".

۳) جناس خطی: آن است که کلمات در نوشتن شبیه، ولی در تلفظ و نقطه گذاری متفاوت باشند، مانند بکار بردن کلمات "بیمار و تیمار"، "پیر و تیر" و "شور و سوز".

۴) جناس لفظی: آن است که کلمات در تلفظ یکی، ولی در نوشتن متفاوت باشند، مانند: "خوار و خار"، "خاست و خواست".

۵) جناس زاید: آن است که یکی از هر دو کلمه مشابه، حرفی را از کلمه دیگر بیشتر دارد، مانند: نرد و نبرد، دام و مدام.

ملمع: شعری است که برای سرودن آن از هر دوزبان فارسی و عربی بطور مساوی استفاده شده است. یعنی نیم بیت عربی و نیم بیت

تشبیب، نسیب و تغزل: تشبیب که به آن نسیب و تغزل هم می گویند، قسمت مقدمه اول قصیده است که معمولاً نمودار تخیل شاعرانه شاعر است و و پس از آن شاعر به اصل مقصود شعر خود می پردازد.

آن قسمت از قصیده را که شعر از تشبیب به مقصود انتقال پیدا می کند، حسن تخلص و حسن خروج می نامند.

تخلص: کلمه تخلص در اصطلاح شعرا دارای دو معنی متفاوت است: ۱) نام مستعار شاعر، مانند سعدی، حافظ، و جامی، ۲) تخلص در قصیده، که همان گریز زدن از مقدمه به اصل موضوع قصیده است.

جناس یا تجنیس: عبارت است از آوردن کلمات هم جنس در سخن باین صورت که کلماتی که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف می باشند با هم بکار برده شوند.

جناس نه قسم است که پنج نوع معمول آن عبارتند از:

۱) جناس تام: آنست که الفاظی را که در گفتن و

مراعات نظیر یا تناسب: آنست که در سخن کلماتی را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند. این تناسب میتواند از جهت جنس، مانند "گل و لاله"، "آفتاب و ماه و ستاره" و یا از جهت ملازمت و همراهی باشد، مانند "شمع و پروانه"، "لیلی و مجنون" و "چشم و نرگس".

مطابقه یا تضاد: آنست که در سخن کلماتی را بیاورند که مقابل و متضاد یکدیگر باشند، مانند "شب و روز"، "زشت و زیبا" و "غم و شادی".

تشبیه: آنست که امر یا چیزی را در صفت بخصوصی، به چیز دیگری مانند نمایم. در این صورت، امر اول مُشَبَّه، امر دوم مُشَبَّه به، صفت مشترک بین آن دو وجه شبیه و کلمه ای که دلالت بر معنی تشبیه داشته باشد آدات تشبیه خوانده میشوند. در مثال "چهره او مانند آفتاب می درخشد"، چهار رکن اصلی

پایداری باشد. مانند: "خسرو را بر تو دستی نیست". باین معنی که پادشاه بر تو قدرتی ندارد و یا "او در دوستی تو پای ندارد"، بمعنی این باشد که او در دوستی ثبات ندارد.

ادامه دارد....

جلال الدین همایی، "فنون بلاغت و صناعت ادبی"، چاپ بیست و هفتم، وزارت فرهنگ . ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۶ .

آمد و دیو بیرون رفت"، مُشَبَّه که "آدمی با سیرت خوش" و "آدم دیگری با سیرت بد" است ذکر نشده است.

۲) استعاره به کنایه: آنست که گوینده در ذهن خود چیزی را به چیز دیگری با کنایه تشبیه کند، و بدون ذکر آن کنایه، مُشَبَّه به را در جمله ذکر کنند، مانند:

"دست روزگار" که در آن "روزگار" با کنایه به انسانی تشبیه شده است و ما راجع به دست آن "روزگار انسان مانند" سخن میگوییم.

۳) استعاره مجازی: هنگامی است که لفظ در غیر معنی اصلی خود بکار رود چنانکه "دست" را بگویند ولی مقصود از آن قدرت باشد و یا "پای" را بگویند و مقصود از آن مقاومت و

تشبیه عبارتند از:

۱) چهره: مُشَبَّه، ۲) آفتاب: مُشَبَّه به، ۳) درخشیدن: وجه شَبَّه، ۴) مانند: ادات تشبیه خوانده میشوند.

استعاره: در علم بدیع عبارت است از اینکه در تشبیه یکی از دو طرف تشبیه را ذکر کنیم ولی مقصودمان طرف دیگر تشبیه باشد و آن بر دو نوع است.

۱) استعاره حقیقی: آنست که مُشَبَّه به ذکر شود ولی مقصود مُشَبَّه باشد. مثال: "ماه وارد شد" در این مثال ماه، مُشَبَّه به است و مُشَبَّه یعنی شخصی که صورتش مانند ماه است، ذکر نشده است. و یا در مثال دو جمله: "فرشته

Eden Memorial Park

ایدن مموریال پارک

818-326-4040



### همکیشان عزیز

در حدود سه هزار سال پیش اوراهام آوینو در زمان حیات برای خود و فرزندان زمین آرامگاه خریداری کرد، چون می دانست که در مواقع غیرمنتظره و توام با غم و اندوه، بازماندگان با فرصت کوتاهی که دارند نباید با شتاب و عجله تصمیم های مشکل بگیرند و این بار مسئولیت را عهده دار شوند. ما باید از اوراهام آوینو سرمشق بگیریم و برای آرامش خاطر بازماندگان خود از هم اکنون چاره اندیشی کنیم و با صبر و حوصله و با انتخاب خود و قیمت ارزانتر و شرایط اقساط خیلی آسان این زمین ها را قبلا خریداری کنیم.

برنامه ریزی قبلی اینگونه مسائل نشانه عشق و علاقه ما به عزیزان ما است. برای اطلاعات بیشتر با آقای شان صداقتی مشاور فارسی زبان و صدیق و آگاه در ایدن مموریال پارک تماس بگیرید.

شان صداقتی

۸۱۸ - ۳۲۶ - ۴۰۴۰

شوفار

نشریه فرانسوی هموطنان ایران

شماره ۱۶۶

۳۴



## امنیت و آرامش دو عامل اصلی در زندگی انسانهاست

این دو عامل مهم طی بیست و چهار سال گذشته بعنوان ارکان اصلی کانون سالمندان یهودی ایرانی همواره مد نظر بوده است.

مدیریت با تجربه کانون سالمندان با همکاری کادری متخصص با روش های موثر، می کوشند تا والدین محترم شما سالم و فعال سالیان سال خودکفا و مستقل زندگی کنند. نیکوکارانی که به رایگان وقت خود را وقف خدمت به این کانون کرده اند، با عشق و علاقه و پشتکاری باور نکردنی این مرکز را به زیباترین وجه ممکن چنان بازسازی کرده اند که از نظر کیفیت در سطح هتل های پنج ستاره میباشد.

بخشی از خدماتی که در کانون سالمندان ارائه میشود به شرح زیر است:

- نظارت و مراقبت ویژه بیست و چهار ساعته
- تدارک و شستشوی البسه و ملافه ها
- کمک به حمام کردن سالمندان که توان این کار را بجنهائی ندارند
- آرایش گیسوان و مانیکور
- ویزیت پزشکان متخصص
- سرگرمی های متفاوت و ورزشهای روزانه
- سه وعده غذای کاشر ایرانی با رعایت کامل موازین بهداشتی طبق رژیم پیشنهادی پزشکان
- توزیع دارو طبق تجویز پزشک



# اسرائیل - فلسطین

## مدیریت بحران یا ادامه روند صلح

نوشته ایرج فرنوش

جهانی خواسته راهی برای گره‌گشایی از این آفت صلح بیابد، این دو گروه سنگی بر سر راه انداخته و باعث شکست مذاکرات شده‌اند. به نظر می‌رسد که این دو گروه در یک مورد با هم توافق نظر دارند و آن ممانعت از توافق بین اسرائیلیان و فلسطینیان می‌باشد. پس چاره چیست؟

برای چاره‌جویی این معضل دو نظریه از دیدگاه دو گروه مختلف در اسرائیل ابراز شده: بنا بر نظریه گروه اول: بحث در مورد توافق های صلح و راه حل های مربوط به این مسئله تنها اتلاف وقت است. این درگیری نیست که در این زمان قابل حل باشد. چرا که- برای مشکلات آوارگان فلسطینی، مهاجران جدید یهودی که در سرزمین های اشغالی مقیم شده‌اند و اورشلیم راه حلی پیدا نشده است.

به نظر این گروه، امروز نسل دوم و سومی از اسرائیلیها و فلسطینیان وجود دارند که سرکوبی و تروریسم به صورت عاملی از هویت اسرائیلی و فلسطینی آن‌ها درآمده است. لذا این توقع که آنان با هم بنشینند و ناگهان صلح کنند تنها روی کاغذ امکان دارد. به باور این گروه، رویای استرداد زمین در مقابل صلح از بین رفته و هنوز علیرغم مذاکراتی که در سه دهه گذشته صورت گرفته، نه تنها هنوز هیچ راه حلی پیدا نشده بلکه بحران روز به روز مشکل تر شده است. چرا که در اینجا دو گروه از مردم هستند که خود را ساکن اصلی این سرزمین می‌دانند و احساسات زیادی در میان می‌باشد. بنابراین قضیه اصلی مسئله هویت ملی می‌باشد. لذا حل این مسئله بسیار دشوار است. برای یهودیان اورشلیم مسئله احساسات و مذهب است. از سوئی متقاعد کردن ۵۰۰ هزار نفر مقیم آبادی های یهودی نشین در نواحی اشغالی که سرزمین ها را تخلیه کنند اگر بسیار مشکل نباشد غیرقابل تصور است.

اشغالی باید تخلیه گردد و نگهداری این مناطق به هیچ وجه به نفع اسرائیل نیست.

در آن زمان گروهی از سیاستمداران اسرائیل پیشنهاد زمین در ازای صلح را جدی گرفته و آن را مطرح کردند، متأسفانه این پیشنهاد مورد موافقت اعراب واقع نشد و در عوض عملیات تروریستی را بر علیه اسرائیل آغاز کردند زیرا که هدف آنان در آن زمان شکست اسرائیل و ریختن یهودیان به دریا بود. و از آن پس اسرائیل با تروریسم مستمر روبرو بوده است.

### انورالسادات رهبر فقید مصر وقتی

که متوجه شد که با عملیات نظامی و تروریستی نمی‌توان موجودیت کشور اسرائیل را به مخاطره افکند، و از طرفی عملیات تروریستی بر علیه اسرائیل نه تنها برای فلسطینی ها فایده ای ندارد بلکه برعکس سبب افزایش الام آنان می‌شود در سال ۱۹۷۹ قرارداد صلحی را با اسرائیل امضاء کرد و در طی آن اسرائیل شبه جزیره سینا را به مصر پس داد.

خوشبختانه تاکنون نیم چه صلحی که بین مصر و اسرائیل بسته شده هنوز پابرجا است. ولی با وجودیکه از اواسط دهه ۸۰ روند صلح بین اسرائیلیان و فلسطینیان ادامه داشته و به رغم استرداد بخش هایی از کرانه رود اردن و تخلیه کامل نوار غزه هنوز قراردادی در مورد وضعیت نهایی به امضاء نرسیده و روند صلح بین دو طرف هیچ کارائی نداشته و اتلاف وقت بوده است.

بسیاری، گروه های افراط گرا را سبب عدم پیشرفت در روند صلح می‌دانند، زیرا که چه در میان فلسطینیان و چه در میان اسرائیلیان گروه‌هایی هستند که نمی‌خواهند توافقی صورت گیرد و صلحی برقرار شود و هر زمان که فرصتی دست داده و جامعه

من از دور زمان با آن دسته از اسرائیلیانی که پیشنهاد استرداد زمین در قبال صلح می‌کردند موافق بوده‌ام زیرا بر این باور هستم که ضمیمه کردن اراضی که در نتیجه جنگ شش روزه به تصرف اسرائیل درآمده بود موقعیت اسرائیل را به عنوان یک کشور یهودی دمکرات به خطر خواهد انداخت. از سوی دیگر اسرائیل را به عنوان یک کشور اشغال گر غاصب در انظار جهانی جلوه گر می‌سازد. من این جمله یاسر عرفات که ” رحم زنان فلسطینی بهترین سلاح آنان در مقابل اسرائیلیان می‌باشد“ کاملاً واقع بینانه می‌بینم. این شاید تنها سخن راستی است که از دهان یاسر عرفات درآمده باشد. با یک نگاه اجمالی به افزایش نفوس فلسطینیان به خوبی می‌توان منظور عرفات را درک کرد. بنابر محاسبه دمگراف ها (آمارگران نفوس) اگر روند رشد جمعیت فلسطینیان به صورت کنونی ادامه یابد، تعداد آنان در طول هر ۱۵ تا ۱۷ سال دو برابر خواهد شد در این صورت در دو سه دهه آینده جمعیت فلسطینیان از جمعیت یهودیان بیشتر خواهد شد و با در نظر گرفتن رشد پائین اسرائیلیان، یهودیان در اقلیت قرار خواهند گرفت و همانطور که ذکر شد ماهیت اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی به مخاطره خواهد افتاد.

در این راستا طبق مدارک رسمی و سری که از جلسات هیئت دولت اسرائیل بعد از جنگ شش روزه تشکیل گردیده بود و در خلال یکی دو سال گذشته به مطبوعات نشر کرده چنین برمی آید که: سازمان اطلاعاتی اسرائیل، رئیس موساد، رئیس سازمان اطلاعات ارتش و سران وزارت خارجه، همگی به این نتیجه رسیده بودند که برای جلوگیری از به مخاطره انداختن اکثریت یهودی و به خطر افکندن ماهیت اسرائیل به عنوان یک کشور دمکراتیک، کلیه مناطق

از سوی دیگر گروهی به نام حماس بر فلسطینی ها حکومت می کنند که نه تنها با روند صلح مخالف هستند بلکه خواهان نابودی اسرائیل می باشند. بدیهی است با چنین شرایطی چشم انداز یک صلح واقعی واقع بینانه نخواهد بود و این یک درگیری نیست که در این زمان قابل حل باشد. به طور کلی هنوز راه حلی که بتواند مورد توافق طرفین واقع شود وجود ندارد و شاید هم هرگز پیدا نشود.

لذا چه باید کرد؟ - به نظر این گروه، اسرائیل می باید با بحران فعلی سازش کند و روش منطقی بحران را مدیریت کند زیرا وضعیت چنان بد است که هر گامی که بتواند اندک تأثیری مفید داشته باشد دستاوردی بزرگ محسوب می شود.

نظریه گروه دوم، اجرای قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل که محتوایش سرزمین در مقابل صلح می باشد. بر اساس این قطعنامه اسرائیل می باید سرزمین هایی که در جنگ شش روزه به تصرف درآورده تخلیه کند و از اعراب بخواهد که موجودیت کشور اسرائیل

را به رسمیت بشناسند: بر باور این گروه باوجودیکه در خلال ۴۰ سال گذشته فعالیت های بی حاصل در روند صلح صورت گرفته، معذالک اسرائیل باید همچنان به کوشش های خود برای زنده نگهداشتن روند صلح ادامه دهد.

این گروه می گویند که کشمکش اسرائیل و فلسطین دیگر یک مسئله داخلی به شمار نمی رود و حتی مسئله منطقه ای هم نمی باشد، بلکه مسئله فرامنطقه ای است که ابعاد آن از شرق تا غرب گسترده شده و امنیت جهانیان را دستخوش تهدید قرار می دهد و آمریکا، اروپا، روسیه و تمام کشورهای اسلامی درگیر این مسئله شده اند. به نظر این گروه حل معضل اسرائیل و فلسطین نیازمند مساعی جهانی است و باروند فعلی نمی توان انتظار بهبود اوضاع را داشت.

باید جامعه ای جهانی از سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و با مشارکت اتحادیه عرب و سایر کشورهای قدرتمند منطقه تشکیل شود که بتواند در خصوص معضل جاری بین اسرائیل و فلسطینیان و بین

اسرائیل و سوریه و لبنان کمک موثر بکند. جامعه جهانی در درجه اول باید وحدت بین فلسطینیان بوجود آورد، و افراط گرایان را که از وضعیت بحرانی کنونی بهره می برند به حاشیه براند. سپس گفتگو بین رهبران اسرائیلی و فلسطینی در همه زمینه ها از جمله تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی از سر گرفته شود و امنیت اسرائیل هم تضمین گردد.

اسرائیل باید قبول کند که زمانی می رسد که یک ملت باید در گزینش راه و تضمین آینده خود تامل بیشتری به خرج دهد و تن به تصمیمات دشوار بسپارد. برای اسرائیل راه امنی جز ادامه مذاکرات و رسیدن به یک توافق نهایی با فلسطینیان وجود ندارد.

\* ایرج فرنوش فوق لیسانس در رشته مهندسی صنایع و سیستم از دانشگاه کالیفرنیا، در سازمان هوایی آمریکا (FAA) به عنوان مدیر پروژه به کار اشتغال دارد.

## تب عشق

از: ثریا پاستور "نصرتی فر"

شوم عاشق، نشینم در ره عشق

بپوشانم جهان را، از تب عشق

شوم غنچه، نشینم بر لب یار

بپاشم عطر عشق، بر هر چه دلدار

شوم آتش، نشینم بر تن سرد

بپوشانم وجود هر چه دلسرد

شوم گلدان، پر از گلخانه گرم

بپوشانم ز گل، دنیا و هر دم

شوم قطره، نشینم بر دل آب

بشورانم جهان، از هر چه بی تاب

شوم نغمه، نشینم بر لب ساز

بسوزانم جهان با عشوه و ناز

شوم چشمه، بجوشم همچو عاشق

بپاشم آب، بر دل های فارغ

شوم عاشق، نشینم در ره عشق

بپوشانم جهان را، از تب عشق





از چپ به راست:  
آقای جیکوب دیان ، دکتر گالیت دیان ،  
آقای ایزک ایال ، خانم ادنا نفتالی

لئومی در رسیدن به این هدف داشت اشاره کردند.

سخنران بعدی خانم ادنا نفتالی مدیر ارشد بانک لئومی کالیفرنیا بودند که در ضمن خوش آمد گوئی به مهمانان از رهبری آقای رزن در شرایط دشوار اقتصادی دو سه سال اخیر تشکر کردند. ایشان همچنین از پشتیبانی و حمایت مشتریان بانک لئومی در کالیفرنیا تشکر کردند و اشاره ای داشتند که عملکرد مثبت بانک بدون همکاری و مساعدت آنان در فضای موجود اقتصادی میسر نبود. خانم نفتالی سخنان خود را با آرزوی موفقیت

جمع کثیری از بازرگانان و صاحبان مشاغل در کالیفرنیا شرکت داشتند.

آقای جیکوب دیان از تاریخچه پیدایش بانک لئومی در حدود ۱۱۰ سال پیش که به پیروی از اهداف و دیدگاه های تئودور هرتصل برای تشکیل موسسه ای که بتواند احتیاجات مالی دولت نوپنید اسرائیل را برآورده نماید صحبت نمود. هرتصل بر این اعتقاد بود که دولت اسرائیل نه از راه اعانه بلکه بر پایه استحکام مالی باید استقرار و ثبات خود را حفظ نماید و ادامه حیات دهد. ایشان همچنین به قدرت مالی و نقشی که بانک

در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۰ بانک لئومی Bank Leumi USA در کالیفرنیا میزبان ضیافتی بود که به افتخار پرزیدنت قبلی بانک آقای اوزی رزن Uzi Rosen و خوش آمدگوئی به جانشین ایشان آقای ایزاک ایال Itzhak Eyal برپا شد.

در این گردهم آئی که در هتل بورلی هیلز برگزار گردید، بیش از ۴۰۰ نفر مهمان از شخصیت های برجسته جامعه منجمله جناب آقای راو داوید شوفط رهبر مذهبی یهودیان ایرانی آمریکائی، جناب آقای جیکوب دیان Jacob Dayan کنسول اسرائیل در منطقه جنوب غربی آمریکا و



# Bank Leumi USA



1

برای پرزیدنت جدید آقای ایزک ایال پایان دادند.

در خاتمه مهمانان با خاطره ای خوش از شرکت و آشنائی با آقای ایزک ایال CEO بانک لئومی مهمانی را ترک کردند و خاطر نشان کردند که منتظر دیدارهای بعدی ایشان از کالیفرنیا در آینده خواهند بود.

بانک لئومی آمریکا با ۱۱ شعبه در نیویورک، کالیفرنیا، ایلینوی و فلوریدا یکی از شاخه های موفق بانک لئومی در سراسر دنیا می باشد و در زمینه حساب ها و وام های تجارتي و اسناد اعتباری حضور گسترده ای دارد.



2



۱- آقای ایزک ایال  
۲- خانم ادنا نفتالی  
۳- از چپ به راست: راو داوید شوفت - آقای ایزک ایال - آقای اوزی روزن - خانم ادنا نفتالی  
۴- خانم ادنا نفتالی و ایرا پینسکر



3

4

داد. ولی همینکه گابینوس از کشور یهود دور شد، تقسیماتی که وی درست کرده بود از بین رفت و انجمن کبیر اهمیت خود را باز گرفت و ظاهراً از این تاریخ بنام سنهدرین موسوم شد. ولی همانطور که گفته شد قدرت سیاسی کاملاً به دست روم بود.

پس از شیمعون بن شاطح، دونفر از برجسته ترین شاگردانش، شمعیا و ابطالیون به ریاست سنهدرین انتخاب شدند. این دونفر، چون مشاهده کردند که سنهدرین قدرت سیاسی خود را از دست داده است، هم خود را متوجه امور داخلی کرده، عده ای از شاگردان ذیعلاقه را بدور خود گرد آوردند، و تورات را با کمال دقت، از لحاظ اصول عقاید و طرز عمل کردن آن، به آنها تعلیم دادند. در اثر توجه فوق العاده خود به قوانین و سنن یهود، مورد اعتماد مطلق مردم قرار گرفتند و هر فتوائی که به آنها نسبت داده می شد، بدون تردید و چون و چرا پذیرفته بود. با شمعیا و ابطالیون دوره جدیدی برای فریسیان آغاز می شود و از این پس بیشتر آنها متوجه تعبیر و تفسیر تورات می شوند.

پس از مرگ پمپه، یهودیان طرفدار سزار (قیصر) شدند و هورکانوس، یا در حقیقت مشاورش آنتی پاتر، با خدماتی که بدولت روم نمود توجه قیصر را بخود جلب کرد و در نتیجه مقام کهنات برای هورکانوس تثبیت شد و آنتی پاتر حکومت کشور را در دست گرفت و بلافاصله ترمیم خرابی های پمپه و استحکام دژهای ویران را آغاز کرد.

آنتی پاتر که از ضعف اراده هورکانوس خبر داشت پسر بزرگ خود فزائل را به حکومت اورشلیم و هرود پسر کوچک خود را به حکومت گالیل منصوب نمود.

پس از فوت قیصر، که حامی بزرگ هورکانوس و یهود بود، حکومت سوریه به دست کاسیوس والی روم سپرده شد و او مالیات گزافی از کشور یهود مطالبه کرد و ساکنان پاره ای از نقاط را که قادر به پرداخت مالیات معین نبودند، ببردگی فروخت. آنتی پاتر هم که بهیچوجه حاضر نبود مقام خود

## کتاب تاریخ یهود

از: پرویز رهبر

**خاندان هرودوس یا هرود و حکام رومی**  
آنتی پاتر - هورکانوس کهنات را در دست داشت، لیکن آلت دست آنتی پاتر ادومی دست نشانده دولت روم بود. جبن و بی ارادگی هورکانوس بیش از جاه طلبی برادرش آریستوبول باعث خسارت و تلفات یهود شد. آلساندر پسر آریستوبول هنگامی که به روم برده می شد در راه بگریخت و قشونی آماده کرده به پیشرفت هایی نیز نائل آمد، ولی بالاخره از قشون منظم روم شکست خورد و مجبور به فرار شد. آریستوبول نیز کمی بعد، از روم بگریخت و علم طغیان و مخالفت با برادر و دولت روم برافراشت لیکن او هم در جنگ مختصری زخمی و دستگیر و به روم عودت داده شد.

این پیش آمدها و مخالفت هائی که متوالیاً از طرف یهود نسبت به حکام و دست نشانده های روم ابراز میشد، گابینوس حاکم رومی سوریه را بر آن داشت که وحدت ملی یهود را از هم متلاشی کند. در این موقع، انجمن کبیر اگرچه قدرت سیاسی خود را از دست داده بود، ولی هنوز روح وحدت یهود محسوب می شد. گابینوس برای ناتوان کردن یهود فرمانی صادر کرد که از آن پس کشور یهود نمی بایست وحدت اداری و قضائی داشته باشد (۵۷ ق.م). بنابراین کشور را به پنج حوزه تقسیم کرد بطوریکه هر یک شورای مخصوصی برای اداره امور داخلی خود داشته باشد. شورای جدید را سنهدرین نام نهاده و در رأس آن از هواخواهان روم قرار

در سال ۱۹۴۶ پرویز رهبر، فیزیکیان، و محقق، استاد دانشگاه و یکی از نویسندگان کتاب های فیزیک و شیمی برای تدریس در دبیرستان های ایران، کتاب "تاریخ یهود" را نوشته و منتشر کرد. پرویز رهبر با تسلط کاملی که به زبان های فرانسه، انگلیسی، عبری و فارسی داشت جدا از کار های پژوهشی در رشته فیزیک و شیمی و دست یافتن به افتخارات بزرگی در این زمینه، به ترجمه نوشته های بسیاری از نویسندگان غربی به زبان فارسی نیز پرداخت. نام و کار او برای بسیاری از ایرانیان آشنا است.

کتاب "تاریخ یهود" به گفته دست اندرکاران یکی از جامع ترین و بهترین نوشته ها در رابطه با تاریخ یهود و یهودیان ایرانی است که به طور خلاصه گذشته یهودیان دنیا را بررسی کرده است. کتاب دیگر نوشته او به نام "دریفوس و امیل زولا" نیز در زمان چاپ با استقبال فراوان روبرو شد.

مجله "شوفار" با اجازه از فرزندان آن شادروان کتاب "تاریخ یهود" را در قسمت های مختلف این نشریه چاپ خواهد کرد. به امید این که دانش گذشته در تصمیم گیری صحیحی برای آینده، مارا رهنمون شود.

با سپاس از شادروان پرویز رهبر و فرزندان او.

"شوفار"

را از دست دهد، برای استرضای خاطر حاکم رومی سوریه و دولت روم مردم را تحت فشار گذاشت و یکی از نجبای صاحب نفوذ یهود به نام مالیکوس را مجبور به گردآوری مالیات کرد.

مالیکوس مصمم شد که آنتی پاتر را به قتل رسانیده دست خارجیان را از کشور کوتاه کند. بنابراین فرصتی به دست آورد و او را مسموم کرد. مدتی بعد هرود به وی دست یافت و به قتلش رسانید.

سلطنت هرود - چون آنتی پاتر به قتل رسید، هرود از طرف مجلس سنای روم حاکم کشور یهود نامیده شد (۴۰ ق.م) هرود از همان سن ۱۵ سالگی که به حکومت گالیل منصوب شده بود طبع خونخوار و جسور خود را نشان داد و از همان وقت او را "برده ادومی" می خواندند. آنتیگون یکی دیگر از پسران آریستوبول که در روم زندانی بود، از آنجا گریخت و عده ای از هواخواهان خود را گرد آورد و به گالیل حمله برد ولی از هرود شکست خورد و عقب نشست.

در همین مواقع دولت روم دول آسیای غربی را مغلوب کرده و سرحدات خود را تا بین النهرین توسعه داده بود. یک رقیب در برابر کشور پهناور روم مقاومت می کرد و آن هم دولت اشگانی در ایران بود. از این پس کشور یهود میان دو نیروی عظیم روم و اشگانی قرار گرفت و مورد تاخت و تاز دو طرف واقع می شد.

قشون اشگانی بفرماندهی پاکوروس، ارمنستان و آسیای صغیر و سوریه را به تصرف درآورده و به کشور یهود نزدیک شده بود. آنتیگون از فرصت استفاده کرده، به کمک پارت ها به اورشلیم حمله نمود آن را به تصرف درآورد. در این جنگ فزائل برادر هرود به قتل رسید و هرود با زنان خانواده خود به قلعه ماسادا گریخت و از آنجا به روم رفت. دولت روم از وی استقبال کرد و او را با نیروی عظیمی روانه اورشلیم نمود.

هرود در اندک زمانی به مساعدت قشون روم اورشلیم را به تصرف درآورد

(۳۷ ق.م) و آنتیگون را دستگیر کرده به روم فرستاد و آنجا او را به درخواست هرود به فجیع ترین وضعی به قتل رسانیدند. با اینحال اکثریت مردم طرفدار آنتیگون بودند و از هر سو صدای مخالفت با حکومت هرود بلند بود. بنابراین هرود ۴۵ نفر از بزرگان قوم را بگرفت و همه را به قتل رسانید و اموالشان را تصاحب نمود. و چون در هنگام محاصره اورشلیم اعضای سندهرین مردم را به پایداری در برابر هرود تشویق کرده بودند، هرود همه را دستگیر کرد و بغیر از دونفر از آنها، شمعی و ابطالیون، همه را هلاک کرد. اما شقاوت و سخت دلی وی به آنجا خاتمه نیافت.

مقام کهانت به دست یکی از بازماندگان جوان حشمونائی، برادر زن هرود، سپرده شده بود. در روز عید سوکوت (خیمه ها) که جوان حشمونائی با البسه فاخر کهانت در معبد حضور یافت، احساسات مردم نسبت به وی طوری بود که هرود دچار ترس شده مقام خویش را متزلزل دید. با اینحال بغض خود را مخفی کرد و با مردم در توصیف کاهن جوان هم صدا شد. اما وجود او را برای خود خطر حتمی می دانست، زیرا هنوز مردم رشادت مکابی ها را از یاد نبرده بودند. بنابراین روزی او را در ضیافت بزرگی در یریحو دعوت کرد و پس از صرف نهار، دوستان هرود، کاهن جوان را در ضمن غسل به عنوان مزاح در آب فرو برده او را غرق کردند. هرود خود نیز تظاهر به غم و اندوه فراوان نمود، لیکن هیچ کس فریب اشک های دروغین او را نخورد.

شلومیت خواهر هرود، برادر خود را برانگیخت تا یک یک بازماندگان خاندان حشمونائی را از بین برد و کشور را از مردان دلیر پاک و آن را به پرتگاه موحشی نزدیک نمود.

آلکساندرا که یکی از فرزندان او بود هرود سربریده بود، چون از مرگ فرزندش تسلی نمی یافت بفرار انتحار افتاد، ولی امید انتقام او را زنده نگاهداشت و در صدد توطئه بر ضد هرود برآمد. بنابراین با کلئوپاتر ملکه زیبای مصر و معشوقه آنتوان امپراطور روم،

پنهانی بر ضد هرود مکاتباتی کرد. آلکساندرا می خواست از روی کار آمدن آنتوان استفاده کرده بوسیله او هر دو را از کار برکنار کند. کلئوپاتر هم، که خود را از مدتی پیش چشم طمع بکشور یهود داشت، با آلکساندرا روی موافق نشان داد. آلکساندرا در نظر داشت با پسرش به مصر برود ولی نقشه اش فاش شد و به مقصود نرسید.

مریم دختر آلکساندرا که زنی بسیار زیبا و پاکدامن بود مورد عشق و علاقه هرود قرار گرفته و بزوجیت او درآمده بود و آلکساندرا می خواست بوسیله او از هرود انتقام بکشد.

هرود چون از علاقه آنتوان به کلئوپاتر آگاه بود، مقام خویش را متزلزل دید و چاره ای جز آن ندید که شخصاً نزد آنتوان رفته و با تقدیم قویترین دلایل خود، که عبارت از هدیه ای گرانبها بود، دوستی وی را به خود جلب نماید. بنابراین به امر آنتوان اطاعت کرده نزد او رفت و حکومت اورشلیم و توجه مریم زیبای خود را به دست عموی خود یوسف سپرد و به او دستور داد در صورتیکه از مسافرت خود سلامت برنگردد، مریم را هم به قتل برسانند زیرا به قدری او را دوست می داشت که حاضر نبود پس از مرگ هم مریم به دست دیگری بیفتد. در مدت غیبت هرود یوسف ماموریت خود را به مریم افشا کرد و آلکساندرا دختر خود را به انتقام واداشت. اتفاقاً خبری به دروغ انتشار یافت که هرود به دست آنتوان کشته شده است بنابراین آلکساندرا در صدد بدست آوردن حکومت افتاد ولی موفق نشد. از طرف دیگر برخلاف انتظار، آنتوان هرود را با احترام پذیرفت و او را پهلوی خود نشانید و قسمتی هم برکشورش ضمیمه کرد.

چون هرود موفق و شادکام بکشور خویش بازگشت، خواهرش شلومیت که نسبت به جاه و مقام و شخصیت مریم حسادت می ورزید هرود را نسبت به وی ظنین و او را متهم کرد به اینکه با یوسف حاکم اورشلیم روابط نامشروعی داشته است. لیکن عشق هرود به مریم بالاتر از آن بود که توجهی به گفته خواهر بنماید. ولی خود مریم که از هرود



متنفر شده بود پرسید اگر حقیقتاً او را دوست دارد چرا امر به قتل او داده است. هرود از شنیدن این امر بسیار در خشم شد و افشا آن راز را لطمه ای به شرافت خود دید و خواست همانجا معشوقه زیبای خود را بقتل رساند، ولی باز به غضب خود غالب آمد و صرف نظر کرد. در عوض یوسف را به قتل رسانید و آلکساندر را هم به زندان انداخت.

کمی بعد آنتوان از اکتاویوس کنسول دیگر روم شکست خورد و چون هرود در جنگ های روم با عربستان آنتوان را یاری کرده بود، باز مقام خود را متزلزل یافت، بخصوص که هورکانوس پیر هنوز از خاندان حشمونائی باقی مانده بود. بنابراین در صدد از بین بردن او برآمد و به بهانه اینکه او با دشمنان خارجی رابطه داشته است، او را به وضع رقت باری به قتل رسانید، سپس برای استرضای خاطر اوکتاویوس، خود عازم ملاقات او گردید. این بار هم مریم و مادرش را تحت نظر یکی از درباریان باوفای خود گذاشت و همان دستور را درباره مریم داد زیرا این دفعه برای مقابله یا مرگ حتمی می رفت.

هرود بدون تاج سلطنت نزد اوکتاویوس حاضر شد و خدمات خود را نسبت به آنتوان دلیل بر وفا و پایداری در دوستی خود قلمداد کرد و گفت اگر امپراطور او را در صف یاران خود قرار دهد همان درجه وفاداری را از او مشاهده خواهد کرد. اکتاویوس را از جسارت و استدلال هرود خوش آمد و تاج سلطنت را بر سرش گذاشت و شهرهائی را که در دوره پمپه از کشور یهود مجزا شده بود بوی باز گردانید و هرود پیروزمند بکشور خویش بازگشت. از این تاریخ بدستور هرود در معبد به افتخار قیاصره روم قربانی هائی داده می شد و اوگوست و زنش دو کوزه طلائی به معبد اهداء نمودند.

زندگی داخلی هرود برخلاف جلال و عظمت خارجی او بسیار تاریک و رقت انگیز بود. این بار هم مریم از دستور محرمانه هرود آگاه و از حسادت وی سخت رنجیده خاطر و متنفر شده بود. بنابراین شوهر خونخوار خود

را با خونسردی پذیرفت و هنگامیکه هرود داستان مسافرت و پیروزی خود را برایش شرح می داد ابداً توجهی نداشت و اندوه و انزجار خود را از شنیدن آن نتوانست پنهان نگاهدارد. و بعلاوه او را از رفتار وحشیانه اش نسبت به کسان خود سخت ملامت کرد. شلومیت خواهر هرود که همواره در صدد یافتن فرصتی بود تا آتش غضب هرود را نسبت به مریم برافروزد، ساقی مخصوص شاه را تطمیع کرد و او به دروغ نزد شاه گفت که مریم خواسته او را بریختن زهر در جام شاه وادارد. هرود نیز که از طرز رفتار مریم ظنین شده بود او را تسلیم دادگاه نمود و محکمه که از غضب هرود آگاه بود راهی جز صدور حکم اعدام مریم بیچاره نداشت.

مریم در اثر حسادت شلومیت و سوؤظن بی اساس هرود محکوم به قتل شد و با شهامتی که شایسته خاندان مکابی ها بود خود را به دست دژخیمان هرود سپرد و بدون ابراز کوچک ترین تألم و اندوه، مرگ را در آغوش گرفت.

هرود مریم را بسیار دوست می داشت و علاقه شدیدی نسبت به وی یکباره به غم و اندوه عمیقی بدل گشت و در حزن دائمی فرو رفت. دیگر نه مصاحبت درباریان، نه ضیافت های مجلل و نه پیروزی و عظمت هیچ یک نمی توانست او را تسلی دهد. بالاخره برای آسایش خیال به سامره رفت ولی آنجا هم مرگ مریم همواره او را می آزرده تا اینکه مشاعرش نیز پریشان گردید. در آنجا به وی خبر دادند که الکساندر در صدد تسخیر اورشلیم برآمده است. هرود بلافاصله او را دستگیر کرد و به قتلش رسانید.

هرود کم کم از بیماری و پریشانی خیال شفا یافت ولی وقایع گذشته اثر شدیدی در مغزش باقی گذاشته بود و از آن پس بسی خونخوار تر از اول برکرسی خویش نشست. فدائیان دیگر شقاوت وی شوهر خواهرش و دو پسرش بودند که به دستور وی آنها را خفه کردند.

هرود طرفدار فرهنگ و آداب یونان

و روم بود و به تقلید آنها تماشاخانه آمفی تئاتر وسیعی در اورشلیم بساخت و بازی ها و ورزش های پهلوانی را رایج و تفریحات وحشیانه امپراطوران روم را در آنجا معمول کرد و به تقلید آنها جنگ با حیوانات وحشی را که مخالف با قوانین مسالمت آمیز تورات و مورد انزجار یهود بود به معرض نمایش گذاشت. در نتیجه مشاهده این کیفیت مردم از او شدیداً متنفر شده و عده ای در صدد قتل وی برآمدند ولی آنها هم دستگیر و به شدیدترین مجازات ها محکوم شدند.

هرود از احساسات مردم نسبت به خود آگاه بود و برای تحبیب و جلب نظر توده، معبد را که بنائی کوچک بود، از نو بساخت و آن را بسیار مجلل کرد. ده هزار نفر در ساختن آن بنا مشغول بودند و مدت دهسال آبادی آن بطول انجامید. داخل آن بسیار زیبا و با زینت های گرانبها آراسته بود. دیوارهای صحن از مرمر سفید و صیقلی ساخته شده و بسیار با ابهت بود. بالای سردر ورود حیاط معبد، یک عقاب بزرگ طلائی که نماینده تسلط روم بود قرار داد و این امر نیز نفرت توده را نسبت به وی و حامیش دولت روم برانگیخت.

هرود غیر از بنای معبد چند شهر دیگر که قیصریه از آن جمله است نیز از نو بنا نهاد و به عمران کشور پرداخت. ولی بنای معبد با همه جلال و عظمت و زیبایی خود نمی توانست لکه جنایات وی را بشوید.

دیری نگذشت که سخت بیمار شد و در بستر افتاد. تشویش و اضطراب روحی او را بیش از دردهای حبس می آزرده و پس از سی و چهار سال سلطنت جان سپرد و کشوری را از شر وجود جنایت کارش برهانید. (۴۴م. هرود پیش از مردن بتصور اینکه مرگش مایه سرور و شادی مردم خواهد شد، رؤسای قوم را جمع کرده و در سیرک یریحو زندانی نمود و خواهر خود را برآن داشت که چون وی چشم از این دنیا می پوشد خواهرش همه زندانیان را به قتل برساند تا مردم پس از مرگ وی قهراً سوگوار باشند. لیکن خواهر هرود ماموریت خود را انجام نداد و زندانیان را راهائی بخشید.

## چگونه پرونده آیشمن، یکی از جنایتکاران قرن بیستم بسته شد

از: بنیامین طیب نیا



[www.openlettersmonthly.com](http://www.openlettersmonthly.com)

پایان جنگ جهانی دوم، نظر به اینکه یکی از جنایتکاران قرن بیستم، شرکت فعالانه ای در کشتار یهودیان داشت، گروه هائی از جوانان متعهد یهودی اروپائی که خانواده های خود را در این جنگ نیز از دست داده بودند درصدد بدام انداختن جنایتکاران نازی برآمدند، یکی از مؤثرترین افراد در رابطه با بدام انداختن یک افسر نازی، به نام کارل آدولف آیشمن، شخصی بود به نام "فریدمن". نامبرده متولد کشور لهستان بود، و بارها از بازداشتگاه های نازیها گریخته بود و پدر مادر، خواهر و برادرش به دست نازی ها کشته شده بودند، برای انجام این کار فریدمن گروهی از جوانان ورزیده یهودی را که دارای سوابقی در مبارزه با جنایتکاران نازی بودند به عنوان همکاران خود انتخاب نمود، او در یکی از سخنرانی های خود گفته بود: "عدم دستگیری آیشمن ننگی است که گذشت زمان نمی تواند آثار آن را از بین ببرد و نسل امروز در مقابل نسل های آینده شرمنده خواهد شد". وقتی داوید بن گوریون، نخست وزیر وقت اسرائیل از اهداف مقدس فریدمن آگاهی یافت، به سازمان امنیت اسرائیل، دستور داد که به یاری فریدمن شتافته و دستگیری آیشمن را تسهیل نمایند. در نتیجه "آدولف آیشمن" در شهر بوینس آیرس واقع در کشور آرژانتین شناسائی شد و در روز یازدهم ماه می ۱۹۶۰ توسط کماندوهای ورزیده اسرائیل به دام افتاد و دستگیر گردید. و بدین طریق دوره پانزده ساله ردیابی یکی از بزرگترین جنایتکاران تاریخ بشری به انتها رسید. فردی که عهد کرده بود قوم یهود را از صفحه تاریخ محو نماید، به دست افراد زبده همان قوم دستگیر و تسلیم عدالت گردید. برای اجرای عدالت آقای گیدعون هاوسنر - دادستان کل اسرائیل، مسئول رسیدگی به پرونده این جنایتکار گردید و در روز یازدهم آوریل ۱۹۶۱ شهر اورشلیم وضع فوق العاده ای به خود گرفت. در این روز افسر نازی و مأمور به اصطلاح اضمحلال قوم یهود، به اتفاق دکتر رابرت سروایتوی، وکیل مدافع

یافت و در ماه اوت ۱۹۴۵ پایان گرفت و پس از خاتمه این جنگ خونبار و ویرانگر معلوم گردید که بیش از ۶ میلیون یهودی بی گناه اروپائی در این مدت کشته شده اند و متاسفانه نه پاپ مقدس از واتیکان و نه کشورهای ابر قدرت و نه نیروهای متفقین و در رأس آنها بریتانیا و شوروی و ایالات متحده آمریکا کمترین اقدام مؤثری برای جلوگیری از این قتل عام بی رحمانه و غیر انسانی انجام ندادند. بعد از

بی شک دوتا از ننگین ترین وقایعی که در دو قرن گذشته در قاره اروپا پیش آمده دو جنگ جهانی مهیب و ویران کننده است. جنگ بین المللی اول در ماه اوت ۱۹۱۴ آغاز شد و تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت، تلفات این جنگ ۸ میلیون کشته در میدان های جنگ بود و ۱۷ میلیون نفر در اثر قحطی و بیماری و قتل و عام از بین رفتند، و جنگ دوم جهانی در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز شد و به مدت ۶ سال ادامه

خود در اسرائیل حاضر گردید تا پاسخگوی جرائم و جنایات بیشمار خود باشد. در اولین جلسه دادگاه دادستان کل اسرائیل، اظهار داشت: «اکنون که در حضور شما ای وارثان اسرائیل برای بیان ادعا علیه آیشمن برخاسته ام، تنها نیستم، بلکه در این مکان و در همین ساعت شش میلیون و ۲۸۶ هزار نفر شاکی خصوصی با من می باشند، ولی متأسفم که آنها نمی توانند راجع به متهمی که در «استوانه شیشه‌ای» حضور دارد اطلاعاتی را به سمع دادگاه برسانند زیرا خاکستر آنان در تپه‌های آشویتس ناپدید شده و در دشت‌های اردوگاه «تربلینکا» پراکنده شده و در رودخانه‌های لهستان ناپدید گردیده است، و بقایای آنها طول و عرض قاره اروپا را پوشانیده است، اما خون پاک آن بی گناهان به جوش آمده و صدای آنها شنیده می شود.» دادستان کل اسرائیل در ادامه سخنان خود خطاب به آیشمن گفت: «به آیشمن فرصت داده ایم، تا در کمال آزادی از خود دفاع کند، امتیازی که او از قربانیان خود دریغ داشته بود! با جنایات بی شماری که او نسبت به جامعه

بشری مرتکب شده و کلیه مبانی اخلاقی را از بین برده و به پست‌ترین غریزه هائیکه انسان متمدن بوسیله وجدان از آنها دوری جسته، متوسل شده بود، هم چنین او علیه انسانیت اقدام نموده و قصد اضمحلال قوم یهود را داشته است، بنابراین او دیگر عضو جامعه بشری به حساب نمی آید، لذا از دادگاه استدعا دارم درباره او، شدیدترین مجازاتی را که برای جامعه متمدن متصور است اعمال نمائید، این مرد اگر هزار مرتبه اعدام شود و تا آخر عمر هر روز زنده شود و روز بعد اعدام شود، باز هم به میزان کفاره گناه قتل یک کودک بی گناه نخواهد بود، و اعدام او حساب خون‌های ریخته شده یهودیان بی گناه را با آلمان تصفیه نخواهد کرد و تا زمانیکه یک نفر یهودی در این دنیا باقی باشد مصائب و جنایات بیشمار جنایتکاران نازی محو نخواهد شد و این خاطره دردناک در قلب فرزندان ما و نسل‌های بعد از ما تا روزی که دنیا باقی است، محفوظ خواهد ماند و اشخاصی که دست‌هایشان به خون خواهران و برادران بی گناه ما آغشته شده است، را هرگز فراموش

نخواهیم کرد، لذا بار دیگر استدعا دارم که مجازات اعدام را درباره این جنایتکار اعمال نمائید.» پس از سخنان دادستان کل اسرائیل، دکتر رابرت سرواتیوی - وکیل مدافع آیشمن در دفاع از او گفت: «متهم برخلاف میل باطنی خود در اعمالی مداخله کرده ولی شخصاً جور و ستمی به جامعه یهود اعمال ننموده است! جور و ستم را دولت متبوع او به یهودیان روا داشته است! بنابراین کارل آدولف آیشمن، از نظر قانونی خود را کاملاً بی گناه می داند! در آخرین جلسه محاکمه آدولف آیشمن دادگاه به علت ارتکاب جنایات بیشمار علیه بشریت، مجازات اعدام را برای او تعیین نمود و این حکم، عادلانه و قطعی اعلام گردید، تا اینکه: در سپیده دم اول ژوئن ۱۹۶۲ یک قایق پلیس اسرائیل خاکستر افسر سفاک نازی، کارل آدولف آیشمن، را که دستش به خون صدها هزار نفر یهودی بی گناه آلوده بود، دستخوش دریای مدیترانه نمود، و در روز یاد شده پرونده مطرح پانزده ساله یکی از جنایتکاران قرن بیستم بسته شد.

## تسلیت

با تأثر و اندوه فراوان درگذشت مرحومه خانم هما مقیمی، نماینده محترم سازمان ارت در هیأت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی را حضور همسر ایشان و خانواده محترم مقیمی صمیمانه تسلیت می گوئیم و برایشان سلامتی و شکیبائی آرزو مندیم.

رئیس و اعضاء هیأت امناء فدراسیون یهودیان ایرانی  
رئیس و اعضاء هیأت اجرایی فدراسیون یهودیان ایرانی  
هیأت تحریریه مجله شوفار

## سیاس

بدینوسیله از کلیه سرورانی که ما را در سوگ از دست دادن خانم هما مقیمی یاری داده و با ارسال تسلیت و شرکت در مراسم، موجب تسلی روحی ما شده اند نهایت سپاسگزاری را می نمائیم.

هوشنگ و ماهرخ مقیمی و خانواده‌های وابسته



**Iranian American  
Jewish Federation,**  
1317 N. Crescent Heights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046  
Adress Correction Requested

PRESORT NON PROFIT  
US POSTAGE  
PAID  
PERMIT # 1522  
LOS ANGELES, CA



# Shofar

Iranian American Jewish  
Federation Quarterly  
Summer and Fall 2010

**Las Vegas**

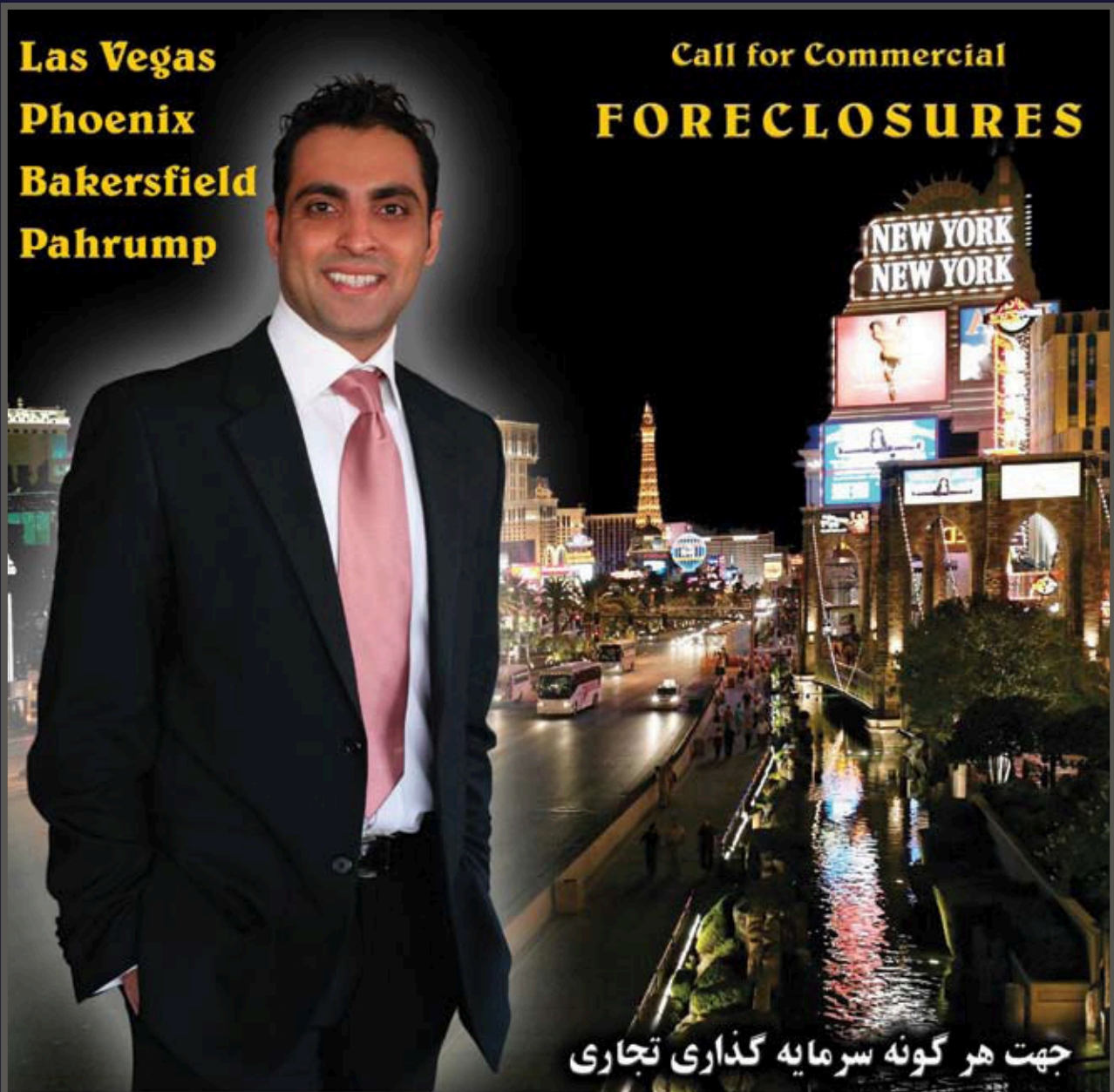
**Phoenix**

**Bakersfield**

**Pahrump**

Call for Commercial

**FORECLOSURES**



جهت هر گونه سرمایه گذاری تجاری

**ONYX**  
Realty Group

**Peyman Masachi**  
**702.734.2211**



CHICAGO

BOSTON

NEW YORK

LOS ANGELES

[www.usaveinclinics.com](http://www.usaveinclinics.com)

888-76VEINS • 888-768-3467

● ورم و احساس نا آرامی پا

● خستگی و سنگینی پا

● زخم بستر

● واریس

● تغییر رنگ یا تغییر بافت پوست

● مشکل در ایستادن به مدت طولانی

● درد و گرفتگی عضلانی

● خارش و سوزش پا

## Grand Opening Valley Village (888)629-2333

IF YOU EXPERIENCE ANY  
OF THE SYMPTOMS ABOVE – YOU MAY HAVE

### A VENOUS DISEASE!

اگر هر کدام از علائم بالا را تجربه کرده اید،  
شما احتمالاً دچار بیماری های واریس پا می باشید

USA VEIN CLINICS offer the newest office-based treatment of varicose veins - Endovenous Laser Therapy (EVLT or ELT), which is approved by Medicare and most insurance plans.

The expertise of top-notch vascular surgeons and deep knowledge of circulation problems make USA VEIN CLINICS a unique place helping people with a variety of venous diseases.



Los Angeles 2 Offices  
(888) 629 2333

7901 Santa Monica Blvd, Suite 209  
Los Angeles, CA 90046  
12840 Riverside Dr Ste 300  
Valley Village, CA 91607

Boston

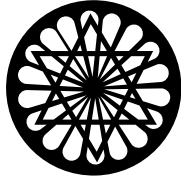
(617)391 6900  
1208 "B" VFW Parkway  
Suite 300  
West Roxbury, MA 02132

Chicago

(847)593-8460  
3927 W Belmont Ave,  
Suite 103  
Chicago, IL 60618

New York

(718)301-1100  
2511 Ocean Avenue,  
Suite 102  
Brooklyn, NY 11229



# Shofar

A Publication of

Iranian - American Jewish Federation

Summer and Fall 2010

Editor in chief

**Mojgan Moghadam Rahbar**

www.IAJF.org

info@IAJF.org

1317 N. Crescent Height Blvd.  
West Hollywood, CA 90046

Tel: (323) 654-4700

Fax: (323) 654-1791

## Contributing Writers

Sabrina Azadi, Gentile Barkhordar Farshadfar, Nicole Behnam, Richard Bookbinder, Siena Casale, Jasmine Daghighian, Ira Farnoush, Dorit Halavi Miller, Farnaz Halavi Galdji, Janet Haroonian, Tannaz Kamran Rahbar, Mehrdad Levysedgh, K. Mahpour, Dr. Claudia Mikail, Mastaneh Moghadam, Mahbod Moghadam, Ben Nabati, Soraya Pastor, Dr. Nahid Pirnazar Oberman, Delila Pouldar, Roya Rahbar Pouldar, Shirin Raban, Kamran Raminpard, Nazanin Ramzi Shamtobi, Bobby Shamsian, Violet Sassooni, Tannaz Sassooni, Jahangir Sedaghatfar, Saman Shomtobi, Benjamin Tabibnia, Haley Tizabi.

## Cover Art By:

Habib Nathan, M.D.

Twelve Tribes of Israel (colored glass)  
(story on page:13 English section)

The views and opinions expressed in the published articles, are those of the writer and do not in anyway represent the views of "Shofar" or the Iranian-American Jewish Federation.

## Typesetting, Layout, and Design by

Shilla Shakoori  
(310) 601-0770

## English Section

Editorial /2

IAJF's President's Message /3

Iranian-American Jewish Federation News /4

foundation to commercialize research /8

A STAR-STUDED EVENING /9

Iranian Jewish Women's Organization  
Women Of The Year 2010 /10

Vitreous Visions From Judaica /13

"We have unpacked our bags. We are  
ready to act." /14

Winners Of David And Dina Ramzi Memorial  
Fund And Shofar Magazine Writing Contest /16

L.A.Youth Orchestra has moved to Beverly Hills /19

What's the Fuss About Clean Tech? /21

Study Finds Genetic Links Among Jewish  
People /22

Team Talia /23

Adult Children And Their Parents /24

"The Los Angeles Jewish Film Festival" /26

The Barber of O.C. /28

What Do You Want To Be When You  
Grow Up? /30

Rap, Torah, Rumi /32

Alice Dancing Under the Gallows /33

Dear Sisters /34

The Chosen Taco! /36

Book Review /38



## Editorial

# Freedom To Choose

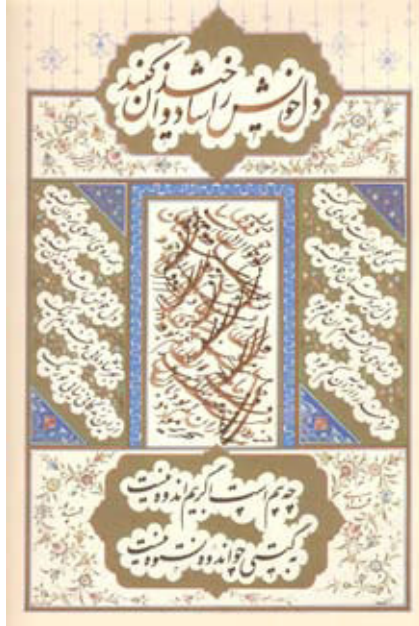
By: Mojgan Moghadam Rahbar (Editor-in-Chief)

“We who lived in concentration camps can remember the men who walked through the huts comforting others, giving away their last piece of bread. They may have been few in number, but they offer sufficient proof that everything can be taken from a man but one thing: the last of the human freedoms -to choose one’s attitude in any given set of circumstances, to choose one’s own way.” These are the words of Viktor E. Frankl, written in his book titled *Man’s Search for Meaning*. Frankl was an Austrian-Jewish psychiatrist, who spent three years of his life in two different Nazi concentration camps, and lost his wife and parents to the gas chambers. “*Man’s Search for Meaning*”, his first book and one of all time bestsellers in the past 50 years, was written in the span of nine days and was his way of analyzing all the atrocities and hardships endured by prisoners in the concentration camps and their reactions to this unfathomable circumstance.

Frankl believed that apart from those prisoners who were handed a death sentence as soon as they arrived to the camps, (depending on one’s belief either as a result of accident or destiny) those who were taken as slaves to labor camps died shortly after a kind of surrender to their situation

mentally paralyzed them. The physical strength and health of the individual did not matter as much their mental capacity to choose a positive attitude about all that had and was happening to them.

It seems as though hopelessness and despair is the consequence of forgetting that “the last of human freedoms” is being able to choose the way one



encounters any given situation, be it happy or sad. Those who choose to surrender to the hardships and trials that life presents them with, give up the chance of learning from their experiences. When we choose to own our experience, be it good or bad, we will be able to draw from that knowledge in order to grow as

a person and live life to its fullest. Those individuals, who are aware of this freedom of choice, are able to enjoy the happy moments of life to the fullest and endure the harsh realities with a sense of equanimity. Those who decide to hide or ignore the traumas that life deals us, do themselves the disservice of not taking full advantage of a valuable growing experience. Trying to hide an unpleasant event from those around us does not necessarily mean that they do not know about it, and it only results in deceiving ourselves, carrying the burden of despair and weariness on our shoulders, and not taking advantage of the lesson that it could have taught us.

In one of his last interviews before his death in 1997, Frankl’s response to the question of how he felt about the fact that his book had become a true bestseller and great success was: “In the first place I do not at all see in the bestseller status of my book an achievement and accomplishment on my part but rather an expression of the misery of our time: if hundreds of thousands of people reach out for a book whose very title promises to deal with the question of a meaning to life, it must be a question that burns under their fingernails.”

It may well be that we will decide to spend all of our life searching and trying to find the meaning of life and never succeed, but one fact is undeniable- the way and attitude we choose to adopt throughout our life is our own choice. We may not be a prisoner who is physically restrained yet we choose to live in our self built prisons of mental anguish and sorrows. How magnificent it would be if we never lose sight of the fact that whatever is taken from us, no one can take away our “freedom to choose.”

**IAJF's President's Message:**

## **The Treasured History Of The Iranian American Jewish Federation**

The dust had not settled on the Islamic Revolution of 1979, when the ocean of bewildered, tired, and emotionally injured Iranian Jewish immigrants in US, founded several charitable Persian Jewish organizations in their new land. Our mission: to assist our own.

The pride in our culture and heritage, plus the love for humanity and feeling of responsibility for the well being of our community as a whole empowered us to look beyond our own personal needs. In order to better serve the population and unite all the different and much needed organizations within the community, The Iranian American Jewish Federation was founded in 1981; with the task of uniting all Iranian Jewish organizations as one of its main goals. This was the birth of a unique and enduring organization that has shown the world that we are ONE and committed to protecting the rights of all Iranian Jews where ever they maybe.

Bewildered by the fact that no one ever shed a tear for their plight, no resolutions were ever passed in protecting them and no actions were taken by UN about their rights, our people united in their beloved new country, the gate to the freedom for the world, and

decided to speak with one strong voice throughout the world. Their strong message "we will never be ignored again."

Intoday'ssocialandpolitical world, we as members of the Iranian American Jewish community are facing many different crisis. We feel connected to three different countries and communities and take pride in each of their culture and the way that they have come to identify us, yet the current tension between Israel, Iran, and the United States rests heavily on our shoulders. Our community has faced a financial meltdown that has affected us all. The threat of substance abuse, domestic violence, and unrealistic social expectations continues to put a lot of stress on the younger generation. Therefore, IAJF has expanded its services to face the new challenges of our society.

As part of its many goals, IAJF continues to provide services such as assistance with immigration process, Dispute Resolution and mediation, Emergency Funds and being the address and the voice of our community

In the past two years IAJF has started a major project with the help of different experts in the fields of psychology and sociology in order



to pinpoint and find reliable ways of overcoming our communities many different issues. We have sent out over 5000 questionnaires asking everyone to identify what they see as prevalent problems within our community. You can fill out this questionnaire on line by going to <http://www.surveymonkey.com/s/T867DF7>.

Taking into consideration all that we have learned so far about the needs of our community has prompted us to come up with different programs such as free seminars and classes that would help us understand, analyze and try to resolve the issues facing our population specially the younger generation. Some examples of these seminars are: The College Advisement Night, where academic experts gathered to advice our high school students about different ways of applying to colleges and universities; Understanding Addiction, a night with a panel of experts talking about all the facts surrounding this issue; as well as our seminar discussing the facts about the modern history of Israel and teaching tolerance and knowledge rather than spreading hatred.

IAJF is also collecting a complete guide of all the available

social and economical services that may help the Iranian community. Each individual will be able to get the needed information by contacting the IAJF office.

IAJF's Board of Trustees is comprised of many prominent leaders and individuals who have been elected by our community, plus the representatives of all our affiliated organizations creating one of the most powerful groups to serve the needs of our community. We have appointed a unique group of young and energetic professionals to lead our Executive Board.

The vision of all these leaders and professionals, who make up The Iranian American Jewish Federation, is all about knowing and serving you. IAJF is your address and your voice! We believe our young people are not only our tomorrow, but our today as well. We are proud of this most highly educated, hardworking, community oriented leaders of our tomorrow, who will carry out our traditions of family love, caring for our community and our Jewish heritage.

Our mission is to be there with you and for you, and encourage you to join us in taking responsibility and becoming the future leaders of our community.

With warmest regards,  
Shahla Zargarian Javdan ,  
President, IAJF, CA

## IAJF News: **Israel: Lessons of the Past, Promises for the Future**

Compiled and Written By: Gentile Barkhordar Farshadfar\*

The Committee for Accuracy in Middle East Reporting in America (CAMERA) is a media-monitoring and research organization devoted to promoting accurate and balanced coverage of Israel and the Middle East. While CAMERA takes no position with regard to American or Israeli political issues or with regard to ultimate solutions to the Arab-Israeli conflict, it attempts to counter the current wave of propagandistic assaults on and misrepresentation of Israel on college campuses by disseminating objective information on Middle East issues.

In support of this effort, the IAJF Women's Division held a multi-speaker event and reception on Thursday, May 6th, 2010, with co-sponsors StandWithUs, 30 Years After and the Young Magbit Foundation, about the challenges facing Israel and Jews in today's dangerous world. Honorary keynote speakers were the following:

•Mr. David Suissa, columnist for the Jewish Journal of L.A. and publisher of the groundbreaking Jewish-themed magazine, OLAM. He was named one of the 50 most influential Jewish leaders in North America by the Forward newspaper.

•Ms. Talia Shulman Gold, Southern California Regional Coordinator for CAMERA, a human rights and immigration attorney, who previously wrote news stories for CNN. She is the former General Counsel and Executive Vice-President of the Mauthausen Memorial Holocaust Foundation.

•Mr. Daryl Temkin, Founder and Director of the Israel Institute for Alternative Energy Advancement, a groundbreaking organization dedicated to educating the public about Israel's leading role in ending global oil dependency.

•Professor Henry Green, Professor of Religious Studies at the University of Miami and former Director of the Judaic/Sephardic Studies Program. His current research project, "The Forgotten Exodus" documents the lives of approximately one million Jewish refugees from Islamic lands.

\*Gentile Barkhordar Farshadfar has a BA in Electrical Engineering from UCLA and an MBA in Finance and Information Systems from USC. She has worked as a consultant and engineer for such corporations as Xerox, Capitol Records, EMI Music and IBM.



**IAJF News:**

## **Seminar on Mutual Respect: Healthy Relationship between Parents and their Adult Children**

**I**ntergenerational issues within the Iranian-American community, and developing healthy relationships between parents and their adult children was the focus of a discussion at a Jewish Federation Seminar on Sunday, April 18, 2010. The program was organized by IAJF's Health and Wellness Committee headed by Shabnam Kimia and Elahe Broukhim. Keynote speakers at this event were Farhang Holakouee PH.D., Parisa Leviadin, Psy. D., Minoo Shilati, Psy.D., and Mastaneh Moghadam,

LCSW.

While Dr Holakouee, founder of Beverly Hills Center for Well-being and popular radio talk show host, talked about the impact of immigration on the adult child-parent relationship within the Iranian-American family, Dr. Leviadin, drawing from her extensive experience in the field of Child and Family Therapy, described what a healthy adult child-parent relationship should look like.

Next, Minoo Shilati, owner

of Vantage Point Recovery Center, an intensive outpatient program offering therapeutic services to combat addiction and related mental health issues, discussed the complexity of the mother/daughter in-law relationship and the importance of working on one's individual issues in order to strengthen this relationship.

Finally, Mastaneh Moghadam, Licensed Clinical Social Worker specializing in the field of domestic violence, and Iranian Outreach Coordinator of Jewish Family Services, talked about "Becoming an adult with one's parents".

Over 1200 people attended the seminar, which was conducted in both English and Farsi. As all other programs offered by the Health and Wellness Committee, this seminar was free of charge and open to the public.

**IAJF News:**

## **Rosh Hashanah and Yom Kippur at Temple Bet El**

**I**n September, 2010, services for Rosh Hashanah and Yom Kippur were held at Temple Bet El located in the Iranian American Jewish Center of West Hollywood. The services were held in English and Farsi. Two programs, scheduled by the IAJF's Women's Committee for the day of Yom Kippur, were met with great

success: First, a panel discussion titled "Three Makes a Crowd: A Cross-Generational Conversation about what it means to be Jewish, Iranian, and American" moderated by well-known Iranian novelist and writer, Gina Nahai; Guest speakers were attorneys-at-law Sam Yebri and Jasmine Oberman, President and

board member, respectively, of 30 Years After, a Los Angeles-based non-profit organization whose mission is to promote the participation and leadership of Iranian American Jews in American political, civic and Jewish life. Next, a lecture on Mindfulness and Spirituality was given by Sherly Khodadad, M.S., M.F.T.

IAJF News:

## Seminar on College Admissions

**Concerned about hard economic times, the Federation offers solutions to anxious college hopefuls and their families...**

On Sunday, September 12th, 2010, the Women's Division of Iranian American Jewish Federation hosted a seminar on the process of college admission and financial aid under the direction of Mrs. Dalia Moghavem, an independent Certified College Counselor, Ms. Maureen

Gelberg, Associate Director of the USC Office of Admissions, and Ms. Jessica Medina, Assistant Director of the USC office of Financial Aid.

The session consisted of an in-depth review of the admissions process with recommendations on preparing a successful application. Next was a lecture by author and radio host Dr. Holakouee, followed by a Question and Answer session by a panel of University students. During his speech, Dr

Holakouee emphasized the benefits of practicing mutual trust and open communication at home. He indicated that learning to let go while your kids still live at home might help you make a better decision regarding whether to send them away for college.

Several of the attendees have requested follow-up sessions to this seminar, and the Federation is considering making it an annual event.

IAJF News:

## Understanding Addiction

Over 200 Iranian-Americans attended a resource fair and seminar about the multiple faces of addiction. This event was held at the Iranian-American Jewish Center in West Hollywood on Monday, October 4th, 2010.

Sergeant Farrell of the Los Angeles Police department gave a short talk about the legal ramifications of possession, sale and use of narcotics, followed by four well known Iranian-American speakers: Dara Abaie, a prominent community activist, Iraj Shamsian Psy.D., Parisa Leviadin Psy.D., and

Farhang Holakouee Ph.D.

Mr. Dara Abaie shared his firsthand knowledge of drug use, theft and gang participation within our community. Dr. Parisa Levadine painted a comprehensive picture of how personality traits, environmental factors, and genetics can lead to addiction. Dr. Iraj Shamsian discussed the process of recovery, and the role played by parents, as well as the dynamics of enablement versus effective support systems. In closing, Dr. Holakouee spoke about gambling addictions and related statistics.

The event, organized by the Health and Wellness Committee of the Iranian-American Jewish Federation, was sponsored by Vantage Point Recovery of West Lake, California, which specializes in the treatment of individuals with addictions. Other organizers holding information booths at the resource fair were Beith T Shuvah, Serenity Malibu Sober Living, Lake House Recovery, the Maple Counseling Center, the Los Angeles Sheriff's Department, and Gondi Lunch Box.

IAJF News:

## Shabbat Dinner Celebration of “Cyrus the Great Day”

**“Twenty five centuries ago, when savagery was the dominant factor in human societies, a civilized and compassionate declaration was written on clay and issued to the ‘four corners of the world’ that dealt with the important issues relevant to the rights of humans, the same issues that not only in those days but even today can inspire those who believe in human dignity and rights.”**

In appreciation of “The Declaration of Cyrus the Great,” known to be the first declaration of Human Rights ever written, the Women’s Division of the IAJF held a Shabbat dinner following services on October 29th, 2010 at the Jewish Federation’s

West Hollywood Temple Beth El. The event was in commemoration of the day when the great King of Persia, founder of the largest empire in the world, wrote the liberation tablets, bestowing to his people the freedom to choose their place of residence and their faith, and putting peace among nations above all other considerations. Mrs. Shahla Javdan, president of IAJF, stressed the importance of remembering this act of grace and tolerance in the current times of political and economic turmoil.

The event, which was the second Shabbat reception of its kind at the Jewish Federation, was met with a great deal of interest, with a total of 320 guests attending. Rabbi

Ira Rosenfeld led the services, accompanied by cantors Tanno Bahremand Forouzanpour and Harris Shore, in a ballroom adorned with beautiful flower arrangements and decorations in remembrance of the great king. Mr. Mark Ameli, winner of the primary election and candidate for Judge of the Superior Court was a guest of honor at the reception.

Guests danced to the tunes of DJ Shahrokh Sapir, followed by Mahmood Ghorbani’s beautiful voice, and Arash’s music. Ms. Orly Setareh, dance instructor, invited guests to join in a special celebration of Israeli dance following the dinner reception.

## Upcoming Event

On December 19, 2010 the Women’s Committee of The Iranian American Jewish Federation will be honoring two of the most distinguished members of our community, Dr. Solomom Aghai and Dr. Amonollah Refooah.

Dr. Aghai has been an active member of the Iranian Jewish community for many years and was

one of the founders and president of IAJF for fifteen years, as well as the managing publisher of Shofar magazine.

Dr. Refooah is a well known physician within the Iranian Jewish community, well respected for his knowledge and his work within the field of medicine.

For more information about the

event please call the IAJF office at (323)654-4700.

Gentile Barkhordar Farshadfar has a BA in Electrical Engineering from UCLA and an MBA in Finance and Information Systems from USC. She has worked as a consultant and engineer for such corporations as Xerox, Capitol Records, EMI Music and IBM.



## LOS ANGELES PHILANTHROPIST ESTABLISHES FOUNDATION TO COMMERCIALIZE RESEARCH AT BEN-GURION UNIVERSITY OF THE NEGEV



**A** Los Angeles philanthropist, Dariush Fakheri, has created an innovative foundation model that will provide up to \$1.2 million to help fund and commercialize research at Ben-Gurion University of the Negev in Beer-Sheva, Israel.

Should the initial research projects, selected by committee, become successful, the proceeds and royalties will revert back to the foundation, dubbed “Project Jacob,” to underwrite additional projects.

Dariush Fakheri, who is president of the International Judea Foundation (IJF) supplying the funding, says that, “Israel’s future and its economy are dependent on continued successful innovation. We are trying to fix the dilemma of too many incredible innovations

and discoveries getting stuck in a lab due to limited resources.”

Project Jacob is open to other donors who want to contribute to promising research that requires additional financial support to get it to a stage where patents can be sold.

“Project Jacob” refers to the biblical Jacob, who requested to be paid in speckled goats and sheep while working for his uncle, Laban. Jacob, one of the earliest scientists, initiated a selective breeding program yielding a large flock -- and consequent prosperity.

“Project Jacob is a unique and innovative example of channeling philanthropy in support of research on the verge of commercialization that will help the University and

impact fields like medicine and alternative energy,” explains Doron Krakow, executive vice president of American Associates, Ben-Gurion University of the Negev. “It is a new avenue through which any donor can support the commercialization of the most promising research at BGU in a targeted way.”

International Judea Foundation’s initial donation will seed three projects chosen by a BGU research committee to receive funding. The organization will provide additional funding up to the \$1.2 million based on successful commercialization of these projects.

Among the initial projects chosen by the committee of BGU research heads and Fakheri for Project Jacob are:

**Retinal Angiography System** - Retinal blood flow indicates many health issues, including diabetes mellitus, macular degeneration and vascular occlusion. BGU researchers have developed an image analysis tool from a series of high-resolution angiographic images that allows for the quantification of blood flow and vessels’ permeability to help make diagnoses.

**Balance Training System** - This robotic engineering project, a treadmill-like device, simulates real life mobility problems while walking to help improve motion stability for the elderly and disabled.

**Venus Catheter** - This device has already been patented but needs refinements to treat thrombosis, or blood clots, which affects 15 million people each year who suffer from strokes.

# MAGBIT FOUNDATION GALA 2010

## A STAR-STUDED EVENING:

By: Claudia N. Mikail, MD, MPH\*



Celebrating 62 years of Israeli independence, the Magbit Foundation held its 21st Annual Gala on May 26, 2010 at the Beverly Hilton Hotel in Beverly Hills, CA. The yearly black tie event is the foundation's primary fundraiser, supporting interest-free loans and select scholarships for needy undergraduate and graduate students at some of Israel's finest institutions, including Sackler School of Medicine, Technion, Tel Aviv University, Haifa University, Bar Ilan University, and more.

The program began with moving renditions of the U.S. National Anthem and the Hatikvah. Dr. Behrooz Broukhim, orthopaedic surgeon, was welcomed as the organization's new President. In his introductory address, Dr. Broukhim emphasized the organization's unwavering dedication to higher education and described Magbit as the "mother of all charities," citing

knowledge as the underlying key to success for any community and for Israel.

Mr. Parviz Nazarian was greeted as the new Chairman of the Board, and Mr. Nourollah Gabbay as the new Chairman of the Board of Trustees. The outgoing President, Mr. Bijan Nahai, and Chairman of the Board, Mayor Jimmy Delshad, were duly thanked for their efforts during their term. Prominent, long-time donors were also recognized, and new board member, Mr. Sal Gabbay, shared his thoughts on the importance of Magbit's mission.

Guests were treated to cocktails and h'or d'oeuvres, glatt kosher dinner, and star-studded entertainment by world-renowned Sephardic singer Alabina and the Gypsy Kings, who brought the audience to their feet. To conclude the festivities, the Master of Ceremonies, Mr. Doran Adhami (Magbit Treasurer), invited students and young professionals to an after party featuring DJ David, keeping everyone dancing late into the night. One young attendee exuberantly noted, "This is the ballroom where they hold the Golden Globes, right? This is like the Jewish version!"

Since its inception, the

Magbit Foundation has supported over 10,000 students in both Israel and the U.S., and seeks to continue its expansion. Specialized offshoots of the foundation include the Magbit Golda Group (for women) and the Young Leadership of Magbit.

Further information about Magbit's goals and accomplishments can be found at [www.magbit.org](http://www.magbit.org).

\*Claudia N. Mikail, MD, MPH is a clinical geneticist in Los Angeles, CA, the author of a bestselling genetics textbook, and a member of the Board of Directors of the Magbit Foundation. Her website is <http://geneticmed.tripod.com>.

### Volunteers Needed

**The Iranian American Jewish Federation is looking for volunteers willing to share their time, creativity, and specialty in order to serve out community.**

**For more information please call Farnoush Abrishami at 323-654-4700**

# Iranian Jewish Women's Organization Women Of The Year 2010

By: Delila Pouldar\*



from left to right: Dr. Firouzeh Rahbar Bakhshian (Mother's of Tomorrow Board Member), Niloufar Roofian (Mother's of Tomorrow Board Member), Mojgan Moghadam Rahbar (honoree), and Nazila Sina (Mother's of Tomorrow Board Member)

The Iranian Jewish Women's Organization, under the presidency of Mehry Pezeshk Tahery, held their annual Woman of the Year Award ceremony on May 16, 2010 at the Beverly Hills Hotel. The Shamsi Hekmat Award was presented to Mojgan Moghadam-Rahbar, Azadeh Farin-Wald and Galeet Dardashti-Weisz, for their contributions to education, social issues and women's causes. Each of these women is an inspiration to our community.

**Galeet Dardashti** is a vocalist, composer and lead singer of the world renowned female ensemble

"Divahn". Her work is supported by the Fulbright-Hays fellowship, The National Foundation for Jewish Culture, and The Memorial Foundation for Jewish Culture. She holds a PhD in anthropology, completing her dissertation on cultural politics of contemporary Middle Eastern Music in Israel. She is married to Mason Weisz and they live in New York with her toddler son.

**Mojgan Moghadam Rahbar** is a journalist, editor and anchor-woman who continues to play an integral role in Iranian and American media. She is currently editor-in-chief of Shofar Magazine. She

lives in Los Angeles, CA with her husband, Farzin Rahbar and their three children Sabba, Daniel and Navah. Below is a summary of her acceptance speech upon receiving the Shamsi Hekmat Award:

For the past 15 years, as a sign of their commitment to recognizing the value of women's efforts in our community, the members of the Iranian Jewish Women's Organization have honored different individuals as women of the year. In my opinion, as nominee this year, I stand for all of you: many of the ladies present here at this event, as well as those members of our community who could not be here today, share this honor with me. The success of Iranian Jews in Los Angeles is a testament to your hard work as mothers and daughters, doctors, academics and professionals. My true honor lies in representing Iranian Women, courageous individuals who have helped our community overcome racial, gender and class barriers.

The Iranian woman of the previous generation, who was uprooted from her own country, and placed in a strange land with a foreign language and culture; and found her parents, children and husband in unbearable financial and social situations; was obligated to work outside of the home without any prior training, shoulder to shoulder with her husband, in order to insure the security of her family; had to take care of her elderly parents, even though she herself was trying to get use to a new way of life; the woman who - despite all adversity - insured the success of her children, the comfort of her parents, the happiness of her spouse, and even managed to find time to serve



the community at large as a volunteer in social and charitable groups. I congratulate you and stand here to honor you, my mothers.

And of course my sisters: the many women of my own generation who have had the unenviable task of balancing two astonishingly different social and educational cultures, within their family and community. These were the daughters who were expected to finish their higher education, marry and have children at the proper age, be active members of their community, work outside the house and manage the family life within, raise children who will be accepted within both the American as well as the Iranian cultural spheres we inhabit. I congratulate you: in spite of the culture shock of Revolution and

adaptations we were forced to undergo as adolescents, look at all that we've accomplished.

The Iranian ladies of these two generations are pioneers within their communities: they have successfully managed to practice progressive feminism even while retaining the many positive values of our traditions. I would like to thank the ladies of IAJO for honoring the women of our community each year at this brilliant event. And I look forward to the years when our daughters will stand here and be recognized for their achievements. In order to grow intellectually and spiritually, women need role models, mentors, and heroes who inspire us and help us believe in ourselves while retaining our creative impulses.

Since we are honoring the women of our community, I would like to take this opportunity to thank the women who have shaped and continue to influence my life – my female role models - with an apology to the influential gentlemen who mean so much to me as well. Which include my father and brothers, my son Danny, and my dear Farzin whose love, encouragement, and strength has defined me in so many ways.

Those amazing females who have truly influenced and con-



*Some of the Board members of The Iranian Women's Organization and the three honorees.*

tinue to influence my life include my sister Mastaneh and my daughters Sabba and Navah, but my lifelong teacher is of course my dear mother Afsar Moghadam.

The other magnificent and unique lady, who was a role model for me many years before I even had the pleasure and honor of meeting her in person, is Mrs. Pari Abasalti, editor of Rah-e-Zendegi magazine.

I would like to end with one of my daughter Sabba's favorite quotes from William Shakespeare. He writes: "All the world is a stage, and all the men and women merely players, they have their exits and their entrances; and each person in his time plays many parts..." I do believe that we are given a role to play for each stage in our life. When

it comes time to move on, it can be hard getting used to the challenge of learning a new part, which at times may be comedic, tragic or absurd. But as long as we do understand that the most important part of this theatrical journey called life is contentment, kindness, and having respect and tolerance for others around us, we will be more comfortable in our own role and will seamlessly transition among our endless improvisations before finally taking a bow and making our exit.

Just consider for a moment

a part of my theatrical journey. Less than four years ago, while awaiting an eye operation, a doctor told me that if my cancer had metastasized into my liver, then all hope was lost. This year, I

am standing here as your representative for the woman of the year! The collective strength of this community, the men and women who are my friends, family, role models and colleagues, have given me the power to overcome enormous obstacles, as they will others. Thank you; I am honored to have been chosen to represent all the women of my community.

**Azadeh Farin- Wald MD** is one of the fewer than 200 female neurosurgeons in US.

Many of us may not associate women with brain surgery. Yet, reading Dr. Farin Wald's biography and seeing her accept the award; one was struck with how she contradicted the dichotomy of a female



*From left to right: Paulina Hekmat (granddaughter of the late Shamsi Hekmat), Mojgan Moghadam Rahbar (honoree), Galeet Dardashti Weisz PhD (honoree), Dr. Azadeh Farin Wald (honoree), Dr. Kami Hekmat (son of the late Shamsi Hekmat)*

neurosurgeon and still maintained her femininity and grace.

Azadeh Farin was born in Iran and moved to Los Angeles at a young age. Becoming a neurosurgeon stemmed from her curiosity as a child. As she described in a recent interview, “I realized at a young age that everything emanated from the human brain. It explained why things are the way they are.” This passion and curiosity fueled her education, and she successfully graduated top of her class from Hamilton High School. She went on to complete Yale University with honors in three years, double majoring in Molecular Biophysics and Biochemistry and Economics. Upon graduation, she worked as a business analyst at McKinsey & Co., one of the most well-known consulting firms in the country. She once again excelled and was ranked in the top 5% of her analyst class. While taking a break from her studies; Dr. Farin, even entered beauty pageants and was named Miss Greater Los Angeles USA Pageant Winner in 1998.

Three years later, Dr. Farin entered the University of California, San Diego medical school to pursue her childhood calling and dream of becoming a neurosurgeon. “[Neurosurgery] was a big black box that I was eager to figure out. Almost every other organ in the human body can be replaced and yet we barely know the brain works.” As to why she chose the arduous profession that is neurosurgery, she explained how many people study the brain, but only neurosurgeons can dissect the brain, cure the patient of the disease and bring them back to life. During medical school, she researched at Columbia University where her group was the first to videotape tumor cells invading a live brain and applied this technique to medicinal implications. She went on to complete her fellowships at Olympia Medical Center and Tower Neurosurgical Spine Institute and University of California, San Francisco, and completed her residency at the University of Southern California. Today, she practices in Long

Beach, CA at the second largest private hospital west of the Mississippi. She operates on all aspects of cranial surgery including aneurisms, tumors, head traumas, spinal deformities, and degenerative disease using minimally invasive techniques. She has published over 50 journals in some of the most prestigious and respected publications.

Dr. Farin describes success as taking the time and energy to define a worthwhile goal and pursuing it to completion. “In some ways, I have achieved some success but it is not enough. For myself, success includes continuing to help thousands of patients, being a wife and hopefully soon a mother. Success is going above and beyond.” Her advice to young Iranian- Jewish women, who want to pursue competitive fields such as medicine, is: “do something that no matter how much time and energy you put into it, is gratifying. Find your passions and pursue them whole heartedly. Don’t pay attention to barriers, but know that everything has a cost and be realistic. The cost must be worth it.”

As an Iranian- Jewish female hoping to enter the medical field, one is often questioned for her career choice and the sacrifices that it may involve. When speaking to Dr. Farin, she addressed this issue saying “Persian women have much more to offer than just good looks.” Dr. Farin is a prime example of how women have the potential to be successful professionals as well as loving wives.

\*Delila Pouldar is a Junior at USC majoring in Biological Sciences, with a minor in Business Administration.

**On the cover:**

## **Vitreous Visions From Judaica**

**A collection of glass arts about the Jewish Heritage**

By: Siena Casale\*

A glass sculpture by Dr. Habib Nathan adorns the cover of Shofar for this issue. Dr. Nathan is a practicing psychiatrist living in San Antonio, Texas, with his wife Manijeh. In the past decade Dr. Nathan has been able to give life to his “visions” through art and glass sculpture. A book about his art work and glass sculptures was published in July 2010, which shows Dr. Nathan’s passion of



trying to commemorate the history and traditions of people of Israel through art. His Glass Sculpture Coin Collection beautifully remembers this history of Israel and its people. This remarkable collection of coins has been on display since February 3, 2000 in the Jewish Federation Building in San Antonio, Texas.

In an exclusive interview with Shofar Dr. Nathan explained about his motivation and love for art and the glass art in particular.

**What inspired you to create this exhibit of coin glass sculptures?**

I had decided to make an exhibit out

of glass to attract young people to look at history and be proud of their Jewish heritage.

**How did you become interested in creating glass sculptures?**

I started taking a course on stain glass and after I perfected the art of stain glass, I moved to creating glass sculptures.

**All the works in this Collection have a vibrant color, how**

**did you bring out the clarity and brilliance of the glass?**

Each coin is made of translucent glass of different hues and each is about a foot in diameter and nearly an inch thick. The coins have been installed in the exhibit with back illumination to display the clarity and brilliance of the glass.

**There are twelve coins in your Collection and each coin is a large scale recreation of coins used throughout the Judaic history; what research did you do to find and select these twelve coins?**

I had gone to the Israel Museum

in Jerusalem and I spend time in the section on Jewish history and Judaic coins. I became interested in the history of the Jewish coins and continued my research by reading a number of books when I returned from my trip to Israel. Each of the twelve coins in my Collection represents a different era in Jewish life.

**Who did you dedicate this exhibit to and why?**

I dedicated my entire Exhibit to Jewish heroes and people who had died and fought for their belief in Judaism. It is their sacrifice that made possible the continuation of the Jewish religion and homeland.

**Would you tell us more about the coin called “The Persian Rule,” and how it relates to Iranian Jewry?**

Two thousand five hundred years ago, Persia was a large empire. The king would conquer different lands and rule from a distance. The Empire would print coins in different parts of the world that were conquered by the king. The coin I called the “Persian Rule,” was made in Judea for use by the people who lived in Judea.

**Was the coin titled “The Holocaust,” actually used by Jews in the Ghetto?**

Yes, when the Jews were brought to the Ghetto by the Nazis, they were forced to trade in their money for coins. Unfortunately, these coins did not have any real value.

\* Siena Casale is 12 years old and a 7th Grader at Lincoln Middle School.



30 Years After:

## “We have unpacked our bags. We are ready to act.”

By: Nicole Behnam\*

**“I have been impressed with the urgency of doing. Knowing is not enough; we must apply. Being willing is not enough; we must do.”**

Russell Taylor



*From left to right: Mona Shemtoub (Shofar photographer), Nicole Behnam (Shofar news correspondent), Kayvan Mottahedeh and Jennifer Shirazi (conference attendees)*

Have you ever asked yourself if you are truly politically inclined? Have you ever read or heard about an issue you wanted to know more about, but did not know where to seek more information? Have you wanted to make a difference but simply could not figure out how to get involved in the exertion of our city's policies? On October 10 more than 1,300 people—young professionals, students, parents, and even grandparents—attended the second biennial 30 Years After conference,

where these questions, along with several others, were answered by some of the greatest thinkers and leaders in our community.

There were nine different breakout sessions between the morning, afternoon, and evening plenary sessions. Topics that were discussed included the future of the Jewish community, local and state politics, philanthropy and activism, and foreign affairs related to Iran and Israel. In addition, there was a voter registration table, along with 30 exhibitor booths from leading

Jewish and civic organizations.

“Per capita, we are arguably the most driven and successful minority in the greater LA area, if not in the state,” said Dr. Ebbie Soroudi, a supporter of 30 Years After. “We are among some of the most influential group of professionals, intellectuals, and business minds. It is unfortunate we have not been more involved with politics thus far.”

When Rabbi Wolpe of Sinai Temple spoke, he urged the people sitting in the Century Plaza ballroom to begin living for themselves and stop worrying about everyone else's perception of them. He went on to dissect a rampant notion he believed many Persian Jews uphold. The notion that we are so gifted and that “[we] have succeeded beyond the dreams of any immigrant community that has ever come to this country.” And that is all true said Wolpe, who also noted the economic “fertility” of the United States 30+ years prior.

“The opposite is also true,” said Wolpe. “There is a deep sense of being discriminated against, unappreciated—that people don't realize what the Persian community is, and people condemn it from outside without understanding it.” In other words, with the tremendous pride comes tremendous insecurity. “You need not feel either,” said Wolpe. “Your accomplishments speak for themselves, and the inflation of self that sometimes masks insecurity is no longer necessary. The question is not: how [does] the world regard you? The question is: what will you do with what you have done?”

Carly Fiorina, former Republican candidate for the United

States Senate emphasized the necessity of declaring that Israel is our most important friend in the middle east and that we will stand with her no matter what. “We must be clear and loud and unequivocal,” said Fiorina, who also spoke about the importance of standing up for the people in Iran who are risking their lives for human rights.

“We are proud that we helped further the U.S.-Israel relationship by empowering our community to become more effective Israel advocates,” said Sam Yebri, President and co-Founder of 30 Years After.

Meg Whitman, former Republican candidate for governor of California, also shined light on the contributions Israel has made to technological progress. Dan Senior, author of “Start-Up Nation” alluded to Meg Whitman mentioning that Israeli startups, Israeli innovations, Israeli engineers, and Israeli entrepreneurs helped transform the eBay while she was CEO of the company. In fact, this turned Senior on to a story that was the centerpiece of his book.

The conference, themed “Now is our time: to learn, to act, to lead,” certainly did more than fulfill its purpose.

The feedback from the conference has been consistently



*Nicole Behnam and Meg Whitman, former candidate for governor*

positive. “The most meaningful feedback comes from those who are excited to vote for the first time,” said Yebri. “Those who find a new community organization that they want to support, or those who thank us for focusing our community on doing good for others, not just well financially for ourselves.”

30 Years After was established in 2008 with the initial purpose of engaging a community of new Americans to become involved in civic activities, community, and public service.

Since 2008, 30 Years After has increased their media exposure, including publicity through television coverage on local evening news and international media in Europe and the Middle East. And although there were union strikes and protests outside of the Century Plaza hotel that morning, the conference was no exception to this exposure.

Yebri believes that the success of the conference reflected two things: “that Iranian-American

Jews have unpacked their bags and are eager to make a difference locally and nationally, and that political leaders are noticing the growing voice and power of this influential community.”

Without a doubt, this group’s vision has been actualized; their goals have been fulfilled, their voices heard.

\*Nicole Behnam is a student at USC majoring in Public Relations and Journalism.

## READ SHOFAR ONLINE

You can now read all issues of Shofar Magazine

On line at

[www.IAJF.org](http://www.IAJF.org)

By clicking on Shofar Magazine

# Winners Of David And Dina Ramzi Memorial Fund And Shofar Magazine Writing Contest

By: Nazanin Ramzi Shamtobi

**M**y late father, Davoud (David) Ramzi, was a poet and writer who dedicated much of his life to the pursuit of knowledge and growth through literature.

It is in my parents' memory that "The David and Dina Ramzi Writing Contest" was established, to acknowledge and support the innate talent and passion of those who celebrate life through the written word.

Davoud Ramzi was the author of six books, three of which were published in Los Angeles. The story goes that when my parents first met, my mother was so moved by my father's passion for poetry that she published his first book of poems called "Jedal" in 1964. This love affair with words and poems continued for both of them for the rest of their lives.

As Iranian Jews, we have the unique privilege of being the recipients and treasure-keepers of our rich Jewish stories and books of philosophy and life as well as the incomparable writings of classical Persian poets like Ferdowsi, Hafez and Rumi and countless modern Iranian writers and poets who continue to express the wonder and angst of their era through the

written word. It is my sincere desire that through contests like this, the young and creative members of our community will be encouraged to express themselves through writing

I am delighted to present this year's contest winners, Shahram Barkhordar and Dalit Yadegaran. When I met Dalit, she told me that winning this contest has prompted her to rethink what she wants to study in the future. She said that now more than ever before she realizes how much she loves to write and is considering majoring in English literature at UCLA.

What I wish for Dalit and Shahram, as well as all the other wonderful writers who submitted their poems and stories for this contest, is that they always find and hold a place for writing in their lives.

I am grateful to my dear friend, Mojgan Rahbar, and the Iranian-American Jewish Federation for giving me the opportunity to use Shofar as a forum to display the works of our talented winners.

## Judging Panel:

\*\*\*Nazanin Ramzi Shamtobi

received her B.A. from UCLA in Political Science with an emphasis on International Relations of the Middle East. She continued with the Masters program at UCLA in Persian Studies in the Near Eastern Languages and Cultures Department where she was an assistant professor.

She is currently a master's candidate for Spiritual and Depth Psychology at Antioch University.

## \*\*\*Shirin Ramzi

received her B.A. in English Literature at UCLA. She then received her Master's degree in Education from Pepperdine University. Ms. Ramzi has been a dedicated teacher of English Language and Literature at Palisades High School for over a decade.

## Dalit Yadegaran

recently graduated from Santa Monica High School and has been accepted to UCLA for the class of 2014. Her winning essay is:

## "What influences you to wake up each morning?"

**How should I respond to the above question when asked by my interviewer to a prestigious Ivy League university?**

No, I can't say my alarm clock. Too simple.

My responsibility and determination to strive for the top of my class at school? Too cliché.

My parents who nudge me around at 6:50 every morning? Too common.



My passion. Yes, that feels perfect. It fits just right; as if I've found my perfect prom dress.

### **My passion**

For life, for my best friend of 15 years, for the satisfaction after cooking a homemade feast on my own, for painting and sculpting, for dancing, for being serenaded, for vivacity, for scavenger hunts around Santa Monica with 20 of my friends, for capture the flag, for the smell of a crisp new book being paralleled by a timeless classic novel with molded pages; yet rich with annotations in blue and black ink, for three day weekends, for Grammy parties and Superbowl Sunday bets, for feeling European and fabulous each time I walk out of Zara, for my first pool party, for second semester senior year, for completing my Bat Mitzvah reading and wishing my party slowed down, for boom boom Pau Gasol and the Lakers, for pathos ethos and logos, for being nice to strangers, for the voices of children living in Sderot, Israel who I met and told me how they are effected by terrorism, who catalyzed me to create my own foundation for them, for using a cell phone to text; not call, for braces; twice, for traveling from the hot springs of Costa Rica to the isolated tranquil islands of Thailand, for Nutella, for loving NYC's excitement, for LA because we really do have everything here, for smiles and yawns which are both contagious, for mechanical pencil refills, for earning a perfect score on a research term paper which examines the ins and outs of America's health care system

as opposed to Canada's, France's, and Cuba's, for "tadeeg" and "gormesabzee," for chocolate pancakes and bagels, for all of LA commuting to Las Vegas in the winter and Palm Springs in the spring, for my incredible Maja and Faja, for Psychology Today articles, for Canons and disposable cameras, for saving the 'How to Operate' handbook; but never opening it up, for seeing that a store in Israel has my name, for the goose bumps that form every time I drive past the federal building and see extremely dedicated individuals waving Iran's pre-revolutionary flag as they make the peace sign with their fingers, for hikes at the crack of dawn, for runs down San Vicente whenever I get the chance, for walking into glass doors, for the first time we celebrated a birthday in a limousine, for embracing adversity and converting it into my triumph, for speaking in front of 3,000 people at once, for dressing up, for advocating, for my brother who would pick me up from school when he first got his license, for The Office, Entourage, and Gossip Girl, for the hidden and dying art behind Persian rugs, for getting on a big screen in Times Square, for loving unconditionally, for 500 Days of Summer: reality vs. expectation, for high school, for the first time I won first place after one of my hurdling events, for Caravane by Raphael, for my brother who is studying abroad in Israel, for Guetta and Bocelli, for sprints down the beach, for fistpumps and powpumps, for looking at an old picture and remembering every feeling and thought that was running through my mind at that exact moment, for

Thanksgiving every week during Shabbat, for never tolerating disrespect under any circumstance, for analyzing Obama's State of the Union address, for Fight Club, for Hakoach which will always have a strong place in my heart, for color books, for my AP Biology teacher Mr. Gaida, for basketball leagues at Westwood Recreation, for when we would all drive each other around without having had our licenses for a year, for craving a new album by JT, for Aroma and Urth, for being strong enough to make my own destiny rather than let my destiny make me, for being paralyzed by philosophy, for the fact that when two hearts race; both win, for holding onto fairytales, for replaying songs, for sleepovers, pillow fights, and no sleep, for Yoga and Pilates, for those little questions that your friends fill out and pop up on your Facebook wall; which everyone secretly loves, for reading the notes left in old yearbooks, for having an incredible sensation while watching the Olympics that for a couple of weeks we're all united; Go World, for making the switch by going green, for the domino effect that comes from holding hands while ice skating when one person falls, for C&O's garlic balls in Venice, for admiring the long struggle my grandparents have gone through from Iran to America and seeing everyone assimilate into the American lifestyle, for Coachella's three day line-up, for surrounding myself with people who make me feel good, for the implications that are entailed by the letter Z, for furs; but not the type that comes from animals, for being Jewish,

Persian, and proud, for sunsets and views on top of the world, for vintage pearls from the 1920's, for contemporary art, for pasta, for iPhone applications, for dresses and up-do's from the Elizabethan era, for pink towels, for being an idealist, for believing in mind over matter, for supernova, for leading, for learning, for winning, for life.

"For Passion," I respond to my interviewer as a shy smile steals my face.

### **Shahram Barkhordar**

graduated from the University of California, Santa Barbara majoring in Religious Studies/Psychology and is now living in Los Angeles working as an administrator for a non-profit organization. His winning submission is poem titled

### **"Here I AM."**

Here I Am  
Here I Am.  
Do not be afraid.  
We fall, and we rise back up.  
We fall again, and we'll keep getting back up.  
Who are we? The people, the mothers, the fathers, the sons and daughters, of history's past...  
Into the night's darkness we set out, and through the day we seek our way.  
And who am I, you might ask?  
Well...I am you.  
And I hear this beating, this ancestral drumming, coming to meet me, from long forgotten dreams and myths.  
They hunt and pursue me.  
But do not be afraid, Here I Am.  
Let me start.  
In the beginning, the earth was indifferent and dark, a bottomless frost covered the depths.  
And it was spoken, a shatter, a spark, a crackling of light.  
And we began to run. To search,

to yearn, to crave, to know, to lust, to toil, and to understand what we were and how we got here.  
A germ, a seed, a beginning to an end, forced into oblivion and back again.  
Now grasp yourself. Understand your power. Recognize your responsibility.  
Perpetual motion is nothing but change. At each stop, at each glance, at each thought, we have gathered in the demons or summoned the radiant sun.  
Nothing stays the same forever. And yet we are just that, at once nothing and forever.  
Being is non-being realized.  
So clench your teeth, outstretch your mighty hand, look up, eyes taunting the imposing sky, and believe.  
You are the master of worlds, contracting into the center of being and expanding like rings of fire.  
The Phoenix rising in the West will send forth her wings blazing in the East.  
Do not be afraid. HERE I AM.

## **Writers & Reporters Wanted**

**Shofar Magazine** is looking for energetic enthusiastic individuals who would be interested in submitting feature articles, short stories and attending different social events within the community and reporting them for publication. A press pass will be issued to those who qualify.

For more information please contact:  
[MMRAHBAR@AOL.COM](mailto:MMRAHBAR@AOL.COM)

view **Shofar** online at : [www.IJAF.org](http://www.IJAF.org), click on **Shofar Magazine**

# L.A. Youth Orchestra has moved to Beverly Hills

By: Shirin Raban (Member of L.A.Y.O. Board of Directors)

**The Los Angeles Youth Orchestra has moved to Beverly Hills, and the beautiful Saban Theatre is our new home - a magnificent place for our awe-inspiring music.**



The Los Angeles Youth Orchestra is an Emeritus Youth Orchestra Partner of the LA Philharmonic and represents over 60 LA area schools. There are two levels of orchestra: the Concert Orchestra is for younger players with at least two years of playing experience and the Chamber Orchestra is for the more advanced students. The Orchestra also offers the opportunity to play in chamber groups at community events and salons.

LAYO was established by Artistic Director, Russell Steinberg in 2000 at Milken Community High School of the Stephen S. Wise Temple. Dr. Steinberg is a composer, lecturer and educator who received a Ph.D. in music composition from Harvard University. He studied

composition most notably with Leon Kirchner, Arthur Berger, Elaine Barkin, and Kenneth Klauss. His music for concert and film has been performed extensively in the United States and abroad.

In its short existence of only 10 years the Los Angeles Youth Orchestra has become a musical voice that embraces the entire community. Acclaimed performances at Walt Disney Concert Hall and the Colburn School have established this ensemble as one of L.A.'s finest youth orchestras. The orchestra has been featured on CBS TV News affiliate KCAL CHANNEL 9, as well as the Los Angeles Times, the Beverly Hills Courier and several other news publications. Several

of the Orchestra's alumni students are continuing their studies at the Julliard School of Music, Cornell University, the Berklee College of Music, and UCLA.

Students study established masterworks, but also have the exciting opportunity to premiere new music. Rehearsals include work as a full orchestra as well as sectional practices with professional coaches. Additionally the orchestra offers a variety of unique enrichment experiences such as working with guest artists and mentoring with major orchestras. Students aged 8 to 18 with two years of instrumental instruction may audition.

Recently, the orchestra has become independent and as a nonprofit institute needs to raise funds to operate and to assist deserving children with orchestra tuition support. Donors are welcome to attend rehearsals and meet the children, attend concerts, and participate in private music salons. The contributions of individual donors are what enable the orchestra to survive and continue to create the musicians of tomorrow.

Los Angeles Youth Orchestra programs are performed twice a year in November and in April. This Fall of 2010, concerts are held in November at the Saban Theatre in Beverly Hills and Zipper Concert Hall at the Colburn School in Los Angeles. The program features a special performance of the Daniel Pearl commission *Stories From My Favorite Planet* by Russell Steinberg with guest soloist Mitchell Newman of the Los Angeles Philharmonic and guest narrator Theodore Bikel, star of stage, film, and television. Auditions for the spring semester will be held on January 8 and 9, 2011. For more information regarding auditions, concerts, Board of Directors and donations please visit us at:  
[www.LosAngelesYouthOrchestra.org](http://www.LosAngelesYouthOrchestra.org)



**The Gondi Lunchbox Project:**  
A Community Project for Awareness & Transformation

**Iranian? Jewish?  
Got Stories?**

If you are Iranian-Jewish\* and have a true story or comment to share with your community about living in America, *good or bad*, we want to hear it! All submissions are *anonymous*, even to us, unless you want to be known for your work.

Can't think of a story? Here are some ideas...

**FAMILY interracial relationships careers SEXUALITY depression COMMUNITY inheritance DECEPTION patriotism evil eye SUPERFICIALITY religion KHASTEGARI immigration COMPETITION reputation divorce SOLIDARITY violence SOCIETY education assimilation FRAUD pressure spirituality MARRIAGE double standards MONEY parents HYPOCRISY rebellion racism suicide ACCEPTANCE blind dates DRUGS secrets faithfulness siblings discrimination HIGH EXPECTATIONS coming-of-age success MATERIALISM stigma illness SHABBAT physical abuse JEALOUSY therapy witchcraft incest TOGETHERNESS sexism rivalry addictions VIRGINITY artistic expression IMPOTENCE obsessions COHESIVENESS**

\*At least one parent Jewish and one of Iranian descent.

**What is The Gondi Lunchbox Project?**

It is a community-based project committed to bringing awareness and transformation to the Jewish Iranian-American communities nationwide by gathering and compiling our anonymous real-life experiences, stories and commentaries. For more information, please see our website, [www.gondilunchbox.com](http://www.gondilunchbox.com).

**Why is this important to our community?**

Honesty, openness and sharing beget awareness. And awareness leads to individual and communal growth, action and transformation.

**How can you make a difference?**

Submit your story today!

The Gondi Lunchbox Project is taking submissions, written or oral, in English or Farsi, authored or anonymous.

DEADLINE TO SUBMIT: December 31, 2010

Send your submission to: [gondilunchbox@gmail.com](mailto:gondilunchbox@gmail.com) OR

The Gondi Lunchbox Project, P.O. Box 67948, Century City, CA 90067-0998 OR on our website.

**[www.GondiLunchbox.com](http://www.GondiLunchbox.com)**

# What's the Fuss About Clean Tech?

By: Richard Bookbinder and Bobby Shamsian\*



**“A new “green wave” is spreading, and many of us are looking for ways to understand what is taking place.”**

As we've learned over a long time, history is a wonderful guide. There has always been an event or series of events that have lead to new policies.

Look at four dates in history:

- May 4, 1904:Construction began on the Panama Canal.
- May 6, 1954: Construction began on the U.S. Interstate Highway System.
- May 25, 1962:An ambitious effort began to place a man on the Moon by the end of the decade.

Each of these events addressed a concern for national security. The Panama Canal was necessary to move Navy ships from the East Coast to the West quickly. The Highway System was essential in moving troops across the country swiftly in the event of a military attack. Finally, placing a man on the Moon was our way of taking the lead in the “space race.”

The fourth date is July 11, 2008 and should still be fresh in the mind of all consumers: crude oil

traded at an all time high of \$147 per barrel.

Remember the Presidential campaign season of 2008? Remember “Drill, baby, drill?” The recent massive oil spill and resulting destruction in the Gulf of Mexico has certainly thrust a monkey wrench into offshore oil exploration.

But, what has happened since July of 2008? And, why should we be paying attention to this debate?

While scientists have debated the issue of global warming and climate change for years, the record spike in oil prices provided new impetus to develop alternative methods of cleaner energy sources for power: wind, solar, geothermal, and biomass just to mention a few. So where are we today?

- World populations are growing and putting strains on global economies and resources.
- CO2 emissions are increasing and many parts of the world are ahead

of the United States in efforts to reduce the pollutants.

- There is a growing awareness of global warming, and it is being led by corporate leaders. And, if you have school age children, just try to discard the plastic bottle. See what they tell Mom and Dad! Colleges are also on the forefront of the effort by offering programs in environmental science.

- Global economic stimulus programs have pumped nearly \$500 billion into new methods of renewable and clean energy.

- The BP spill is highlighting the need for cleaner sources of energy.

This new “green wave” is spreading, and many of us are looking for ways to understand what is taking place.

The most recent development on the green wave is Senators Kerry and Lieberman’s comprehensive plan for a national energy policy. In the corporate arena, energy producers like Duke Power and PG&E are diversifying investments in renewable energy, energy efficiency and smart grid transmission. Nike and Apple are incorporating sustainability into their business models. Even pension giants CalPERS and the New York State Retirement System are adopting standards for their investment managers to incorporate sustainability and renewable energy investments in their portfolios. With new renewable portfolio emission limit standards being implemented by over thirty states, Washington is finally stepping in line.

The developing opportunities in clean tech are taking place all over the world. European institutional investors have been investing in these asset classes for years. China is emerging as a major leader with its installations of solar and wind energy, and much of Asia is building new manufacturing facilities that

utilize clean energy sources.

Let's look at a few sectors, and consider the power grid. To replace and upgrade an aging 50 year-old electric transmission system is estimated to cost nearly \$25 billion per year for the next 20 years; that's half a trillion dollars! For anyone in the Northeast who remembers the blackout from 2003, this is no laughing matter. But, soon enough, there will be wind turbines offshore Cape Cod producing clean power.

The same holds true for water. The management consulting firm, McKinsey and Co., recently estimated that, "By 2030, under an average economic growth scenario...global water requirements would grow...a full 40% above current accessible." Much of the new technology can be described as "low tech" and has been developed by necessity. Israel developed the modern efficient technology of drip irrigation on a Kibbutz in 1959, and exported the process to other parts of the world. U.S. farmers are migrating to new methods to achieve water conservation.

Scientists, historians, and economists share one commonality: they are all great at interpreting past history. But as history has taught us, it's important to maintain focus on the future by looking at today. Two facts are clear: natural resources are being depleted and have been seriously damaged in the Gulf. Companies that have solutions are likely to be at the center of the change. It's time to move to the next step.

\*Richard Bookbinder, is a Managing Member and Bobby Shamsian the Vice President of TerraVerde Capital Management LLC.  
(www.terraverdecap.com)

## Study Finds Genetic Links Among Jewish People

Thanks in large part to a generous gift from the Iranian American Jewish Federation of NY to the Albert Einstein College of Medicine, geneticists at Einstein and NYU School of Medicine have created the first comprehensive genetic map of major Jewish populations. This historic finding indicates that Jews from different regions of the world share genetic traits that date back over 2,500 years. The Jewish HapMap Project published in the American Journal of Human Genetics and subsequently covered in major media outlets worldwide, demonstrated that Jews are genetically linked to a common Middle Eastern ancestry dating back approximately 2,500 years. This discovery opens a new door for medical research.

"By providing a comprehensive genetic fingerprint of various Jewish subpopulations, it can help us understand genetic links to heart disease, cancer, diabetes and other common diseases," said co-author Edward Burns, M.D., Executive Dean and Professor of Pathology and Medicine at Einstein.

"The study supports the idea of a Jewish people linked by a shared genetic history," said Dr. Harry Ostrer of NYU. "Yet the admixture with European people explains why so many European and Syrian Jews have blue eyes and blond hair."

"The goal of the study was to determine a genomic baseline," said lead author Gil Atzmon, Ph.D., Assistant Professor of Medicine and Genetics at Einstein. "With this established, we'll be able to more easily identify genes associated with complex disorders like diabetes that are determined by multiple variants across the genome. Armed with this information, we will be better positioned to treat patients."

Published as "Abraham's Children in the Genome Era: Major Jewish Diaspora Populations Comprise Distinct Genetic Clusters with Shared Middle Eastern Ancestry," the study has generated a great deal of excitement in the major media and Jewish press. You can read more about it here: <http://www.einstein.yu.edu/home/addCoverage.asp?id=205>.

Funding for the Jewish HapMap was made possible by the IAJF and other concerned members of the Jewish community. Your continued support is vital to helping Einstein and NYU continue this research. For more information, please contact Janet Heit at 718-430-2790 or [Janet.Heit@einstein.yu.edu](mailto:Janet.Heit@einstein.yu.edu).

The IAJF's partnership in this pioneering genetic research project studying Iranian Jews for the first time ever, and other Jewish populations, demonstrates IAJF's visionary leadership and care for the community.



# Team Talia

By: Hayley Tizabi\*

**“As the parents of a child with Type I Diabetes, we were initially overwhelmed by the diagnosis. The fact is that as many as 3 million Americans are born with, Type One diabetes, a disease most often diagnosed in childhood that strikes suddenly, lasts a lifetime, and carries the constant threat of long-term complications.”**

In 2005, at age 3, our daughter Talia was diagnosed with Juvenile, or Type 1 Diabetes. Within days, she became subject to a still ongoing pattern of finger pricks, insulin injections and an entirely new approach to eating. At the same time, my husband and I were quickly forced to become experts in each of these fields.

As the parents of a child with Type I Diabetes, we were initially overwhelmed by the diagnosis. Aside from requiring significant changes that affect Talia, there is constant concern over what Talia’s blood sugar levels are in the middle of night and at school/camp, where we can’t always be there to keep watch. After an initial period of adjustment, we proactively decided to keep our approach a positive one by looking for the good in all this and more importantly, by never letting diabetes define Talia. For example, our family of five now takes a much healthier approach to eating and at 7 years old, Talia demonstrates her maturity by making healthy choices and by showing her teachers how she tests her blood sugar by herself.

It is extremely important for us to demonstrate to Talia that she, as well as the millions of Type

I diabetics are well supported in their fight to find a cure. Perhaps the most consistent example of this is our family’s annual participation in the Juvenile Diabetes Research Foundation (JDRF) Walk to Cure Diabetes. The JDRF’s mission is to find a cure for diabetes and its complications by supporting research that has made significant strides in just the past few years.



*Talia and her siblings.*

The fact is that as many as 3 million Americans are born with Type 1 diabetes, a disease most often diagnosed in childhood that strikes suddenly, lasts a lifetime, and carries the constant threat of

long-term complications including heart disease, stroke, blindness, kidney failure, and even sometimes amputation.

The Walk draws people together for a healthy activity for a worthy cause. Taking place each year on the grounds of Dodgers Stadium (this year on 11/7 at 10am), The Walk is a good time for families, friends, companies and their employees. Above all, it’s an event people that people feel good about supporting simply by being there.

Over the past few years, we have been blessed by our friends and family who make up the core of our team, TEAM TALIA. Together, we have raised more than \$10,000 to support diabetes research. Far more important than the dollar amount raised is the support and comfort we have received from the sheer number of participants in the Walk itself. As Talia grows older, she is increasingly aware of the support she has and that makes dealing with diabetes far more tolerable.

Talia never fails to warm our hearts. One day, while driving to school I looked in my rear view mirror and she was deep in thought. She asked me “Mommy, do dreams ever come true”. “Of course they do” I said “What is your dream, Talia?” Silence. “I dream that one day when I grow up I will be an artist ... or a gymnast ...or a teacher .... or a Mommy like you... and that I won’t have diabetes anymore!”

I have no idea what wondrous dream Talia will have next. Her mind never stops and neither does her loving heart. Whatever she decides upon, knowing our daughter, it will be big and powerful and touch upon the lives of others.

\*Hayley Tizabi is the dedicated wife of Ray Tizabi and mother of 3 incredible children. Working in Radiation Oncology in Santa Monica, California.

# Adult Children And Their Parents

By: Mastaneh Moghadam, LCSW\*

**“Making the decision to have a child is momentous. It is to decide forever to have your heart go walking around outside your body.”**

~Elizabeth Stone

Every single one of us is a product of Parents. Parents, who have at the very least, given us life, fed us, clothed and sheltered us. Hopefully, they have also nurtured us, educated us, protected us, taught us right from wrong, sat up with us when we were sick, laughed with us, cried with us, and have done their best to love and support us. So, now that we are older...what are we to do with them? Do we thank them and bid them farewell? Do we show our appreciation by living our lives the way they want us to? Do we listen to them or run from them? Become their friends or their enemies?

Ideally, the hope is that every child has been raised in a healthy family environment with a great deal of love and balance. The parents in this family have given their children equal amounts of attention, freedom to express emotions, age appropriate responsibilities, and respect. They have modeled appropriate boundaries and have earned their children's trust by offering them a sense of security and consistency. The parents have allowed their children to

experience life by making their own decisions, their own mistakes, and allowing them the freedom to be the individuals that they can be. And having experienced such a solid childhood, ideally as adults, our relationships with our parents include mutual love, respect, trust, and appreciation. We accept them as individuals with their own opinions and imperfections, goals, and values and in return, they do the same for us. They listen to our ideas without judgment, they share their wisdom without enforcing their beliefs upon us, they value the people that we are and support our decisions, weather they agree with it or not. We look forward to calling them, speaking with them, sharing new experiences with them and reminiscing through old times. They have become our friends, our confidants, and our biggest fans... and we all live happily ever after... does this sound like a fairy tale to you? Is this (or at least something almost like this) your reality?

For many of us our childhoods were filled with imbalance and (at times) chaos. We may have grown up with

parents whose own personal weaknesses and personality flaws lead to family structures where non-communication and secrecy were the norm; anger and judgment ruled the house. Where power structures were unequal, rules and expectations were inconsistent, and respect was non-existent. Where love and attention was a commodity that was hard to come by and interdependency was encouraged. And now, as adults, our relationships with our parents seem to be filled with feelings of resentment and anger, sprinkled with guilt. We find ourselves in a cycle of power struggles, and fights over control. We may find ourselves constantly looking to our parents to be saved or to save them, neither of which feels satisfying nor makes us happy. We may decide to “give in” and just do as they say and in essence become a martyr to their needs. Or, at the other extreme, make sure to do everything the opposite of what they want, often destroying ourselves just to see them suffer. Does this sound like anyone's reality?

Perhaps, for most of us, the reality of our relationship with our parents lies somewhere in between these two scenarios. However, if you find yourself drawing parallels to the later more than to the former, you may be wondering what has lead you there. Well...you're Iranian. No, no – while that is not entirely the reason why, we do have to take a minute and look at our culture of origin.

The Iranian Culture's values and norms are historically more oriented towards the concept of collectivism rather than individualism. Collectivism

encourages compliance, conformity, and cooperation for the greater good of the whole group. The American culture stresses the idea of autonomy for the individual, self-assertion, nonconformity and healthy competition. Iranians in general value discreteness and secrecy, particularly regarding personal matters due to the notion of “Aberoo” or saving face and the importance of keeping a good “reputation” in front of others, versus Western cultures that tend to value expression of feelings.

So here we are some thirty years into our collective migration from a culture that stressed to our grand-parents and our parents this “Collectivism” approach to child rearing – yet we go to school and socialize with teachers, neighbors, friends, and mentors that interact with us based on the “Individualism” approach to child rearing. Yet we all sit and wonder why we have difficulty communicating with our parents.

Of course, every child from every culture (immigrant and non-immigrant) feels a certain level of disconnect from his/her parents, that’s normal and to be expected. With us Iranians, however, the past 30 years feels more like a 90-year stretch when it comes to the shift in culture and values from our parent’s generation to our own.

In many immigrant communities – and certainly Iranians are no exception, we see a great number of what Psychologists describe as a “Parentified” child. The parentification could be physical (i.e. when a child is given the responsibility of looking after the physical needs of the parent

and/or siblings, (this can include duties such as grocery shopping, paying bills, supervising homework, coordinating medical care, etc.), and/or emotional (i.e. when a child is given the responsibility of looking after the emotional and psychological needs of the parents/siblings – such as when parents begin to confide in the child, discussing their problems and their issues, using the child as a surrogate for a spouse or a therapist). The Parentified child will generally suffer from having his or her own emotional needs neglected. They often struggle with lingering resentment, explosive anger and difficulty in forming trusting relationships with peers, often following them into adulthood.

We often find the parentified child in an enmeshed family dynamic. Enmeshed families are characterized by an extreme sense of closeness, so much so that almost any expression of independence is seen as disloyalty to the family. Where does one person’s business/identity/life, end and another begin? Within the enmeshed family, boundaries are virtually non-existent. When we are made privy to all of our parents struggles and invited into them and even made responsible for them; when we are asked to comfort or give advice to our parents on a regular basis; when we are relied upon by our parents, to the point where we begin to define ourselves as essential for their every happiness – we are in an enmeshed family.

When it comes to adult relationships with our parents we often have to ask ourselves if we have been given the opportunity to learn about ourselves and experience

ourselves as the individuals that we are. Have we had the opportunity to devise our own opinions and values, make our own decisions, and make our own mistakes? Do our parents accept us as adults with rights to our own chosen life-style? Do we accept our parents as individuals or are we judgmental of their choices and decisions? Do we interfere with and try to control their lives? And if the answer to these questions is negative, then who do we get to blame? Who do we hold responsible for this? Well, my friends, the answer to this...if you are an adult and care to be treated as one...is OURSELVES. Children blame their parents for their shortcomings, but as adults, we are the ones who need to take responsibility for them. Blaming our parents for the unsatisfactory state of our lives and for our circumstances solves nothing. Working hard to truly get to know ourselves and making a point to set clear and effective boundaries with our parents, and defining our lives, warts and all, by our own standards is what truly makes us grown-up; grown-ups who are worthy of having a mutually respectful relationship with our parents as well as with our own children.

\*Mastaneh Moghadam is the Iranian Outreach Coordinator at Jewish Family Service of Los Angeles. She also has a private practice working with individuals, couples, families, and children in private practice in Sherman Oaks, CA.



**Our Films Are Not Just Selected  
They Are Chosen!**

## **“The Los Angeles Jewish Film Festival”**

By: Tannaz Kamran- Rahbar

Photos by: Jasmine Daghighian\*



**The Opening Night Gala of The Los Angeles Jewish Film Festival was held on May 8, 2010. This exciting evening featured many famous and familiar faces from the Hollywood landscape who attended to support the creative efforts of Global Jewish Film Artists. There was also a sprinkling of interesting characters and personalities, such as a pair of huge sumo wrestlers, who walked the red carpet as human props for the movie “A Matter of Size.”**

The Los Angeles Jewish Film Festival (LAJFF) builds community awareness, appreciation and pride in the diversity of the Jewish people through film. The mission of LAJFF is to preserve and celebrate our rich Jewish heritage; to cultivate Jewish values and the quality of Jewish life in our community (not only for the affiliated but unaffiliated); and to create and maintain a sense of community by providing important and exciting programming for individuals,

families and organizations. In attendance, were actress Shirley Jones, Comedian Marty Ingels, Social Media and Networking Expert Peter Shankman, Actor Yuval David, Consul General of Israel, Jacob Dayan, and filmmaker Antwone Fisher.

“A Matter of Size” was the opening selection on that evening, Written and Directed by Erez Tadmor and Sharon Maymon. This utterly charming film was filmed in the earthy parts of Ramle and

brought out both intense laughter and tears from the audience. The central message to this piece is that size, well, does matter! The challenge we face in life, first and foremost, is the fight for “Self Acceptance”. We all struggle with some parts of ourselves, whether private or transparent to the world, physical or emotional. Sometimes when we need support and understanding from those around us, we find nothing but criticism and guilt trips imposed by the self proclaimed “Know It Alls” who find our misery the perfect opportunity to feed their own ego.

This story revolves around Hertzal, a seriously overweight man who has struggled with his weight since childhood. He lives in Ramle with his co-dependent Jewish-Mother who instinctively feeds him with an overabundance of fattening foods, and at the same time ridicules and chides her son for being fat, lazy, and a geek. Hertzal is humiliated and thrown out of his weight loss support group for gaining more weight, and loses his job for the same reason. Determined to prove that he is still worthy, he is drawn to the world of Sumo Wrestling, where he finds the comfort and respect he desperately needs for being who he is. The owner of the Japanese restaurant where he finds work as a dishwasher is an ex Sumo Master, and together they start a team with some other large friends. “There they discover the one activity where girth is a virtue and fat guys can be rock stars!” This film is an inspirational story about self-acceptance, self-love, and finding beauty and yes, LOVE, within yourself and others, regardless of what society dictates. We are

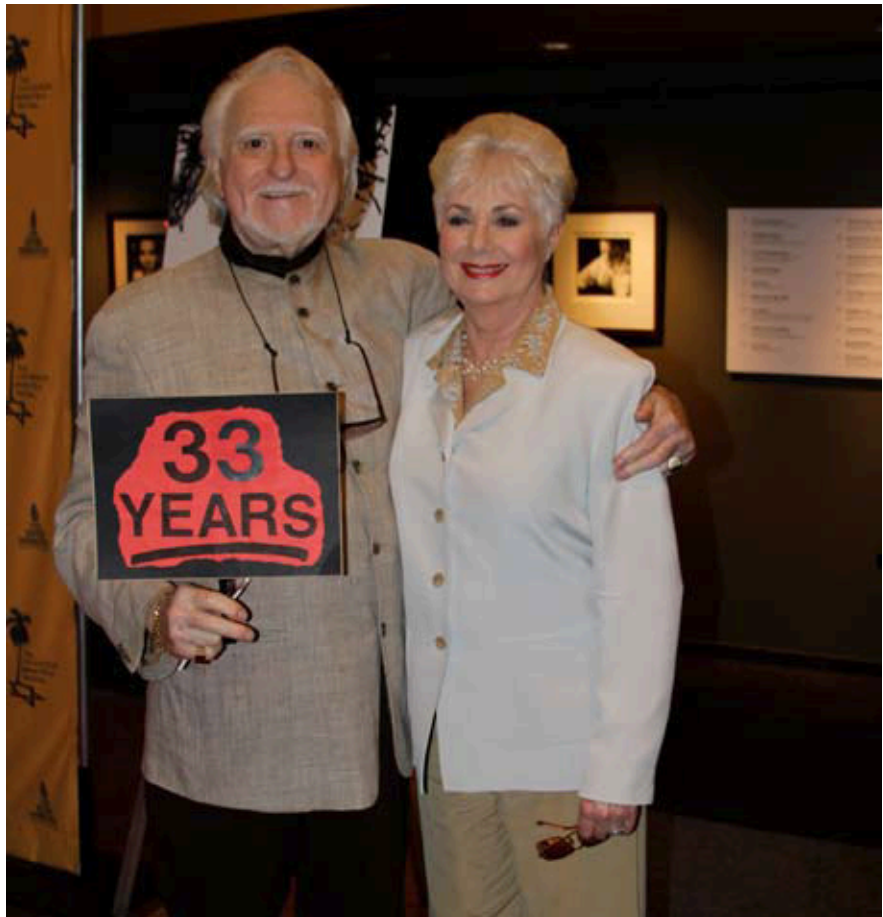


not born with these convictions; we must rather fight to the end to achieve them.

Some other movies featured at this year's LAJFF were:

Holy Rollers, also featured on the Jimmy Kimmel Live show, The Yankles, Anita, Bride Flight, The Loners and Seven Minutes in Heaven. There is also an evening featuring "Student Film Showcase" Where Jewish student films from day and high schools throughout Los Angeles are presented, celebrating the "burgeoning talent of our future generation of filmmakers.

\*Jasmine Daghighian is a recent graduate of the USC School of Cinematic Arts. She is currently working as a filmmaker and photographer in Los Angeles, Ca



## NEMAN HALL FEATURES:



**Exquisite Ballroom with seating for 450 guests**

●  
**Kosher Kitchen Facilities**

●  
**(Outside Caterers Accepted)**

●  
**Large Dance floor**



**Sanctuary and Chuppah Area**

●  
**Private Bridal Room**

●  
**Bedekn and tish area available**

●  
**Valet Parking Service**



.....  
for viewing of venue please contact

**Irma Smith**

Direct Line : (323) 656-2142  
Iranian American Jewish Center  
1317 N. Crescent Hights Blvd.  
West Hollywood, CA 90046

# The Barber of O.C.

By: Sabrina Azadi\*



**“Adults tend to lie when confronted with a newly born, hairy baby girl. They give the mother false hopes that the beard, neck and forehead hair on her bundle of joy will miraculously metamorphose from coarse black to blonde and eventually fall off!”**

Eight months into our marriage, my husband suggested that I should go and see a barber. He said it gently without giving me cause for alarm. He didn't use the word hair stylist, hairdresser or beautician. I wonder why? I thought barbers cut hair, give shaves and trim beards, often with mechanical tools. Maybe I'm being sensitive but to me the word has a distinct masculine connotation. Isn't it derived from the word barbaric? Doesn't the word barbaric mean someone uncouth and often bearded? It's possible; it has an entirely different root word, which I'm unaware of.

Maybe its origin relates to Barbarella, the Queen of the Galaxy.

She's the fantasy space traveler, with a mane of bouncy hair. She has various intergalactic adventures and fights off evil with her shiny space gun wearing skin-tight cat suits and metallic knee high boots. Maybe he's trying to tell me my hair needs more volume. I can easily fix that with my "big sexy spray and play" hairspray. Even though he wasn't looking at the hair on my head when he mentioned it, I'm sure that's what he was thinking; more bounce and body. I prefer to believe the latter derivation.

## What's All The Fuzz For?

Darwin has a lot of explaining to do when it comes to

female body hair. It must have some benefit. Evolutionary science tells me so. If it didn't it would have shed by now. My fuzz must serve some purpose. Maybe it's protecting me from bacteria, spread of disease and harmful UV rays. That's now all taken care of with penicillin, hand sanitizer and sunscreen. Whoever's making the decisions must see how futile it is. Surely they must know we're taking it all off. Why don't they bring the human conveyor belt to a halt? Don't they realize that faulty batches are going out? Why has natural selection turned a blind eye to the plight of over protected women?

It's too late for me. My concern is for future generations. Every day thousands of baby girls are born with what society tells me is a genetic deviance. These girls will spend a great deal of time and money on removing excess hair. Forget the rashes, cuts and the in growing hairs. It's the psychological damage that leaves the worst scars. I knew a girl that was driven to therapy because of her deep shadowy facial hair. Her brother had given her the nickname Mach 3 when she was three years old. Twenty years later, despite hopeful family predictions, the hair had not fallen-out. She wasn't even Persian.

## Baby Barbarella

Misguided information from family and friends creates anxiety. Adults tend to lie when confronted with a newly born, hairy baby girl. Female family members are particularly prone to well-meaning deception. They give the mother false hopes that the beard, neck and forehead hair on her bundle of joy will miraculously metamorphose from coarse black



to blonde and eventually fall off. Just like the belly-button does. They call it baby fluff. This is myth number 1. No one has the fortitude to tell the truth. It's misleading and unkind. They recall imaginary cases when it's happened to the baby of a distant cousin back home or a friend of a friend that they're no longer in touch with.

Their examples are always vague and never taken from the immediate family gene pool. Frankly they would be better off telling the mother the truth and allowing her to make the necessary provisions and preparations both emotionally and financially for herself and daddy's furry little princess.

No matter how cute her dimples are when she smiles the velvety moustache is distracting, so the baby is adorned with a huge bow, gold hoop earring and a shiny name bracelet specifically to publicize: "I'm not a boy!" The color blue is boycotted. The parents invest heavily in everything pink.

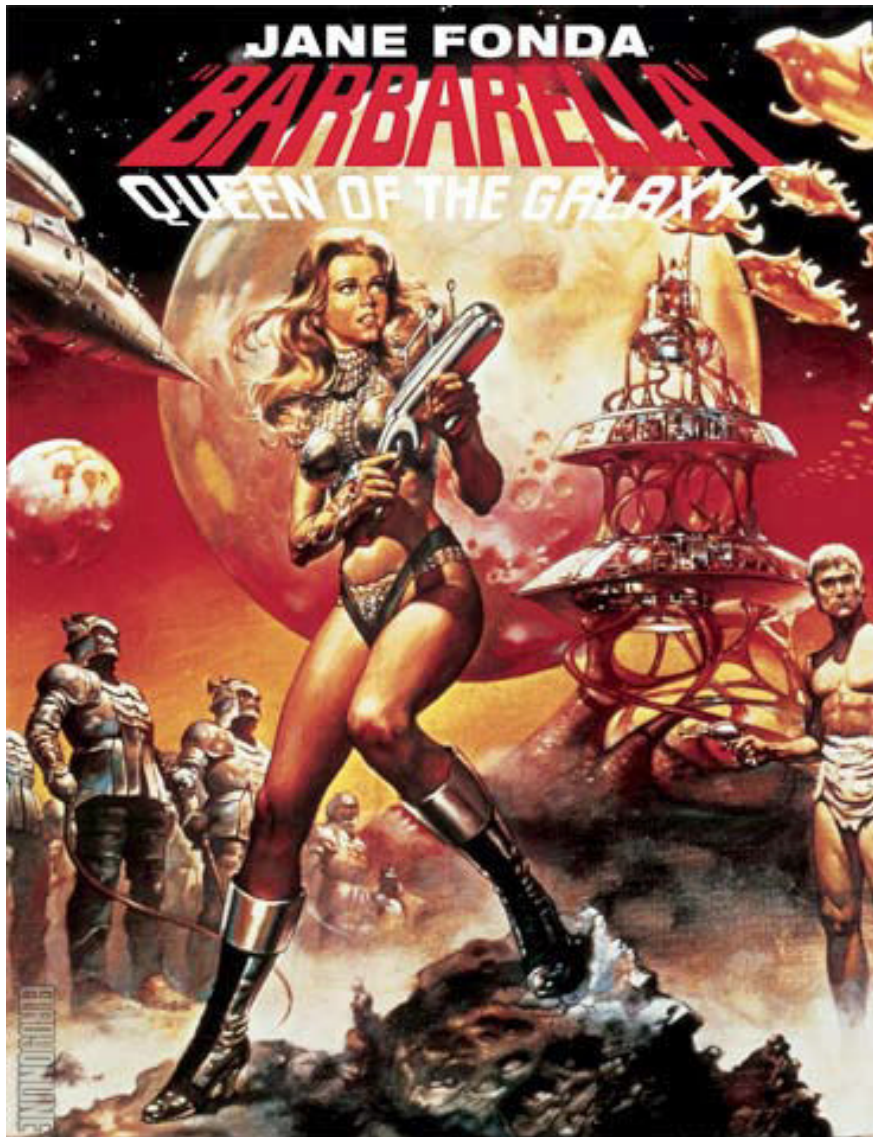
### **Moo-Mitzvah?**

Growing up, Baby Barbarella knows she's not like the rest of the girls and feels more comfortable with other Persian Princesses or girls from the

Mediterranean community. Who else can understand what it's like to have sideburns and lose a front tooth? When she's old enough to say moo (hair) she's given a pink Gillette ladies razor with a tiny bow tied around it along with a can of what looks like Barbie's whipping cream. Here begins what will be a

an important role in her life. The initiation, is usually suggested by an aunt, cousin or a close family friend. There will always be a debate as for the best course of action. Should she start shaving right away or would it be wiser for her to wax, and prevent thicker hair growing back, or maybe her condition is better suited

to threading? Which brings me to myth number 2: when you shave, wax or thread hair on any part of your body, it will grow back looking exactly how it looked before, maybe even worse. The pain you experience during your method of hair removal doesn't give you any re-growth advantages. Trust me, I know.



lifetime ritual. This is the point of no return. There should be a Bat-Mitzvah or some other formal entry into this coming of age but instead it's done quietly, discreetly and only in the presence of other women. This secret female society will play

is a freelance-fashion writer, jewelry designer and former magazine editor. She has written for publications such as the Los Angeles Times, Coast Magazine and Beverly Hills Times Magazine among others. Her blog is: [www.PersianOrange.blogspot.com](http://www.PersianOrange.blogspot.com).

\*Sabrina Azadi

# What Do You Want To Be When You Grow Up?

By: Ben Nabati

**“Individuals in our collective age group, those born roughly 1975-1990 are estimated to have nearly a dozen jobs before they turn 40.”**

The editor of Shofar Magazine asked if I could write a “Top 10” career choice list for our younger readers. After giving it some thought, I came up with five worthwhile ones! The editor suggested heavy amounts of research in order to write the article. Remiss on that account as well! But, I can assure you a genuine, informed and mature discussion of potential career paths. I may add a sixth for good cheer!

So, whither shall you start your journey into the vaunted ‘Real World’? Will you end where you begin? Likely not! Individuals in our collective age group (Those born roughly 1975-1990 are estimated to have nearly a dozen jobs before they turn 40). Of course, there are the traditional career professions like medicine and law. These paths offer relative career security, which Ben Franklin will tell you, has a dear price: “He who sacrifices freedom for security deserves neither.”

So let’s get started: Without hesitation, healthcare comprises nearly 20% of the American economy. Now, that doesn’t necessarily mean, go sign

up to take your MCAT. There are countless peripheral opportunities related to the healthcare industry, such as pharmaceuticals, medical technology, medical billing and facility administration, just to name a few. There’s a cornucopia (No, that’s not a ligament!) of options in the healthcare industry. Don’t automatically think you have to serve the general public directly, such as a doctor or nurse would. Sometimes serving providers can be wildly lucrative, say, on a business to business level.

Next is Sex. Yes, I said it. Sex OR anything dealing with it. You can lump most forms of entertainment with sex, plus many other industries: Certain types of clothes, makeup, fitness and other hype. I’m not knocking it by any stretch, and many of you will find my groupings absurd. I’m attempting to impart a way of thinking: Think of the end-user and how you’re impacting that individual’s life. Start and work onward from there. In this case, things that get people excited about how they look or smell relates to sex. Controversial,

but correct.

Thirdly, something less jarring: Energy-efficiency and ‘Green’ Enterprises. Federal and state governments and utilities are providing much sponsorship and direction toward energy-, water- and vital-resource-conservation and management. The writer is personally involved in this industry and sees a very bright future ahead.

Taxes, taxes, taxes. The ‘Tax Man’ isn’t going away. If anything, he’s become more emboldened. Taxes will be a decisive factor in society for the remainder of human civilization. If you can provide value in that arena to help people ‘You-Know-What’, you can’t go wrong.

Seen a fight lately? Of course you have. We live in a conflicted, licentious society. People are always disputing various things. One option that has gained in popularity in business and medical industry circles is mediation. It’s a more efficient way of resolving disputes. That said, I think that other professionals that can get people through difficult challenges (For example, Marriage and Family Counselors, Nutritionists and other Consultants) will have a promising future. The benefit to this service is the savings in time, money and aggravation your clients will experience compared to dealing with lawyers and trials.

And now for the bonus; The Sixth, as promised. The Sixth resides within you. By far, the road to riches in America is a wonderfully-executed, brilliant idea that sees the light of day. America is in the business of business. So



if your life's passion leads you to discover some incredibly different way to achieve some relevant and worthwhile objective, then DO IT. And don't look back.

No matter what you do, I will share a few things that my 20s have taught me. I made some major bone-head no-no's in my career path, so I plead humility on every count. But I learned from those errors and turned stumbling blocks into stepping stones. I recommend it.

I also recommend reading *The Alchemist* by Paulo Coelho. It's a wonderful story about -- you know what? Just read it.

Finally, learn about yourself. Focus on your strengths and work to develop them. I took a strengths-inventory survey in one of my college classes and after learning my strengths, my state of mind has constantly gravitated toward positivity and confidence. It's always about what I CAN do with what I have, rather than what I CANNOT achieve because of what I lack. As the righteous Lao Tzu said, "Knowing others is intelligence; knowing yourself is true wisdom. Mastering others is strength; mastering yourself is true power." *Nosce te Ipsum!*

If it's a framework you need to retain the gems I impart, I offer one here: Research, Respond, and Resonate. Research: Do your homework, especially on yourself and WHO you are (Not just WHAT you are.). Respond: Be True to yourself and others. Respond is the root of 'Responsibility'. And finally, Resonate: Make sure that what you do resonates with your true inner core. You owe it to yourself and society to maintain concordance between your inner direction and outer machinations.

Onward and Upward!

## "Freedom" A Unique Line Of Jewelry

Jewelry designer and fashion columnist Sabrina Azadi inspired by her love of antique crystal doorknobs has created the Freedom by Sabrina Azadi jewelry line.

The sparkling Austrian crystals set against contrasting leather cords expressing a distinct organic style that's fresh and minimalist, yet sophisticated with an edge. "Wearing crystals make me feel powerful, it's as if they are somehow magical," she says.

Each eye catching jewelry collection is named after a place that she loves, collections include: St. Barts, South Beach, Malibu and Crystal Cove. She also believes



that when it comes to jewelry, "you must wear the piece and not let it wear you." This is why her jewelry can be worn with an elegant cocktail dress or a pair of jeans.

Sabrina was born in Iran, raised and educated in London. She has also lived in Miami where she worked as an editor for a fashion magazine. She now lives in Orange County with her husband. Her last name "Azadi" means freedom in Farsi.

To see the Freedom collection please visit Azadi's website: [www.SabrinaAzadi.com](http://www.SabrinaAzadi.com)

# Rap, Torah, Rumi

## What do they have in common?

By: Mahbod Moghadam\*

**“Although rap music creates a lot of problems - teaching violence, promoting gangs, etc. - perhaps it is useful as a way of getting young people to explore the Torah. Start with rap, work your way towards the Torah, and follow it with some poetry by Rumi!”**

About a year ago, Shofar Magazine broke the story that a new website called “Rap Exegesis” claimed to be the Talmud of Rap Music. Thankfully, Shofar Magazine called these hooligans out for their insult to Judaism and forced them to change their name to Rap Genius (<http://rapgenius.com>). Although rap music and the Torah have a lot in common (both advocate violence, both involve gangs, etc...) they both also have nice things about them too! They foster community building, they celebrate poetry...

However, the Torah is still wayyyy cooler than Rap.

That’s why the editors

of Rap Genius have decided to explain the Torah on Rap Genius! You can check out the first chapter of Genesis, already explained: <http://rapgenius.com/lyrics/Moses/Genesis-chapter-1>.

Apparently, the Rap Genius editors went on Birthright Israel this summer or something like that... Because they also decided to make a map of the history of Judaism called “The Jew Map” (<http://thejewmap.com>). The Jew Map was inspired by the “Rap Map” (<http://map.rapgenius.com>), which is a Google Map showing the history of rap music.

Although rap music creates a lot of problems - teaching violence, promoting gangs, etc. - perhaps it is useful as a way of getting young people to explore the Torah. Start with rap, work your way towards the Torah.

Then again, maybe rap music and Judaism are not so far apart to begin with! (Isn’t Judaism really just a big gang?) Jerry Heller - the original agent who made Dr Dre and Ice Cube famous - was (you guessed it!) JEWISH! Drake - one of the most popular rappers right now - is (half) JEWISH!

Even the rapper Shyne converted to Judaism after studying Kabbalah for three years (during his prison sentence for attempted murder.. but whatever, better than nothing..)

Maybe these Rap Genius kids need some meditation and mysticism to wake them up from their stupor. Luckily, they are also beginning to explain poetry on their site, including the poems of Rumi, the great Sufi mystic/Persian poet. Check it out!

PERSIAN MOMS: They need your help explaining the Rumi, and the nice part of Rap Genius is that anyone can add explanations. Please help these children learn some manners and gain some perspective. Shofar Magazine sincerely hopes these talented, confused children will become aghebat bekheir in the end. (To quote the Book of Ecclesiastes: “This too shall pass...”)

\*Mahbod Moghadam is a Persian Lawyer in California, and co founder of Rapgenius.com.



(photo of Shyne’s pilgrimage to Jerusalem after converting to Judaism in prison from <http://www.vosizneias.com/wp-content/uploads/2010/11/shyne5-512x268.jpg>)

# Alice Dancing Under the Gallows

By: Sanam Shamtobi\*

**“In a time when genocide is still a reality, Alice’s protest that “hatred only brings hatred” is an ever-relevant message whose power cannot be underestimated.”**

It is possible that in the last few weeks, you received an email with a video about the oldest living holocaust survivor. As you clicked the link, you may have thought, “I’ve seen enough of these documentaries to know what’s coming,” and from the first moment is started, you realized that this is something different. Alice Herz-Sommer, at

the international community and show how “well” the Jews were doing under Nazi rule. As Alice sees it, she was kept alive because of the power of music.

After her liberation, Alice sought refuge in Israel and remained fiercely devoted to teaching and playing piano as well as inspiring her son to a career as a successful

only a personal source of comfort, but “moral support” for the other prisoners at Theresienstadt, allowing them to feel “magic” if only for a few moments. Nearly 65 years later, Alice maintains her ability to captivate and enchant an audience as she unwaveringly glows with a devotion to optimism, beauty, passion and the divinity of allowing music, but above all else, love into our hearts.

In a time when genocide is still a reality, Alice’s protest that “hatred only brings hatred” is an ever-relevant message whose power cannot be underestimated. With the collection of Holocaust testimonials that we have at our disposal and the immense suffering that man in general has endured, the stories of extreme heartache and torment should have been enough to prevent malice to exist on any level.



almost 106 years old, is sitting in her London flat, simply beaming about the “phenomenal” power of Beethoven, concluding that “Music is G-d,” and declaring, “Everyday in life is beautiful.”

By 1942, Alice had gained a notable reputation as a concert pianist, often playing with the Czech Philharmonic as a featured soloist. She was happily married, had a son named Raffi and enjoyed the company of family friends such as Franz Kafka and Gustav Mahler. That same year, Alice was imprisoned in the Theresienstadt concentration camp, where she would continue playing piano, as part of the Nazi agenda to deceive

cellist. Upon turning 100, she moved to England to be close to her family, but tragedy struck when Raffi suddenly passed away. With such immense sadness and grief, Alice again found a means of survival in her music as it gave her space to mourn, reason, and heal.

The documentary “Alice Dancing Under the Gallows,” is an outstanding piece that offers any human being a moment of escape into the mind of a woman who refuses to hate. Even today, after all the time Alice has had to reflect on her history, her ultimate conclusion is that she is “richer than other people.” Interview after interview reveals how Alice’s music was not

Perhaps the steadfastly profound Alice, reassuring us that life and our fellow men are truly beautiful will help us learn this lesson a bit better.

The film is directed by Oscar winning director Malcolm Clarke and produced by Caroline Stoessinger, Nick Reed, Chris Branch, Larry Abramson and Jasmine Daghigian. For more information on the film visit: [www.nickreedent.com](http://www.nickreedent.com)

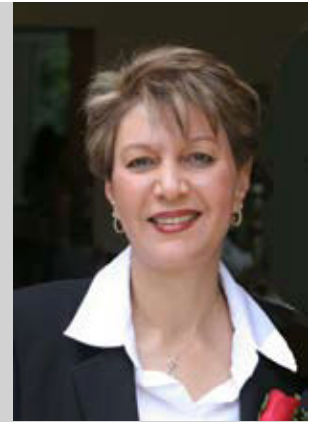
\*Sanam Shamtobi received her BA in English Literature and Art History from USC in June 2010.

She is currently pursuing a PhD in Clinical Psychology and fulfilling her dream of going to cooking school.





*Dr. Farnaz Halavy Galdjie*



*Dr. Dorit Halavy Miller*

## Dear Sisters

**“Dear Sisters” is a new section in Shofar Magazine written by Dr. Dorit Halavy Miller and Dr. Farnaz Halavy Galdjie, Licensed Clinical Psychologists. Please e-mail your questions to Dorit@talktherapy911.com. This page is not intended for making final decisions, and is not a substitute for therapy. For further guidance, please contact your mental health professional.**

**Dear sisters,  
I am a young man starting my career in a law firm. Even though I feel confident of my abilities, I find myself unable to sleep at night due to worries about my job and my future. My friend told me about the Eastern Philosophy of Zen meditation and recommended I start taking special Meditation classes to teach me to relax. Can you please explain to me what Zen is all about and how it can benefit me at this time in my life?**

**Thank you**

---

Dear anxious young attorney:  
Zen and Eastern Philosophy tries to bring home this obvious point: that life does not exist anywhere else but at this very second, called the Present Moment. The past is only a day-dream of our mind, and the potential future is nothing but a story we have made up, a fantasy of sorts.

While we all understand this fact with our logical minds, we live our daily life carrying with us self-made stories of the past and

made-up stories of the future. If we get confronted with this dilemma, we might say: “yes, it is true that the past is only our version of events passed, and the future is nothing but our stories of potential events in the future, and that both have no reality in the present. BUT, we must learn from our past so that we can create the most desired life for ourselves and our loved ones in the future.” That is how we all live our life from day to day; Learning from our past and projecting our lessons into the future. Trying desperately to avoid the “bad” and searching frantically to create more of the “good” stuff in our lives.

Zen practice does not advocate for us to stop doing that. Our survival depends on doing exactly that. The problem is that when we do this automatically and without awareness, we forget and fail to see that the ONLY thing that is real is THE PRESENT MOMENT. This very second, this is the ONLY dimension in which life is actually taking place in, goes by us unnoticed (for the most part). And since we all agree that the life takes place ONLY in the NOW, we can then conclude that most of us miss

out on LIFE (the present moment), as we obsessively dwell on the past and worry about the future.

The NOW is swallowed up when we rehash angry or painful events from our past and imagine anxiety provoking scenarios of our potential future. One can write a book on all the thoughts which take place in one’s mind about him/her past and future; all the anger and rage and hurts and disappointments with self and others, the wrong-doings of self and others and the regrets and judgments of self and others. All the projected fears of “what if” this or that happens. Every possible fear, from loss of money to loss of health and love, to eventually, the biggest loss of all: loss of life.

The only reason we all do this (without exception) is: SURVIVAL. We, humans, are hard-wired to be searching continually for whatever keeps us safe and secure. More money, more love, more social acceptance and friends, the more – the better, or so we think (unconsciously). The problem is not that we attempt to secure our survival, the problem is that we do so automatically and without awareness and hence, without limit.

Like a dog which will not stop eating until it kills him. We too, follow our instinct to the point of making ourselves sick, emotionally and physically. We work and stress beyond what is healthy. Some people destroy their families and take their own life when they lose money (although they have enough left to live a good life).

The problem is that while we obsessively and blindly try to secure our survival, we miss out on life as it takes place right here and right now. While we are busy rejecting what we don't like and frantically searching for what we do – life is unfolding and passing by us ; in its own shape or form; whether we like it or not. Your life is what it is right now – right at this very moment – including all that you do like or all that you don't, all that you do accept and all that you reject. And if you are not aware and awake enough to experience it – you will simply miss out on your life!

So try and train your mind to become more mindful of itself. Try to remind yourself to interrupt the continuous chatter of your mind whenever possible and simply watch your mind. Become alert and awake of all that is taking place right now, including your thoughts and feelings. Instead of getting lost in your stories, observe them. See them for what they are: stories. You cannot stop your mind from spinning tales of the past and the future, but you can become an observant of them, rather than getting lost in them. This way, your stories will have less emotional charge on your physical being. This way, you will, in time, learn to become quiet enough inside of your mind so that you can take in all the joy and pleasures that life is offering you every day.



## A Poem By Rumi

Not Christian or Jew or Muslim,

Not Hindu, Buddhist, Sufi, or Zen.

Not any Religion or Cultural System.

I am Not from the East or the West,

Not out of the Ocean or up from the Ground,

Not Natural or Ethereal,

Not composed of Elements at All.

I do not Exist, am not an Entity

in this World or the Next,

did not descend from Adam and Eve

Or any Origin Story.

My place is placeless,

A trace of the traceless.

Neither Body or Soul.

I belong to the Beloved,

I have seen the two Worlds as One,

and that One call to and Know,

First, Last, Outer, Inner,

Only that breath-breathing

HUMAN BEING. RUMI

# The Chosen Taco!

By: Tannaz Sassooni\*



**“Offering a fusion of two of LA’s most quintessential ethnic cuisines ‘Mexican and Jewish’ Takosher deliciously fills a neglected niche in the food truck scene.”**

An exciting trend has taken over the Los Angeles food scene, and most everyone’s getting involved. At lunchtime, dinnertime, and especially late at night, on the busiest pedestrian streets of the city, you’ll find long lines of people eagerly waiting their turn to taste the flavor explosions on offer at a variety of food trucks. The food is part of the draw, but just as important is the fun factor: food trucks force us out of the isolation of our cars and give us a rare opportunity to socialize with our city’s diverse

citizenry. You may not hang out in the same places as the people in line with to you, you may even live in completely different parts of town. But you find yourself bonding over the delicious treats that await you -- after all, everyone can appreciate a Korean fusion burrito, Vietnamese spring rolls hot out of the fryer, or sweet potato fries topped with tomatillo chicken, right?

Well, not exactly everyone. The sizable number of Angelenos who maintain a kosher diet can’t join in the fun, with trucks offering

menu items like Korean spicy pork burritos or cheeseburger dumplings. Enter Takosher, the nation’s first glatt kosher taco truck. Offering a fusion of two of LA’s most quintessential ethnic cuisines - - Mexican and Jewish -- Takosher deliciously fills a neglected niche in the food truck scene.

But what is a Jewish-Mexican fusion taco? The best example might be the brisketaco. At first glance, it looks totally authentic: shredded meat in small lightly grilled corn tortillas topped with chopped onions and cilantro, and it even riffs off the traditional suadero taco, which also features brisket. But the flavors here are pure Ashkenazi family dinner. Slow braised in a sauce of chili, raisins, and sauerkraut, the tender meat is sweet and tangy.

Another unorthodox option is the latketaco. While you can occasionally find potato tacos at Mexican taquerías around town, Takosher packs theirs with crispy potato mini-fritters, and tops them with an apple jalapeño chutney, demonstrating how well the flavors of a traditional Hanukkah favorite can satisfy anyone’s late-night hankering for salty, sweet, and fried.

Carne asada, citrus-chipotle chicken (cheekily called “The Chosen Chicken”), and the “Fujita” -- tofu prepared fajita-style -- round out the taco selection. Though there’s no cheese or sour cream to be found at this taco truck, Takosher keeps things bright with fresh homemade salsas and a crisp jicama cucumber slaw. They also feature a selection of kosher sodas.



While Takosher takes its glatt kosher certification very seriously, it maintains that sense of playful irreverence that typifies LA's gourmet food trucks, demonstrated here by the slightly tweaked catchphrases splashed across the bright blue truck: "The Chosen Taco", and "Why Is This

pricetag. After all, you can't expect the Chosen Taco to come cheap.

Takosher's commitment to kashrut goes beyond the letter of the dietary laws. According to Lowell Bernstein, one of the owners, "Takosher really focuses on eating with purpose, using food as a conduit or tool not only to nourish ourselves

to create a cohesive and pleasant work environment for all of our team members. We purchase local whenever possible."

You can find the truck all over town: serving the late night post-Shabbat crowd in Pico-Robertson on a Saturday night, at Jewish and non-Jewish events, and



Taco Different From All Other Tacos?" But, as anyone who keeps kosher knows all too well, dining at kosher restaurants comes at a premium, and Takosher is no different. Paying \$3.50 for a taco may come as a shock to those used to the rock-bottom prices at traditional taco trucks, but kosher certification and kosher ingredients are costly, and Takosher's commitment to high-quality ingredients and unique recipes help to justify a larger

physically and emotionally, but to nourish our sense of community." And it goes beyond just food. "We recycle, we donate food, we work with non-profit organizations, we are working to develop relationships with schools." Bernstein, along with owners Moises Baqueiro and Chris Martin, strive to run their company with 'fitness', the literal translation of kashrut, in mind. "We respect what we create and who creates it. We go the extra mile

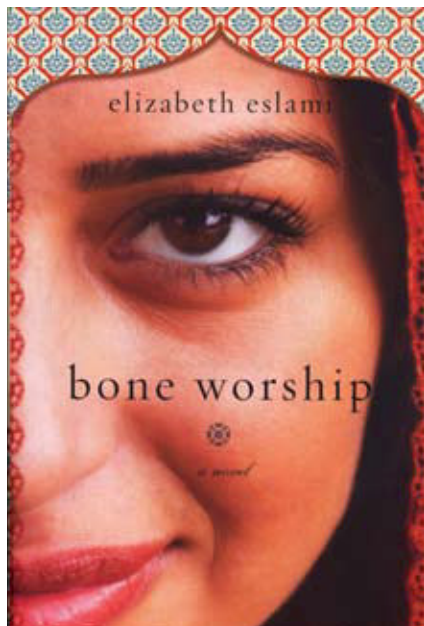
at private parties (don't you wish you had a taco truck at your Bar Mitzvah?). Track the Takosher schedule at [www.takosher.com](http://www.takosher.com).

\*Tannaz Sassooni is a freelance writer, currently working on an Iranian Jewish cookbook. She works as a technical director at Dream Works Animation.

## Book Review:

# Briefly Noted

By: Mojgan Moghadam Rahbar

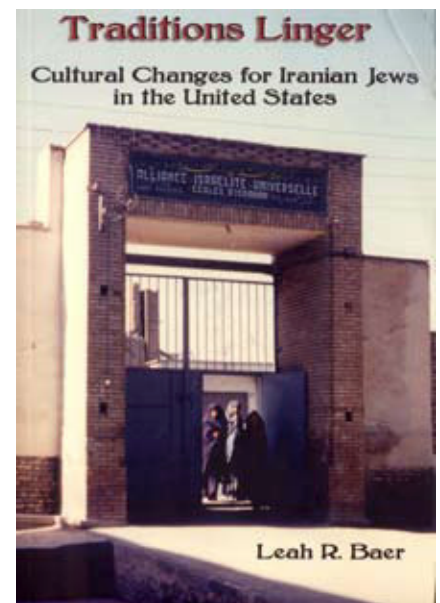


**Bone Worship, by Elizabeth Eslami (Pegasus; \$15.95).** In her debut novel, Iranian American author Eslami writes about her life and experiences as the daughter of an American mother and Iranian father. Jasmin Fahroodi returns home after spending four years at a top American university without graduating, due to her failing grades. Throughout her childhood and in college she has found it hard to make friends and express herself. Jasmin believes that most of this awkwardness is because of her father's discomfited behavior which she believes extends from his cultural background. Dr. Fahroodi enjoys a certain amount of respect from his patients and colleagues at

the small town where he practices medicine, but he is not able to make friends with any of his associates no matter what country they are from. Jasmin's brother has left the family in pursuit of his own dreams which did not meet with their father's stern conviction that he should study to become a doctor. Upon returning home her father believes that the only path open to her, after failing school and choosing not to pursue medicine, is to get married. So, he goes in a serious search for Khastegars who would date and perhaps marry his daughter. The relationship between Jasmin and her father is full of ambiguity and she believes that her father's lack of affection stems from his different culture. Dr. Fahroodi does not like to talk about his days in Iran or his family so it is even harder for Jasmin to understand him. This is perhaps why she believes that all the strange behaviors that her father shows are because of his Iranian culture. There are some parts of the book that make it hard for an Iranian to identify with Jasmin or her father. For example, one of her Iranian khastegars is named Omar. As far as I know Iranians are not too fond of Omar in a historical sense and there is no way that any Iranian would call their son by that name. So, sometimes it is hard to believe if the book is representing a true

Iranian American conflict or just a limited perception of one individual who cannot explain the strangeness of her father and the only reason she can come up with is that he was born and raised in another country.

**Traditions Linger, by Leah R. Baer PhD (Mazda Publishers; \$35).** As an American Jew, Baer was very interested to know about the life and traditions of the Iranian



Jewry while studying in a special exchange program at Ferdowsi University in Mashhad, Iran in the summer of 1978. She was surprised to find how different the cultural and traditional beliefs and ceremonies of Iranian Jews were compared to those of European heritage. These interests prompted her to research and write about the history and life of Iranian Jews in Iran and follow the cultural changes that have taken place within this community in the United States. Baer has done a wonderful job of explaining the complicated history of Iranian Jews in a brief and easy to follow narrative and describe the sense of cultural identity that each Iranian American Jew feels and wants to hold on to.